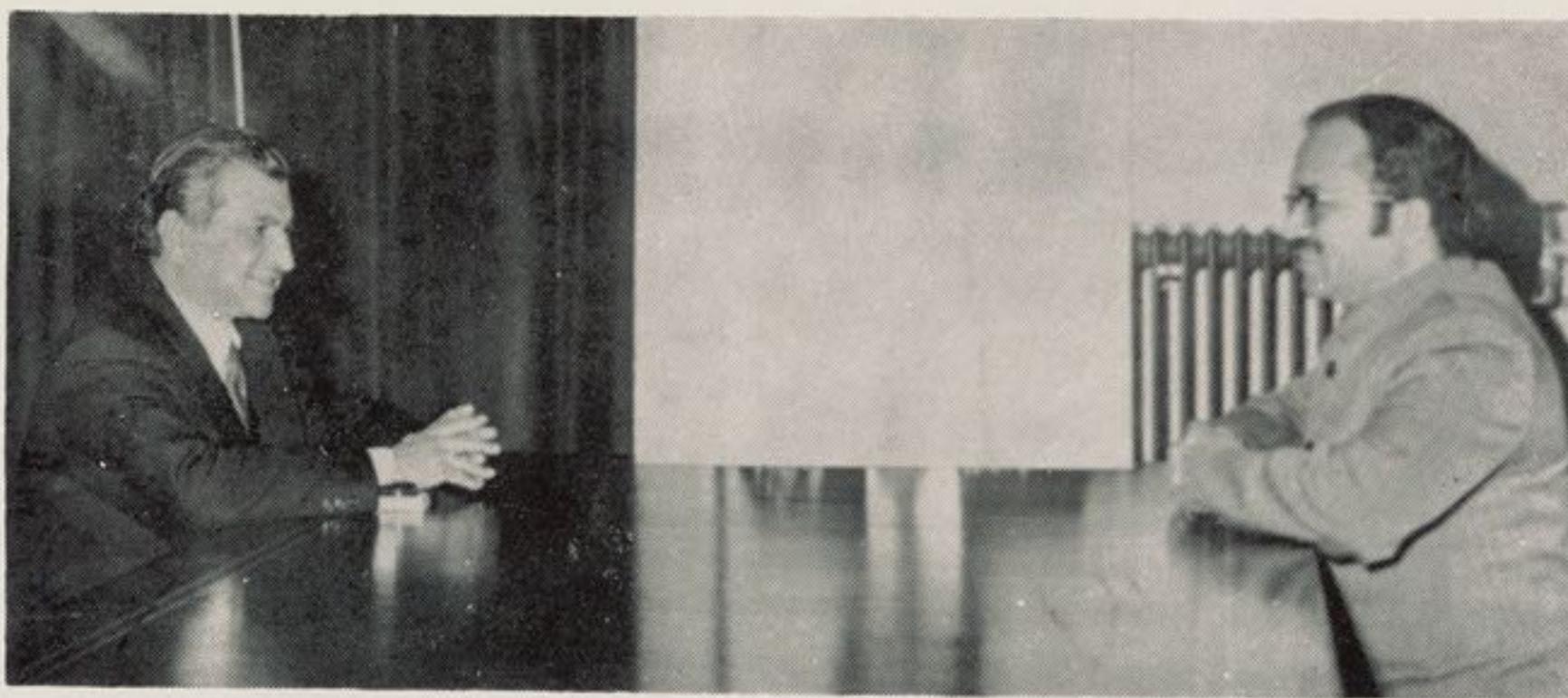


لطفون

الظاهر العظيم

شنبه ۲ دلو ۱۳۵۹
۲۴ فبروری ۱۹۸۱
سال ۳۲
شماره (۴۳ - ۴۴)

Ketabton.com



د افغانستان د خلک د موکراتیک گوند د مرکزی کمیته عهومی هنمشی د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرکار مل، هندی ژورنا لست او افغانستان پیژند و نکی د گستوروی بروید یک دانقالا بی شو را په مقر کمیته هنلی او خبری ور سره کوی

افتخار و قایه

کمیته د عمومی هنمشی د افغانستان
د دمو کرا تیک جمهوری ریت د انقلابی
شورا رئیس او صدراعظم راعنایم
ببرک کارمل له خوا به کابل کسی

د مغلستان د خلکو د جمهوریست
بر جسته حزبی و مامورین عالیرتبه
د لوی سفیر او فوق العاده نماینده
کمیته مرکزی حزب دوکراتیک خلق
از علما و روحانیون بعضی از روسا
به توگه د پونت ساکین شاگ
شانداری در سر تاسر کشور تجلیل
افغانستان، رئیس شورای انقلابی
دار سون دیپلوماتیک کشورهای
واعضای کور اکریمان چی د هغه هیواد
دار سون دیپلوماتیک کشورهای
د مغلستان د خلکو د اشتراک ورزیده
و اسلامی مقیم کابل اشتراک ورزیده
دولت له خوا غوبېتل شوی و بهدی
وزو ستیو وختوکی صادر شویدی.
* * *

روز میلاد مسعود حضرت سرور
انقلابی بدین مناسبت ترتیب یافت
کاینات محمد مصطفی (ص) روز ۲۷
برود، ببرک کارمل هنمشی عمومی
دولتی، اعضای شوون اسلامی، برخی
کمیته مرکزی حزب دوکراتیک خلق
از علماء و روحانیون بعضی از روسا
به توگه د پونت ساکین شاگ
شانداری در سر تاسر کشور تجلیل
افغانستان، رئیس شورای انقلابی
دار سون دیپلوماتیک کشورهای
واعضای کور اکریمان چی د هغه هیواد
دار سون دیپلوماتیک کشورهای
د مغلستان د خلکو د اشتراک ورزیده
و اسلامی مقیم کابل اشتراک ورزیده
دولت له خوا غوبېتل شوی و بهدی
وزو ستیو وختوکی صادر شویدی.
* * *

در محفل شکو همندی که قبل
از ظهر روز ۲۷ جدی از طرف
دوکراتیک خلق افغانستان، اعضای
کمیته مرکزی واعضای هیات رئیسه
د بہرنیو چارو دوزارت داطزاعت د
د افغانستان د خلک دوکراتیک
ریاست عمومی شوون اسلامی
کمیته مرکزی واعضای هیات رئیسه
د بہرنیو چارو دوزارت داطزاعت د
د افغانستان د خلک دوکراتیک
جمهوری دمو کرا تیک افغانستان
و شو رای ا نقلابی و اعضا
مدیریت خبر را کوی د افغانستان
گوند د مرکزی کمیته عمومی
در قصر دلکشای مقر شورای
شو رای و زیران و کدرهای د خلک دمو کرا تیک
منشی د افغانستان د دمو کرا تیک



عبدالرشید آرین حین ایراد هطالبی در هراسم روز میلاد حضرت محمد مصطفی (ص) پیا میر بزرگ اسلام
در قصر دلکشای مقر شورای انقلابی

رونالد ریکن په نامه واشنگتن ته
د مبارکی تیلکرام مخابره شویدی.
پدی تیلکرام کی هیله خرگنده
شویده چې د دوی دواکمنی به دوران
کی د افغانستان د دموکراتیک
جمهوریت او د امریکا د متحده
ایالاتو تر منځ اړیکی د دواړو هیوادو
د خلکو د نړیوالی سولی او دینانت
په ګټه عادی حالت غوره کړي .

• • •
استاد تحویلده هی هفتاد عراوه
موتر زیل یکصدو سی کمک بلاغون
دولت دوست جمهوری دموکراټیک
خلق مجارستان قبل از ظهر ۲۹ جدي
طی مراسمی توسيط دیزو کیش سفیر
کبیر آنکشور مقیم کابل به شیر جان
مزدوریار وزیر ترانسپورت و توریزم
تسليم داده شد .

• • •
د شوروی جمهور یتو تو د اتحاد
د روغتیا نندار تون چې د عامې
روغتیا په برخه کی د هغه هیواد د
زیاتو بريا لیتو بونو بنکار ندوی
دی د جدی په ۲۸ نیټه دعا می
روغتیا د وزیر پوهاند داکتر
محمد ابراهیم عظیم له خوا دوقایوی
طب د ریاست په تالارکی پرانستل
شو .

• • •
باخترام میلاد مسعود خضرت
سرور کاثنا ت محمد صطفی (ص)
وشروع قرن ۱۵ هجری قمری نظر
به هدایت هیات رئیسه شورای
انقلابی، خارنوالی اختصاصی انقلابی
برهایی یکتعداد متهمین سیا سی
تصمیم گرفت .

• • •
پروتوکول همکاری در زمینه
مستهولین تدریسی و اداری و کمینه
های سازمان دموکراتیک جوانان
افغانستان در موسسات تحصیلات
عالی و مسلکی روز پنجشنبه بین
وزارت تحصیلات عالی و مسلکی و
سازمان دموکراټیک جوانان
افغانستان اعضاء گردید.



د عامې روغتیا وزیر کله چې د طب دلوړو زده کړو د انسټیتوټ د فارغانو سره خبری ګوي .



وزیر تجارت و وزیر ترانسپورت و توریزم در خیافتیکه به مناسبت تحویلده استاد موتر های زیل از طرف سفیر کبیر مجارستان در کابل ترتیب شده بود .

• • •
جمهوریت د انقلابی شورا رئیس اوصدراعظم ببرک کار مل د جدی
په ۲۹ نیټه یو هندي ذور نالیست او مشهور افغانستان پیژندو نکی داکتر وي، پی ویدیک د انقلابی شورا په مقر کی ومانه او له هغه سره یې د دوستی په فضائی د علاقی وړ مسالو په باب خبری وکړي .



• • •
د طب د لوړو بنوونو د انسټیتوټ گوند د هر کزی کمیته د عمومی
لومړی دوره فارغان د جدی په دو همه نیټه
له غږی مخکی د مراسمو به ترڅ کې
د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس او صدراعظم ببرک کارمل لخوا
سازمان دموکراټیک جوانان افغانستان حین امضای پروتوکول .
دامریکا د متحده ایالاتو د جمهوری طب د ریاست د کتابتون په تالارکی
ریاست د خوکی د نیولو له امله د ور و پېښدل شول .

شماره ۴۳

اعلامیه وزارت امور خارجه

جمهوری دموکراتیک افغانستان

وسایل تحقیق حقوق انکار نایدیر عرب فلسطین بشمول حق تشکیل یک دولت مستقل و آزادی شهر قدس تشکیل میدهد.

اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تصادم ترازیک بین عراق و ایران را نیز طرح نمایند.

کنفرانس باید راه برای حل صلح آمیز ایسن برخورد پیدا نماید. تحکیم و تو حید همه نیروهای کشورهای برادر اسلامی در نهایت امر باید نتیجه عمده این کنفرانس باشد. همچنان معلوم گردیده است که بعضی از جمله های ارجاعی و پرسن اقتدار در برخی از کشورهای اسلامی تمایل دارند تا باز دیگر در اجندای اجلاس سران اسلامی به اصطلاح (مسالنه افغانستان) را بگنجانند. آشکار است که این تلاش هرگز ارتباطی با منافع کشورهای اسلامی نداشته و صرف در وحاظ بیشتر اوپرای اطراف افغانستان کمک نموده و صرف به منظور دامن زدن تبلیغات ضد افغانستان و ضد اتحاد شوروی به راه می افتد.

اینکه وضع در افغانستان چیست کاملاً یک مو ضوع داخلی کشور ما بوده و هرگز خطری را متوجه صلح و امن منطقه و جهان نمیسازد. هیچکو نه منازعه میان افغانستان و یا کستان و افغانستان و ایران و جو دندارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچکو نه بعای ارضی بر این کشورها ندارد. البته این واقعیت دارد که بعضی برایم ها توسط باندهای ضدانقلابی

کابل ۲۸ جدی (ب) وزارت امور خارجه جمهوری دموکرا تیک افغانستان اعلامیه ذیل را در ارتباط با اجلاس سران کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی که در یا یان چنوری ۱۹۸۱ در مکان موقته دایر گردید، به نشر می باشد.

اجلاس قریب الوقوع سازمان کنفرانس اسلامی دریک لحظه بسیار حساس و متشنج تاریخ جهان اسلام و منطقه شرق میانه در زمانی دایر گردید که امپریالیزم به خصوص امریکا و صیہونیسم فعالانه نقشه های را که صلح منطقه و جهان را به صورت کل مورد تهدید قرار داده تعقیب می نمایند. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عقیده دارد که کشورهای جهان اسلام بهتر است تو جه خود را با اینکه چکو نه مهمنبرین مشکلات و مسائل داغ ایسن کشورها خل گردد متوجه نمایند، مسائلی که از تعاظز اسرائیل، اشغال سرزمین های عربی، مانور های جداگانه اسرائیل، مصروف امریکا ناشی می شود.

آنها باید تعاظز مساحتی امریکا و مایل اشکال فشار بر خلق برادر عرب را تقبیح نموده، بیرون شدن فوری نیروهای نظامی و بحری امریکا را از خلیج وانحصار پایگاه های نظامی آنرا درین منطقه مطالبه نمایند. همچنان آنها باید تقاضا کنند که جلو توسعه رخته نظامی خارجی در شرق میانه و شرق نزدیک گرفته شود. یکی از مسائل بسیار عاجل را جستجوی راه ها و

اعلامیه حکومت

جمهوری دموکراتیک افغانستان

کابل ۲۸ جدی (ب): حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان یکبار دیگر لازم میداند تا مو ضع حود را در مورد به اصطلاح قضیه مهاجرین افغانی حسب آنی

شرح نماید: نحو لات مشتبی که در افغانستان در مرحله جا ید انقلاب تور برآه افتاده است از طرف تولد های وسیع مردم ز حکمکش کشور بیش از بیش در که و مورد بیش از بیش ایز و میکرد. این نحو لات بیانگر تحکیم حکومت مردمی، انکشاف اقتصادی، تطبیق اصلاحات ارضی و استقرار نظم و قانون و اعاده او ضایع در کشور میباشد.

کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست که اخیراً در شهر کابل به منظور پایانه گذاری جنبه وسیع ملی پدر وطن به اشتراک همه قشرها و گروه های جامعه می بدور این محور واحد دایر گردید، واقعه بسیم مهمنی بوده است. بیشتبایا نیز مردم اعم از تمام ملیت ها، اقوام قبائل و تمام وطن برستان از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی بطور درخشان وقایع کنند و طی ملاقات های اخیر ببرک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیک خلق افغانستان، رئیس شورای انتظامی و صدراعظم بیانی دگان مردم ولايات با میان، جوز جان، غور،

سلسله هفت و شنبه ها و نشسته های انتصاراتی ذوب‌آهن و راهنمایی

انقلاب نور تحقق یافته است سه
چهار ذخیره نفت تثبیت گردید که
دوازده تا پانزده میلیون تن نفت قابل
استخراج دارد که در این شمار دو
ذخیره همین اکنون آماده استخراج
نیز میباشد و مامیتوانیم به صورت
اعظمی یکصد و بیست و نه روزا نه
استخراج داشته باشیم که اگر
زمینه های تامین ترانسپورت به
صورت درست فراهم باشد این
مقدار به کابل انتقال داده شده می
تواند استفاده از این ماده سوخت



مشکلات ترانسپورتی در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است

های ارتباطی و تثبیت ذخایر نفت با امکانات که وجود دارد هم کمبود
و گاز ریاست دتیلی ملی موسسه ذغال سنگ رفع میکردد و هم برای
حمامها، خبازیها و موسسات دولتی است
این ریاست بادو واحد اداری که برای گرم ساختم مرکز گر می
بزرگ خود ریاست تخصصات نفت
های خود از دیزل و یاماده سوخت
دیگری استفاده میکند کمک خوبی
در مدت فعالیت هایی که بعداز میگردد.

یک بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

دیگر قلت چوب و مواد سوخت در شهر کابل رفع

گردیده است

در این گرد هم آئی این اشخاص شرکت داشتند

۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل

۲- محروم علی معاون شاروالی کابل

۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره -

میاشت

۴- دیلوم انجینیر حفیظ الله توابی رئیس د افغانستان د تیلی
ملی موسسه

۵- دیلوم انجینیر عبد السلام صافی رئیس برق کابل .

۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل

۷- دگر من ار کان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون
وزارت دفاع ملی .

۸- دیلوم انجینیر محمد قاسم بول معاون ریاست پلان وزارت
معدن و صنایع

۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی

۱۰- انجینیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ

۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخفیکی ریاست انحصارات دولتی

۱۲- عبد الله بشیر شور «به نهایندگی از خانواده های کابل» و
برخی از اعضای گروه مشورتی زوندون

و گاز وزارت معدن و صنایع اقداماتی

در دست اجرا دارد که معاون ریاست

پلان که درین گفتگو حضور دارد

به شما گزارش خواهد داد ولی در

اساسی ترین شیوه بی است که می

تواند در رفع دشواری محروم قات

کمک شایان کند .

موادی که در شرایط کشور ما

میتواند جانشین چوب و ذغال گردد

یک - نفت خام :

مادخایر کافی تثبیت شده از این

در قدم اول عبارت است از نفت

ماده در شمال کشور خود داریم که

دیزل، گاز، ذغال سنگ، برق و ...

در مورد استفاده از ارزی نفت مسئول اولی در بخش فعالیت

انجینیر نوابی :

موضوع تعویض ارزی که تاکنون

چند دفعه به آن اشاره شد واقعاً

این زمینه صحبت میکنم که چه تجاویز

دیگری در مورد گرفته شده میتواند

موثریت آن بجه بیمانه است شرحی

را تقدیم میدارم :

یک - نفت خام :

مادخایر کافی تثبیت شده از این

ماده در شمال کشور خود داریم که

دیزل، گاز، ذغال سنگ، برق و ...

در مورد استفاده از ارزی نفت مسئول اولی در بخش فعالیت

پستلیل

میانجی و ابتدایی فرهنگ

ولایات جنوب گشود آمده انتقال به کابل بود
انگاشتیم که تا توزیع کامل چوب موجود
شاروالی ذخیره دومی نیز به شهر انتقال داده
خواهد شد و چون توزیع به اندازه کافی
صورت می گیرد خود به خود بالای تقاضا افزایش
می گذارد و قیمت هادر گنرال می آید، اما
عواملی چند موجب گردید که چوب به وقت

رسد اما در صورتی که بودجه کافی برای آن
وجود داشته باشد به سادگی ممکن می گردد.
استفاده دیگری که بوسیله محترم راصح به
طرح آمد موضوع گرانی پخت نان در خبازی
های شهری بود باید بگویند ما اکنون دو نوع
خبازی داریم یک خبازی های که در شاروالی
نیستند اند و دو خبازی های زنانه که بسته
اساس تقاضای مردم یک محل در گاراز هاو
غیر دوگان عابه وجود آمده اند و اکثراً
متخلخلان نیز از همین دسته دوم می باشند که
خاص شاروالی به فوریت داخل اقلام گردیده
می گردند.

اینکه چرا قیمت پخت یک قرص نان از پنجاه
بول به هفتاد و پنج بول و بعدیه یک افغانی
از دیگر پافت دلیل آن را باید باز هم در گروانی
قیمت چوب و اینکه شاروالی به دلایلی که قبل
از آن دادم نتوانست چوب مورد ضرورت
خبازان را به قیمت معین به مدت سه ماه
گذاشت، به کاوش گرفته شود از نظر من در
مسایلی که به شاروالی کابل انتقاد می گردد
و در این کار همین مساله چوب باید در گذار
وقوعات مردم از این ممکن است آن هم در
نظر گرفته شود، چار چوبه صلاحیت آن هم در

پہلوی مستولیش مطالعه گردد و گزنه قضاوت
هایی باید خواهد بود و یکطرف.

یقیه در صفحه ۵۵

معنی به شهر کابل انتقال نیابد و از سوی هم
تمام مقدار ذخیره شاروالی در هدت بیش از
دو علفه برای خبازان شهر به ترتیب معین توزیع
نمیباشد و ما صرف میتوانیم معادل هشت
هزار تن از آن را از منابع گاز خود استخراج
کنیم.

کابلی است که مقدار آن متناسبانه فراوان
نمیباشد و ما صرف میتوانیم معادل هشت
هزار تن از آن را از منابع گاز خود استخراج
کنیم.

حتی هفتاد افغانی صعود گردد، در چنین شرایطی
شاروالی کابل بی اینکه خصوصیت بازار و
عوامل بالا روی قیمت هارا در نظر داشته
باشد و یا حتی بدون اینکه از مقدار ذخیره
شاروالی ممکن باشد با آن هم در همین زمان
خواهد بود و هارکیت عاو امکانات انتقال
که از این ماده حیاتی خانواده ها در گرم
ساختمان هنوز و موارد دیگر استفاده نکنند
چوب از ولایات به مرکز مطالعه کافی گردد باشد
قیمت چوب سوخت را فی سیر کابل می باشد
که بیشتر از شصت کیلو متر مشود بیب
در افزایش به مشکلات معروفاتی مردم نش

درازی خردیاری چوب در اختیار شاروالی قرار

گرفت و استفاده از عینین بول از یکسو برای رفع
عوامل چلوگیری انتقال چوب به کابل و از سوی
دیگر موجب گردید که پرابلم کاملاً رفع
گردد.

برای چلو گیری همیشگی از صعود قیمت
یک راه مجاہد اساسی این است که ما هار کیم
عنی هنگام داشته باشیم که در شرایط اقتصادی
کنونی شاروالی تأمین آن آسان به نظر نمی
گردد.

در موردی که مثال اورده باید بگوییم علی

چند موجب شد که شاروالی متین باشد چوب

به قیمت تعیین شده عرضه شده میتواند یکی از

این دلایل این بود که ما مقدار کافی چوب

ذخیره داشتیم و چون مقداری چوب نیز در

بنابر این اولین در خواست مشخص می
باشد که برای انتقال نفت خام و مسائل
ترانسپر و تری کافی در نظر گرفته شود و
شاروالی کابل نیز امکانات استفاده حمام ها
ونا نوایی ها را از آن فراهم آورد تا در
همین بخش که غلا امکانات آن کاملاً میسر

آست نمیباشد افراد سوخت اثر ذی ذات
کاملاً سالت نیز هاده سوخت اثر ذی ذات
در این است که مقدار آن متناسبانه فراوان
نمیباشد و ما صرف میتوانیم معادل هشت
هزار تن از آن را از منابع گاز خود استخراج
کنیم.

کابلی است که از آن مورد استفاده
قرار گرفته میتواند، گاز است و در زمانه
شای مختلف مورد استفاده دارد، امامت اساقه
دور بودن منابع آن از هرگز مالح آن همگردد
که از این ماده حیاتی خانواده ها در گرم

ساختمان هنوز و موارد دیگر استفاده نکنند
چرا که برای این متنفس باید از منبع تاهرک
که بیشتر از شصت کیلو متر مشود بیب
لین تجدید شود و تطبیق این پروژه مصارف
هنگفتی را ایجاد میکند، از سوی دیگر برای

اینکه زمانه استفاده از گاز برای خانواده ها
فرامه هم آید قبل از باید مورد استفاده آن
برای هو سیان بزرگ صنعتی فرامه گردد
که این خود مدتی وقت می خواهد به اساس
بروزه عایسی که در دست اجراء میباشد قرار
است در قدم اول در شهر های تزدیک به
منابع گاز امکان استفاده از این ماده فراهم
گشود.

در موردی که مثال اورده باید بگوییم علی
چند موجب شد که شاروالی متین باشد چوب

به قیمت تعیین شده عرضه شده میتواند یکی از

این دلایل این بود که ما مقدار کافی چوب

ذخیره داشتیم و چون مقداری چوب نیز در

نیز در نظر گرفته شد که شاروالی

نیز در ن



زحمتکشان روستایی و پاپواییو

گینی در عملیه صید کروکو دیل مهارت زیادی دارند و این راه تامین معيشت می‌کنند.

پرورش این جانور عبارت از آبهاش شور و نمکین تشخیص شده که غالباً حیوان آبی مذکور در کرانه های پایانی دریا مشرف به ساحل، چوچه می‌آورد. طول این نقطه نیز باید از بیست فت کمتر نباشد. در غیر آن محیط محدود و کوچکتر، چوچه، کوروکودیل را از نشو و نما و پرورش طبیعی باز میدارد و آن حیوان را مقید و ناراحت می‌سازد. هر گاه محل تولد و پرورش جانوار مذکور در حصة فوکانی، ساحل بسیار نزدیک باشد، کار ولادت و زیست چوچه و مراقبت مادرش مشکل می‌شود زیرا کوروکودیل بخاطر تهدید خطر مرگ و کشتن یا شکار توسط انسانهای ساحلی محیطش می‌برسد و زندگی برایش سخت می‌شود.

درین منطقه باشند گان پاپواییو. گینی در قبال زندگی و حشرهای خود غالباً مسرور و راضی اند زیرا بخاطر دستیابی گوشت و تخم و پوست جانوران بحری و هو جودات آبی، اکثر اوقات به شکار می‌پردازند و ازین رهگذر مقاد زیادی را بدست می‌آورند.

در سال ۱۹۵۰ شکارگران خارجی و تاجران با استعمال وسایط عصری صید و شکار مانند تفنگهای شکاری، چراغهای دارای قوه بر قی، جالیهای مخصوص شکار حیوانات آبی توانستند، تقاط

پاپوائیو گینی

هر کروکودیل جهان!

از منابع ملل متعدد

نگارش و ترجمه: خیرنیار محب
حیرت

پاپوا نیو گینی دومین جزیره بزرگ جهان در کرانه غربی اوقیانوس آرام، جنوب خط استوا و در سمت شمال آسترالیا واقع شده است و مساحت آن بـ ۳۰۰۰ میل مربع بالغ می‌گردد. این جزیره سر زمین تنوعات و یکدیده های مختلف است که توسعه

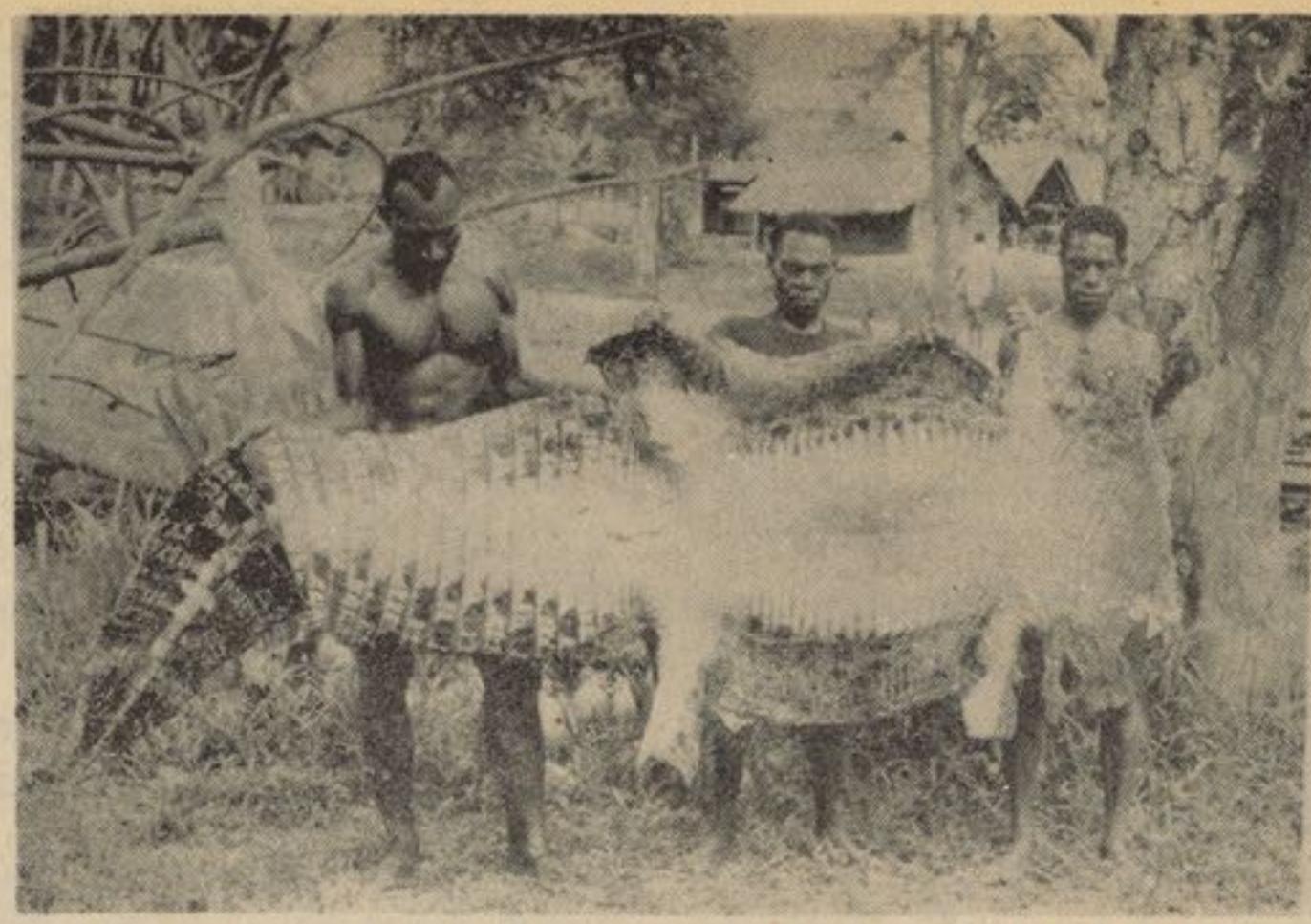
باظلاقها محاط شده و با ساحنه ساحلی و نشیبهای فرازهای خود در قسمت مرکزی و بلندی کوههای آن غالباً به ارتفاع ۱۵۰۰۰ فوت، آن در حقیقت منطقه حاره ارزیابی و شاخه‌های دریابی پوشیده است. نقوس آن که از نزد و نسل میلانشیان (دارای پشه طبیعی) شناخته شده و آنرا «محیط وحشیان (رامو) که در ناحیه شمالی بادریای نیز یاد کرده اند که مقایم «زندگی سبیک یکجا می‌شود هم به نظر وحشی» هم بران اطلاق گردیده است می‌رسد. این ساحه یک سوم حصة از آنجمله جانوریکه محیط زیست جزیره را توسط باظلاقها و مردابها مناظر پذیرنده را تشکل ساخته است. نقوس آن که از نزد و نسل

میلانشیان (دارای پشه طبیعی) می‌باشد. نمایی کوروکودیل می‌باشد. نمونه های ازین جانور در دیگر آب تازه ایکه قابلیت پرورش و تن می‌رسد، به بیش از هفتصد مناطق نهیگدار معروف جهان مانند نشو و نموی کوروکودیل را پیدا می‌نمایند. این مخلوق، متکلم اند، حوزه های دریای (سبیک) و (فلای) میتواند کرد، حداقل باید دوازده زبان مختلف، در یای (کیکوری) واقع فت طول داشته باشد. محیط دیگر این کشور بحیث سرزمین ریور، در یای (کیکوری) واقع جانوران یا پناهگاه حیوانات عجیب گلف یا خلیج (پاپوا) و رود بار زاد و ولد، چوچه گذاری و محل

صنعتی شده کورو کودیل را نیز با خود آورد و گفت که: (کشور پایوا نیو گینی مرکز کورو کودیل جهان است). وی اضافه کرد: دولت آنجا اخیراً بخاطر اکتشاف مطلوبتر این صنعت یک پروگرام و پلان طولی المدت دیگری را مطابق نیاز مندیهای اقتصادی و شرایط محیطی آنجا رویدست دارد. زیرا دست آورد صنعتی پوست کسور و کودیل این سر زمین ارزش زیادی بیدا کرده است.

متخصص مذکور گفته است که: حالا مشتریان ما خواستار آن شده اند تا پوست و محصولات صنعتی این حیوان مستقیماً برای شان ارسال گردد. تاجران هندی، فرانسوی، امریکایی و ایتالیایی بیشتر از دیگران درین باره اطمینان علاقمندی کرده اند. زیرا آنان از نظر جنسیت و کیفیت آنرا بهترین پوست کورو کودیل جهان تشخیص کرده اند. بطور مثال از پوست مذکور دستکولها و بکسهای کوچک دستی بقیمت فیدانه تا یکپارچه دالر، کیسه ها و کیفها و توشه دانهای سفری به ارزش فی عدد از (۸۰) تا (۱۰۰) و کمر بند های به بیهای یکدانه هشتاد دالر خرید و فروش میشود.

رو یعنی پوسته سالانه از پنجاه تا شصت هزار پوست کورو کودیل بکشورهای صنعتی بزرگ جهان صادر میشود. لذا صنعتگران این جزیره از عواید چنین مدرکی راضی اند.



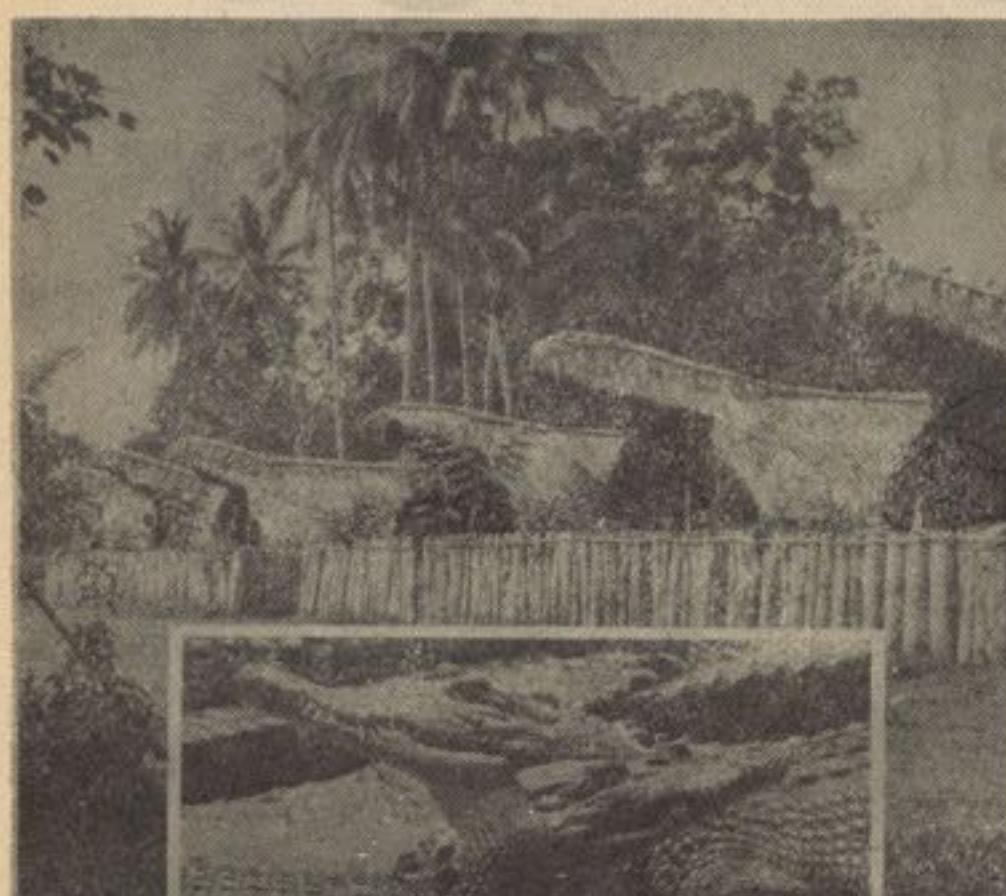
پوست یاجلد کرو کو دیل یکی از اقلام قیمتدار صا در این کشور پایوا نیو گینی میباشد و مردم بومی این سرزمین از گوشت آن جانور نیز تغذیه میکنند کشور مذکور در سال ۱۹۷۵ استقلال خود را بدست آورد.

((اداره زراعت، ذخیره و ماهیگیری)) جهان یکنفر متخصص و مشاور تاسیس شد و باسم مخفف (دی)، ماهری را جهت معاونت برای تیاز مندیهای خویشا مرفوع گردانند. پیشرفت مطمئنتر این صنعت جدید (ما کسویل دونس) آسترالیایی به آنکشور اعزام کرد تا برای یکدوره پنجساله در آنجا همکاری نماید.

اخیراً متخصص ملل متحد حین مراجعه خویش بمرکز سازمان «واد خوراک» و زراعت جهان در رومشمن ارائه گزار شنامه کتبی خویش در زمینه پیشرفت های این صنعت اطمینان داد و نمونه های از پوست یا رئیس این اداره بشمار می آید که بنام پدر یاموسس چنین موسسه عام المنفعه اقتصادی نیز شهرت پیدا کرد. وی برای تنظیم و طرح یک پروگرام و پلان مفیدی بمقصد پیشرفت کار و حاصل بیشتر تولیدات درین سر زمین که روزگاری مستعمرة بیش تبود، دست داشت و آستین برزد.

وی اساساً نخستین متخصص کنسرو یشن مواد تو ایدی تازه از منابع طبیعی میباشد که سیستم عصری تحفظ و نگهداری چنین فرآورده ها را درین جزیره عقب مانده مروج و منطبق کرد و خوراک های کنسرو شده را تعمیم داد. این عملیه خوبتر مساعد ساخت تا از یکطرف بر مقدار و شمار امتعه شکاری شان بیفزاید و از جانب چندی پیش از اداره پروگرام اکتشافی افزون تجارت پوست کورو کودیل چندی پیش از اداره پروگرام اکتشافی ملل متحد واقع (پورت مور سبای) پاییخت آنجا مقدار ۴۰۰-۸۰۰ دالر

امریکایی را بدلت یا بوانیو گینی کم کرد تا صنعت مذکور بیشتر ترقی یابد این امداد مالی در یک دوره ۱۹۷۶-۱۹۷۹ پروگرام چهارساله (۱۹۷۹-۱۹۸۰) مساعده گردید. همچنان طی سالهای اخیر سازمان اف، ای، او (موسسه مواد خوراک و زراعت) ماهی اقدام کرد. چنانچه در سال ۱۹۶۸ سازمان منظمی بنام



هرگاه به این تصویر دقیق شوید، مینگرید که دهاتیان جزیره پایوانیو گینی، پنا هگا هها و منازل شانرا بشکل کله و تنه کورو کو دیل مساعده گردید که دهاتیان جزیره پایوانیو

کت باز ۱ یستاده است ((واکولن چوک)) ملوان از برج کنترول فریاد می زند : ((برا دران به روی چه کسانی شنیلک می کنید رشته منظم زمان نا گهان درهم می ریزد و هر دم تند تر و تند تر می گذرد . افتشاش و آشفتگی ابر عرضه کشتی بند می گسلد ملوان افسران خود را دستگیر می کنند و همگی را به دریا می رینند . سپس زمان بار دیگر آرام می گیرد شمع بر سینه (وا کو لن چوک) به ذحمت می سوزد نور زنگ بریده مهتاب بر امواج کناره با زی می کند کشتی ها در خلیج در حلقه های فرا گیرمه پو شیده شده اند زیبا بی ایستای این صحنه ها - بیش در آمدی است بر عملیات جنوون آسا بی که در پیش است در صحنه غم ا نگیز تیر ! ندازی به تجمع آرام و به نشاط اهالی بر روی پله های او دیسا، ریتم شتاب بی رحما نه گرفته است مادری که بچه مرده اش را بای بازو گرفته راه خود را از میان گروه سر بازان تیر انداز باز می کند مادر جوان دیگری غفلتاً به روی کا لسکه حامل بجه اش می لغزد معلمی که از پله ها پایین می ایدعینکش به وسیله تازیانه سر بازان خرد شده و از صور -

تش خون جاری است مرد چاقی به سرعت روی دست هایش می چند تا از راه با راند از فرار کند کا لسکه بجه از روی پله ها یا گزینی افتاد را عشن را از میان جمعیت فراری و جنازه ها باز می کنند تا در انتها درهم شکسته شود و در تقابل با این صحنه های پرس آشوب و غم انگیز بیش روی استوار یک نواخت و بی رحمانه ستون

اما سی مردمی ، حرارت انقلابی صحنه تیر باران منو انان به سر بازان و بر قبیله کننده گرفت یکی از مهم ترین و پر کشش ترین رویداد های انقلاب را پرس



صحنه بی از فلم بنام «زمستان»

پیوسته بکلشته

نگرشی به سینمای سوردوی این سینمای انسانی



لاریسا دریکی از صحنه های فلمش

نویسنون

بنابراین ایز نشتنین تصمیم را به باز نمایش قیام ملوان خاطر خورد نگشت کرم زده شمشیر های قراق ها دارد. هنگام دلیر وو قایع انقلابی او دیسا د چنین به نظر می رسید که زمان ازحر می کند .

وشا هزاده بوتیومکین تا وریجسکی دست یا بی به حقیقت تا ریخی در این فیلم تنها به خاطر دقیق

تفویعی آن نیست بلکه پیشتر به پاس تبلور هنر هندازه ، سخت

سر شتنی و اهداف والا و پراج آن است از این رو به گفته خود

ایز نشتنین فیلم همچون و قایع نامه به نظر می رسید ، اما تائیر

یک درام را داشت ایز نشتنین با استفاده از شکل توین سینمای

در این فیلم زمان تقریباً به اراده ایز نشتنین در آمد و است در

(صفحه ۰۱)

تر کیب در خشان ، صحنه های بر جسته و خیره کننده تند وین (مونتاز) ما هرانه روش های بدیع فیلم برداری تداعی های تامترقبه واستعاره های سینما بی به هم می آویزند تا از فیلم رزمیانو یوتیومکین هم یاد نامه پرسکو - هی در باره انقلابی و زمان رو س بسازند و هم نقطه عطفی در تاریخ هنر سینمای جهان .

در این فیلم زمان تقریباً به اراده ایز نشتنین با



لاریسا او دوو یچنکو یکی از ستاره های سینمای سوروس

تهدید گشته میله ها یش را به نشسته دومی ایستاده و سو می کشمکش حادی را ما نند یک راهشان را در تاریکی به سوی پو- سوی سا حل می چرخاند و آتش وحشیانه در حال جهیدن است انفجار هو لنا ک منتقل می گشند تیو مکین می گشانند ماشین های می گشاید ایز نشتنین استعاره شیر هر مرین می غرد این استعاره ایز نشتنین استعاره در خشان رزمنا و با دلهره به حرکت سینما بی خیرت انگیز که منتقدین دیگری را در سرا سر یک صحنه درمی آیند ما نند قلب عظیمی که در سینمایی شکر فی ابداع میکند اودر سینما بی جها ن هنوز بحث در باره کامل به کار می برد هنگامی که تکرانی می تبد واز در ما ند گی بررس های سریع بیان بی سه شیر سینما بی جها ن هنوز بحث در باره کامل به کار می برد هنگامی که مرمرین را نشان می دهد او لی آن را متوقف نکرده اند احسان دسته های سر کوب اعزامی بقیه در صفحه ۴۳

پرآشتمان بندی چشم‌ایم:

در هفتگی ایجاد استان بندی چشم:

آزادی از جنگ

جشن مرگ

و دو فر زند ش در یک خانه
دو طبقه کو چک زندگی میکرد،
تما م سر ما یه زندگیش عبا رت
بود از دو بشکه آب که باز نجیس
بدو سر یک میله آویز ان بود، هر
روز صبح این میله را روی دوشش
میکد اشت و دو بشکه را بز نجیس
جاده ها و بخصوص ص کو چه پس
کو چه ها عر یان و خالی بود،
هیچ کس در زیر چشمها ی آب
و جا های خنکی که در تاستان
محلى اجتماع بجهه ها بود، دیده
نیشد، اما محو طه چشمها ی آب
کاملا خلوت و خالی نبود، چون
تقر یا هر روز عده بی بو دند
که برای بردن آب روزانه به
آنجا میا مددند.
آنروز ظهر پسر بجهه بی که برای
بردن آب بکنار چشمها آمده بود،
دوان دوان و نفس زنان بکو چه
بی که منزل شان در آنجا قرار
داشت بر گشت و برای او لیسن
رهنگری که بر خورد، گفت:
دور سون آقا با یستی بسر-
چشمها که در بالای تیه قرار داشت
دور سون آقا مرده!
((دور سون آقا، از چهره های
آشنا ی این محل بود، در حدود
بنجاه سال عمر داشت، مرد
محکم و سالم بود، با ریشه سیاه
پوشت، او سقای محله بود و بازن، او در برابر هر سطل آب سه

با فرا رسیدن زانو یه رنگ
عوا عوض شد.

دنیا در زیر آسمان خا کستری
رنگ عبو ستر به نظر میر سید،
مردم فقط برای کارها ضروری
خود از منزل خا رج میشند، بیشتر
جاده ها و بخصوص ص کو چه پس
کو چه ها عر یان و خالی بود،
هیچ کس در زیر چشمها ی آب
و جا های خنکی که در تاستان
محلى اجتماع بجهه ها بود، دیده
نیشد، اما محو طه چشمها ی آب
کاملا خلوت و خالی نبود، چون
تقر یا هر روز عده بی بو دند
که برای بردن آب روزانه به
آنجا میا مددند.
آنروز ظهر پسر بجهه بی که برای
بردن آب بکنار چشمها آمده بود،
دوان دوان و نفس زنان بکو چه
بی که منزل شان در آنجا قرار
داشت بر گشت و برای او لیسن
رهنگری که بر خورد، گفت:
دور سون آقا با یستی بسر-
چشمها که در بالای تیه قرار داشت
دور سون آقا مرده!

((دور سون آقا، از چهره های
آشنا ی این محل بود، در حدود
بنجاه سال عمر داشت، مرد
محکم و سالم بود، با ریشه سیاه
پوشت، او سقای محله بود و بازن، او در برابر هر سطل آب سه

کارتازه و پر ثمه ما

واینک ژوندو ن کارتازه و ارزند دیگری را برای شما خوا نندمشکل
پسند به آغاز می گیرد، کار دیس دشوار که ایجاب تلاش فرا-
وان رامیکند - ما هر هفته از میانده ها داستان خا رجی یک قصه را
برای شما برمی گزینیم خلا صهاش می سازیم و به شما پیشکش
می کنیم - باشد به این وسیله گا می برداشته باشیم در جهت
شنا ساندن بزرگترین نویسنده کان طر از اول کشور های مختلف
و تقدیم بهترین، جالبترین و بازار ذش ترین قصه های ملل.
از شما می خوا هیم مثل همیشه با نظرات، انتقادات و پیشنهادات
خود در مورد این کارتازه ما را سپاه سکدادار سازید.
(جودت قدرت) نویسنده این داستان کوتاه در سال ۱۹۰۷ در
شهر اسلامبول ترکیه دیده بجهان گشود.

در جنگ اول جهانی پدر ش را از دست داد، اما مادرش که زنی
بود آگاه و دانشمندزیمه تحصیلات وی را در خانه و مدرسه فراهم
آورد و از هیچ تلاشی در راه باروری اندیشه وی درین نور زید.
(قدرت) سال ها در مکاتب پو هنرمندانهای ترکیه استاد
اد بیان بود و هم چنین حقوق داد بر جسته بی که شهر تفریان را
بدست آورده بود.

او نخستین بار با نشر اشعار رونما یشنا مه هایش در کار ادبیات
شناخته شد و به شهرت رسیداما در بیست سال اخیر زندگی
اش بیشتر به قصه نویسی پرداخت که دورمان بزرگ ((هم شاگرد بیها))
و ((در آسمان ابری نیست)) صد ها داستان کوتاه و هم
چنین شا هکار او ((آیا مو و چه رامی شنا سید؟)) حاصل همین
سال های نویسنده گی او است. داستان جشن مرگ که
با عنوان ((مرگ سقا)) به دری ترجمه شده است از از حکایتیها
کوتاه و بسیار معروف این نویسنده است که در عین حال
میتوان نه خوبی از سبک دلنشیز و اندیشه نیرو مندو
حزن آسود او باشد.

های آویزا نشان در دو طرف
بد نشان تکان میخورد .
شب که رسید آنها مطمئن شدند
که دیگر کسی بر ایشان غذا
نخواهد آورد و ناچار ندمتلى
گذ شته خودشان بفکر پختن غذا
بیفتند ، حالا مجبور بودند بار دیگر
به غذاها بی غیر از غذاها بی که
آن چند روز خورده بودند عادت
کنند و هنگامیکه گلناز یک ظرف
کجا لوی آب پز را که باز حمت
زیاد تریه کرده بود روی میز گذاشت
شست بچه ها بستختی توانستند
خود را راضی بخوردن آن کنند ،

و لی چاره بی نبود و باید به این وضع عادت میکردند .
تا سه چهار روز بعد هم که ذخیره مواد غذا بی شان تما نشده بود هنوز معنی گر سنگی واقعی را نمیدانستند ، بعد از آنکه آرد و کچالوی موجود در خانه تمام شد چند روز هم هر چیز خور د نی و دندا ن گیری که در گوشه و کنار منزل پیدا میشدند از قبیل لوبیا ، پیاز و نان خشک خوردند ، اما عا قبت روزی ر سید که تمام ظروف و جبهه ها خالی شد و دیگر ذره بی خوردنی باقی نماند و شب آنروز گلنگ و بچه های شکم گر شنبه با خستین با ربا شکم گر شنبه با بستر رفتند ، روز بعد هم همی طور بود ، نزدیک غروب پسر کوچکتر توانایی اش تمام شد و دیده ایکه بشدت میگریست فریاد زد :
— مادر دلم از گرسنگی دردگر -

تنه ، یک کاری بکن !
و ما در بیچاره در جواب او با
هر بانی و ملایمت گفت :
— صبر داشته باش پسرم !
صبر داشته باش ! مطمئنم که
تفاقی خواهد افتاد و ما را از
ین وضع نجات خواهد داد .
خر سه نفر احساس میگردند

روز اولی که دیگر برایشان که معدده هایشان بکو چکی مشت یک نفر متادند تا ظهر منتظر اندند، بچه ها به شنیدن کو-کترین صدای پایی که از کو چه کو ش میر سید دم در خانه یید و یدند با مید آنکه باز هم طنو س بزرگی زد که از خانه بفید آمده بود ببینند، اما بجا ای هر دوی را مید یدند که همه با سورتهای بی تفاوت بد نبال کار ای روزا نه خود میر فتند، دست لطفا ورق بزنید

سر کوچه قرار داشت غذای
فی اور دند، این خانه متعلق
تا چر ععروف آن محل بود.
هر کس از فاصله دو کیلو متری
میتوانست تشخیص بد هد که
ن عمارت زیبا و بزرگ متعلق
مرد هتمو لیست، ظهر روزی که
ز سو ن آقا مرده بود نو کر عمان
انه سفید رنگ با پطنو سبز-
که پر از دیسهای مرغ سرخ
مرده، خوراک گوشت با سوس،
طعامات بزرگ پنیر و نان و شیر-
نه بود در پ منزل گلناز را گو-

را سنتش را بخوا هيدتا آن موقع
يچکس به فکر خوردن غذا نيفتاده
ود ، اما به هفچم اينکه سر پوش
مارا از روی ظرو فغدا ير داشتند
مازه گلناز و بچه ها يش احساس
گردند که چقدر گر سنه بوده اند ،
هر سنه نفر سما کت و غمز ده دورمیز
رنگ و رو رفته نشستند و از
خوردن آن غذا های مطبوع لذت
نبرا وانی برداشتند ، آ تشپ هم
خیلی طبیعی سر میز جمع شدند
و با قیما نده غذا های ظهر را
خوردن .

روز بعد همسا یه دیکر برا
یشان غذا فرستاد و این وضع
تا سه چهار روز ادا مه داشت ،
البته هیچ یک از غذا های بعدی
به مفصلی و رنگینی روز اول نبود
ولی در هر حال از کلیه غذا هایی
که تا آنروز در منزل گلناز پخته
بودند بهتر و خوشمزه تر بود ،
شايد اگر این وضع ادامه پیدا
میکرد گلنازو بچه ها یعنی خیلی زود
میتوانستند درد ها و غمها ی خود
را فرا ہو ش کنند ، اما وقتی
فرستادن غذا از خانه همسا یه
ها قطع شد آنوقت آنها تازه
فهمیدند که غم و آندو هشان چقدر
طا قت فرسا و چقدر تحمل ناپذیر
بوده است .

روز ا و لی که د یکو برایشان
غذا نفر ستادند تا ظهر منتظر
ماندند ، بچه ها به شنیدن کو -
چکترین صدای یا بی که از کو چه
بگو ش میر سید دم در خانه
مید و یدند با مید آنکه با ز هم
بطنو س بزرگی را که از خانه
سفید آمده بود پیشند ، اما بجا ای
آن مرد می را مید یدند که همه با
صورت های بی تفاوت بد نبال کار
های روزا نه خود میر فتند ، دست

فروش ((واحد پول تر کیه)) او بودند ، میگفتند : ((دور سون
 هیکر قت واژ این راه نان رو ز آقا یکمر تبه لغزید ، روی زمین
 خا نواده را تا مین کردن درست افتاد و مرد !))
 مثلی گندن چاه عمیقی بود با
 دور سون آقا یاقی ماند ، همان سوزن :

اما آنها اگر به همین درآمد روزا نه انکا میکردند ادامه زندگی وسیر کردند شکمشان غیر ممکن بود، باز خدا را شکر که گلناز زن او را هفته‌ی سه چهار باز برای رختشو بی به منازل محله میبردند، چون او رختشوی خوبی بود و با این کار محدود سعی میکرد مختصری بردارآمد شوهرش بیفزاید و روزانه چند قروش بیشتر پذست آورد.

و لی حا لا نا گهان همه اینها
پیایا ن رسیده بود ، بز ودی علت
مر گ دور سون آقا کشف شد ،
او آنروز بعد از آو یختن دو بشکه
بدو سر میله خواسته بود از روی
ین خیمی که شب گذشت روی زمین
زمین بسته بود ، عبور کند ، یخ
از آب مداو می که رو یش فرو
میر یخت مثل شیشه لغز نده و
صاف شده بود و دور سون آقا
بعثت سنگینی با ری که بد و ش
دا شست نتوا نسته بود هوا ز نه خود
را نگه دارد و در نتیجه پا یش
لغز ید و سرش بسختی به سنگ
تیز زیر شیر چشمی آب خورده
بود ، چه کسی میتوانست با و ر
کند که او چنین نا گهانی و غیر
مت قبه بمیرد ؟ هر کس هیکل قوی
وسلا مت او را مید ید با خود
جر یا نش دشمنی و نفرت هو ج

قدر میلرد : آب را ببیند و یا نام آن را بشنوید.
((ممکن است سنگ بشکند واز
بین برود ولی او هر گز هر دنی
واز بین ر فتنی نیست))
آب را ببیند و شیخون
وقتی مرگ بهخانه‌یی شیخون
میز ند ، دیگر هیچ کس در فکر غذا
با این عمه انسان هر قدر قوی ،
و پخت و پز نیست او لین چیزی را
خشن و نیرو متده باشد ، باز هم
ممکن است مثلی دور سو ن آقا در
یک لمحه بمیرد و همه چیز تما م
وضع تاسی و شش ساعت شاید
تا چهل ساعت و شاید هم تا چهل و
شود .

هشت ساعت و بیشتر ادامه دارد ، اما بزودی گرستگی همه را بیان خوردن و احتیاج به غذا می اندازد و همین احساس آغاز باز گشت بزندگی عادیست .

در مشرق زمین رسم است که وقتی برای خانواده بیان مرگ اتفاق افتاد تا یکی دو روز همسایه ها برای آن خانه غذا میفرستند ، بینا طفه نیست پس مرگ او هیچ چیز جز یک حادثه عادی نبوده ، کسانه که شاهد مرگ

رختشو بی کند ، راستی که چه
مو جود بد بختی است افسار
بد بختی و فقر قلبش را سوراخ
خواهد کرد .

صبح روز بعد از شد تضعف
حتی فکر بیرون آمد ن از بستر را
هم نکرد نه هرسه آنها غذا های
لذیز و مطبوعی را در نظر
خود مجسم میکردند و دندا نهاد -
یشان را روی هم فشار میدادند ،
پسر کو چکتر حتی صحبت هم
نمیکرد و هر وقت هم دهان باز
میکرد مثلی اینکه دیوانه شده باشد
دستها یش را با لع بطری جلو
دراز میکرد و میگفت :

((مادر نکاه کن ! چه نان های
سفید و داغی ... به به چه
خوشمزه است !))

پسر بزرگتر بجای نان کلچه در
برابر خود میدید و در دل میگفت :
((حیف ! چقدر احمق بودم که
آنروز هر چه کلچه در یطنوس بود
به تنها بی خود ردم !

آه که اگر یکبار دیگر آنمه
کلچه را در یکجا بینم بدون معطی
همه آنها را خواهم خورد ، کلچه
ها را کم کم در دهان خواهیم
گذاشت و با لذت و خیلی آهسته
خواهم خورد تا زود تمام نشود...))
گلنار در بستر خود دراز کشیده
بود و به زمزمه مه و ناله های اطفال
خود گوش میداد .

لبها یش را میجوید تا از فرور -
یختن اشکش جلو گیری کند ، با
این همه اشک مثل با ران بپاری
از لای پلکهای بسته اش بروی
شقیقه های یش میریخت ، اما زندگی
در خارج به همان نحو همیشگی
ادامه داشت ، هیچ چیز تغییر
نکرده بود و او میتوانست حركات
و کارهای خانواده های آن محله
را که سال های به آن درازی
در میان نشان زندگی کرده بود
بخوبی در نظر ش مجسم سازد ،
با خود میگفت :

((در خانه رو برو بهم خورد .
این جواد پسر کو چک همسایه
ماست که به مکتب میرود اما
اگر برادر بزرگش میبود در را خیلی
آهسته می بست ، راستی دوبرادر
چقدر ممکن است با هم فرق داد -
شته باشند ، خوب این هم
صدای یاری آن پیر زن است که
رومای تیز دارد ، باز هم پاهای یش
را روی زمین میکشد ، مادر همان



میشنوند روز بعد امیدی در دل آن محله در چنین هو قعی دور از
گلنار بیداشد ، با خود فکر کرد انصاف میدانستند که گلنار را
شايد یکی از خانه های این برای کار بمنزل خود دعو تکنند
کوچه رختشوی بخواهند و مثلای ودر عین حال تنها کمکی هم که به
فردا صبح دنیا ل من بفرستند و او میکردند عبارت از این بود که
بیغا م بد هند که : ((گلنار برای وقتی دور هم جمع میشند ند بالحن
شستن رخت بمنزل ما بیا)) اما ترجم آمیزی میگفتند : ((بیچاره
حقیقت این بود که خانواده های گلنار ، گمان نمیکنیم دیگر بتواقد

سرخ و سبز در برابر چشما نشان
در هم میریخت و دور و تزدیک میشند
در میان این رنگها حفره بزرگ
و سیاه هی را میدیدند که بزرگ
و کوچک میشند ، گوش هایشان
صدا میکرد و وقتی با هم صحبت
میکردند مثلی این بود که صدای
یکدیگر را از مسافت دوری

و بیا یم ، قیمت این چیز ها راینو-
یس، فردا میا رم و مید هم .
مغازه دار که خیلی خوب با این
نوع حیله ها و نیر نکها آشنا بیش
داشت در حالیکه از بالای عینک
بیش شکلش سرا پای او را بر
انداز میکرد ، گفت :

- تو به این لا غری بول از کجا
داشتی که فرا موش شود ؟ کسی
که پول داشته باشد که اینقدر
لا غری و مردنی نمیباشد .
و بعد اجنا سی را که وزن کرده
بود پکنا ری گذاشت و ادا مه
داد :

- اول پول بیار بعد جنس ببر !
پسر که از فاش شدن درو-
غش خیلی خجالت کشیده بود در
حالیکه با عجله از مغازه بیرون
میرفت ، گفت :

- خیلی خوب ، پس من میروم
بو لی بیارم .
وقتی از مغازه بیرون رفت
صاحب دکان به پسر ش که در
گوش بیش بی نشسته بود گفت :

- بیچاره ها ، چقدر دلم
برا یشان میسوزد ، بعد از این
چطور زندگی خواهند کرد ؟
و پسر ش هم با تکان داد
سر گفته های پدرش را تائید
کرد و در جوابش گفت :

- بیلی ، منم دلم برا یشان
میسوزد ، خیلی بیچاره شدند .
پسر بیچاره از مغازه بیرون نامد ،
راه رفتن روی زمین های یخ
زده خیلی برا یش دشوار تر از
مو قعی بود که بطری مغازه میر-
فت ، در انتها کوچه از لوشه
پخا ری همان خانه سفید رنگ
دوغ غلیظ و خاکستری رنگی
بیرون میاد ، چه مردم خوش
بختی بودند کسانی که در این
خانه زندگی میکردند !

اما او حتی آنقدر برای خود ش
شخصیت قایل نبود که احسا س
حسادت کند فقط این خاک نواده بی
را که بهترین غذای دوره عمرش را
با وداده بودند در دل تحسین
میکرد .

در حالیکه دندا نهایش از شدت
سرمه بیش میخورد بطری خانه
خود شان مید وید وقتی وارداتاق
لرزانی گفت :

- شد همیش حرفی نزد دستها
خانی او همه چیز را برای مادرش
شرح میداد ، در برایر چشمها
بقیه در صفحه ۵۶

- مادر ، مادر ، من میمیرم !
پسر بزرگتر چشمها یش را باز
کرد و بصورت برادرش خیره شد
و گلناز بپر دوی آنها نگاه میکرد ،
پسر کوچکتر ساکت شده بود ،
چشمها یش سیاه تر از همیشه
بنظر میر سید ، لبها یش خشک
شده و سفید کشیده بود ، گونه
ها یش فرو رفته و بیش نک بود ،
پوستش از کم خونی بر نک گنج
مرده در آمده بود ناگهان گلناز
فکری پسرش رسید ، دست پسر
بزرگتر ش را گرفت ، او را بلند
کرد ، برا هردو برو آنجا با صدای

خفه بی در گوش او گفت :
- بسرم باشد کاری بکنیم ، چاره
نداریم ، تو گفتشا یست را بپوش
و به بار فروشی سر کوچه
برو ، هر طور است مقداری آرد
و کجا لو بخر و بکو بولش راهیمین
دو سه روز میدهیم .
کر تی پاره پسر آنقدر نازک
بود که نمیتوانست او را در برایر
سر ماشید یه حفظ کند ، پاهای
یش قدرت حرف کت دنداشت ، موقع
راه رفتن مجبور بود دستش را
بد یوار بگیرد تا به زمین نخورد ،
عاقبت هر طور بود خودش را به
غازه خورا که فروشی سر کوچه
رسانید و وارد مغازه شد .

هوا ی گرم داخل مغازه که
بخاری بزرگی در وسط آن روش
بود صورت و دستها ی یخ زده اش
را لمس کرد ، مد تی صبر کرد تا
دو سه نفر مشتری که مشغول
خرید بودند ، بروند ، با یعنی
امید که شاید بتواند بطور خصوصی
و محظی مانه تقاضا یش را با صاحب
غازه در میان گذارد .

بعد از آنکه همه رفته از گلناز
بخاری راه افتاد و در حالیکه سعی
داشت خودش را کاملاً بی نیاز
نشان بد هد دستور یک کیلو برج
یک کیلو آرد و یک کیلو کجا لو

این دیگر نمیتوان تحمل کنم ، مثل
داد ، آنوقت مثل کسیکه میخواهد
بولش را پیدا کند دستها یش را
در جیبها یش کرد و مد تی به
جستجو بیرون داشت و بعد با تظاهر
به اینکه بولم در خانه فراموش
شده است بالحن ساختگی و صدای
لرزانی گفت :

- پسرم میدانم ، از گرستنیکه
که این طور حسن میکنی ، غصه
بولم را در خانه فرا موش کرده ام ،
اما در این سرما که نمیتوانم
دوباره راه به این درازی را بر وم

و شخصیت در وجودش بود در هم
شکست و نا بود شد و مثل اینکه
از سرما یخ زده باشد بد یوار
و گلناز بپر دوی آنها نگاه میکرد ،
در راه بیهوده بود و بدا خل
به چشمها ی گشت ، جرات نداشت
التماس و امید بچه ها یش نگاه
کند ، نمیدانست دستها ی خالی
خود را کجا پنهان کند ، ناگهان
احساس کرد که برای او لین بار
از داشتن دست خجالت میکشد
آرزو کرد ایکاش که دست نمیداد .

وقتی وارد اتاق شد بچه ها
ساکت بودند دواو هم حر فی
نژد ، پسر بزرگتر رویش را طرف
د یوار بگرداند و چشمها یش را
پست تا دستها ی خالی مادرش را
نبینند ، برادر کوچکتر هم همیشی
کار را تقلید کرد ، گلناز بطرف
تشکی که در گوش اتفاق افتاده بود
رفت و خودش را دست مادرش را
لرزانی روی آن انداد .
دامنه را روی زانو یش کشید
و سر ش را میان بازو های
laghresh پنهان کرد ،
گویند میخواست خود را در
دینای تی خیال و فرا موشی
کم کند ، احساس میکرد مثلی گلیم
رنگ و رو رفته و بی مصر فی
شده است که دیگر به هیچ دردی
نمی خورد به آرامی میگریست و
شانه های استخوانی اش تکان
میخورد ، سکوت مرگباری اتاق
را فرا گرفته بود ، یکسا عتی
گذشت و همیشی از آنها کو -
چکترین حرکتی نکردند ، عاقبت
بار دیگر صدای پسر کوچکتر
گلناز بلند شد که از رختخوا بش
ما در ش را صدای زد و گفت :

- مادر! مادر!
- بیلی بسرم ؟
- دیگر نمیتوان تحمل کنم ، مثل
این است که دستی معده ام را
چنگ میزند و فشار میدهد .
- آه پسر ناز نینم ، پسر قشنگم!
گلناز برخواست و پسر کوچک
را در آغوش گرفت و در حالیکه
بغض گلو یش را فشار میداد ،
گفت :

- پسرم میدانم ، از گرستنیکه
که این طور حسن میکنی ، غصه
نخور ، آخر هر طور باشد برایت
غذا تهیه میکنم .

چنان است که در تنظیف گشته
کار میکند ، مادر صالح ... این
هم صدای پای سلما نی محله
است که در خانه آخر کوچه
زندگی میکند ، هر روز در سرت
همین وقت از خانه خارج میگردد
تابه دو کاشش برود ... این یکی
هم ((نو ریه خانم)) معلم مکتب
دختر انه است ... اینهم فیض الله
خانه که گفتش دوزی داره ...
و این هم صدای پاهای ۱ سب
نان فروش محله است که هر
روز در همین ساعت دم در منزل
(ریگنکی بیک) ایستاده میشه واز
سبدهای بزرگی که بد و طرف
کپل های اسپشن آویزا نمیبا -
شد نانهای تازه و داغ بپرس
میاره و به آنها میمیده ، چه نان های
بریان و سفیدی ...))

صدا نزدیکتر میشند ، گلناز در
آن اتاق نیمه تاریک و تمادار بخود
نکانی داد و از جایش بلند شد ،
شانه کهنه بی را که بالای سر -
ش بود بخود پیچیده نان از خانه
بپرس نیز برود ، تصمیم گرفته بود
دو قرص نان نسیه از او بگیرد و
بعد وقتی برای رختشویی رفت
پول نان های را بد هد ، دستش
را روی دستگیره در منزل گذاشت ،
اما هر قدر صدای پاهای اسپ
نان فروش نزدیکتر میشند ، گلناز
احساس ضعف بیشتری میکرد و
شجاعتش را بیشتر از دست
میداد ، آنقدر میان شک و دودلی
دست و پا زد تا عاقبت صدای پاهای
اسپ دور شد ، آنوقت ناگهان
بخود جراحتی داد و در رختخوا بش
فقط توانست اسپ مرد نانوا را
از عقب ببیند که رفته رفته دور میشدو
سیدهای اسپ بیش با لای و یا نین میر -
فت ، چه نان های سفید و خوبی
بود ، گلناز آهی کشید و زیر لب
گفت :

((خدایا چقدر خوشبخت بودم
اگر فقط دو تا از این نان های را در
دست خود میدیدم))

آنوقت نفس عمیقی کشید ، بیوی
نان تازه کوچه را پر کرده بود
و پره های بینی و گلو یش را لمس
کرد ، گلناز آب دهانش را قورت
کرد ، بعد تمام نیرو یش را جمع
کرد و فریاد زد :

((نان فروش ! نان فروش !))
اما یکمرتبه هر چه شجاع است

تلوزیون دیده‌اند یا حد اقل آواز
کیرایش را از پشت رادیو شنیده
اند. محمد جان گورن طوریکه
خودش میگوید: « هنر تمثیل را از
خوردی خوش داشتم همیشه سینما
میرفتم بعضاً فلم‌هارا چندین بازمی
دیدم به بازی‌ها دقیق میشدم تا
اینکه خودم نیز زمانی مثل آنها روی
پرده سینما ظاهر گشتم آواز م از
پشت میکروفون بلند شد خوب
مثلی که گفتند هر کسی را هی که
خوش دارد پیش پایش است اگر
میتواند با جدیت خود در آنرا برود
خوب میرود منتها انسان باید بداند
زاعی که میروند بر حق است؟ ». محمد جان
گورن بعد از ختم صنف دوازدهم
نتوانسته تحصیلات خود را ادا نماید
بد هد علت آنرا هم همه میدانیم
که شرایط بد اقتصادی است
محمد جان گورن ازدواج کرده
صاحب دو طفل بسیار مقوی است
ولی متسافانه چندی پیش شریک
زندگی خود را از دست داد که این
واقعه بدرآ صمیمانه برایش تسلیت
میگیریم واز خداوند عظیم برایش
صبر جمیل و همچنان در



جوان با استعداد بسیار صمیمی رادیو تلویزیون که همه بازی‌های های موفقیت را همیشه بروی پرده میخواهیم.
همکار خوب هنر پیشه مستعد خوبش همه اورا در روی پرده میخواهیم.

محمد جان گوران



تابارانیزایی

ستاره زیبایی

سینما و تئاتر

سینیگال

تابارا نیزایی مکتب هنر تئاتر را
تمام کرده و در بسیار نمایشنا
های کلوب جوانان و در تلویزیون
سینیگال در آثار ادبی حصه گرفته
است اما بحیث اکتریس سینما
برای اولین بار در فلم (سیدو)
شناخته شد.

تابارا رانو یسنده و رزیسور
مشهور سیمین عنان به جهان
معرفی نمود.

در یکی از فیلم‌های تاشکند
تابارا خیلی مورد تقدیر واقع شد.

ستارگان

افسانه

ساز



هار نیانی یولوا

هنر پیشه جوان

و با استعداد سینما

و قیاقو

بعدا در فلم (همای تو و بیتو) استعداد هنر پیشه را بر انگیخت و از طرف مو سفلم اولین جایزه (دیبلوم) را گرفت.

هار نیا ممثله خیلی خوب جدی، ماهر و فوق العاده الاستکنی است. حرکات خیلی زیبا دارد.

رول های کو میدی و دراماتیک را ماهرانه بازی میکند در نمایشنامه های (دوم بی و سر) (دیگنر)، (چرم ساغری)، (بالزاک) و بالآخره شب دوازدهم (شکسپیر) میدرخشد.

برای اولین بار منتقدین و زور کار خود را در سینما در بهلوی تالیستان بعداز فلم «مونولوگ» راجع هنر مندان بزرگ، شناخته شده بهمار نیانی یولوا بسیار نوشتند و وبا تجربه شروع کرد اما از همان او را ممثله توانا بر شمردند. قدم های اول با وجود جوان بودن مارنیا آنسٹیتوت تیاتر، موزیک هنر پیشه در بازی ها هر آن اش کو چکترین خلای وجود نداشت و سینما را در لیننگراد تمام نمود. میتوان گفت که اکثر سطحی اتفاقاً نوشیار بسیار کمبه) و در یرو فشنل است.

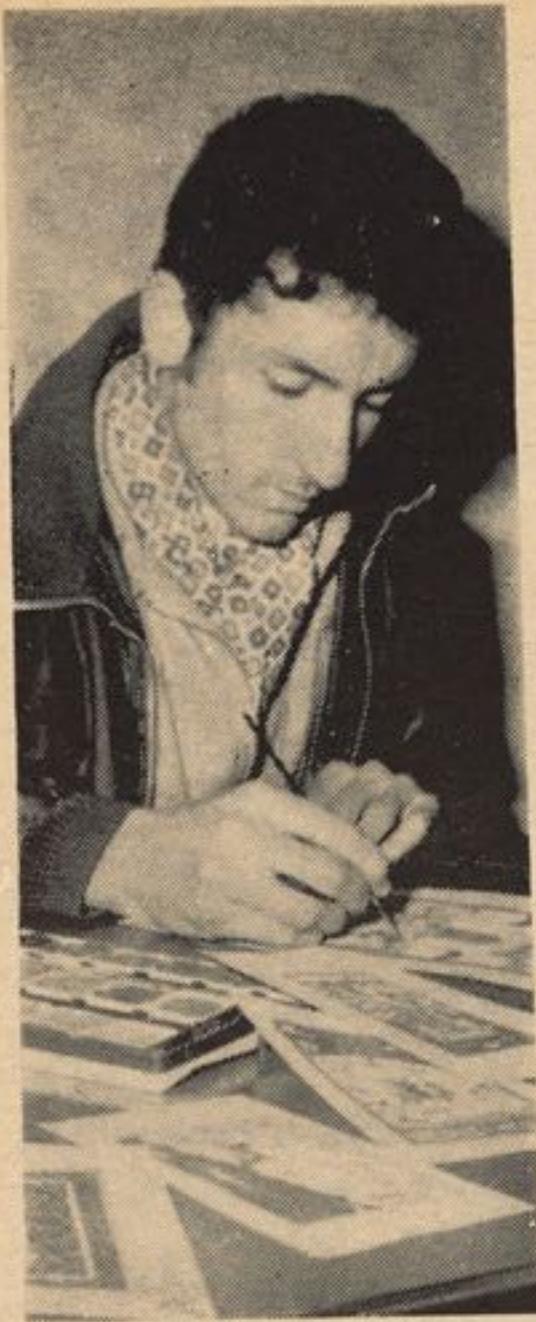
فلم (سایه) بازی نمود. اما نشان دخترک قد گوتاه، باریک اندام نیما در فلم (مونولوگ) کار جدی با چشمان نصواری خیلی صمیمی میشه در سینما حساب می شود طریف و بذله گوست در تیاتر و

راگهی ستاره زیبای سینمای هند باز هم در خشید

چارلن برو نسون نه تنها اکتور معروف هالیوود است بلکه رسام خوب نیز میباشد و تابلو هایش خوب فروش میشود. همچنان به سبورت علاقه دارد. روزانه کارانه و موتور سیکل تمرین میکند. و یکی از خوبترین فلم هایش درین اواخر نام ((فرار)) است.

راگهی ستاره بسیار زیبا و هنر مند هندی که فلمهای بسیار خوبش را همیشه در سینما و تلویزیون مشاهده میکنیم چندی پیش دریک فلم جدید اشتراک نموده که رول مقابل اورا در این فلم امیتابچن ستاره خوب و موفق سینمای هند بعده دارد. راگهی در تیپ یک زن بسیار ساده دهاتی شہکاری درخشانی از خود شان داده که منتظر دیدن چهره مقبول و بازی خوبش در این فلم هستیم.





عمر ذکریا میناتوریست جوان

قسمت معنی فی هنر کشور خویش
خدمات ارزنه نموده و در زمان:
این استاد است که هرات را
رقیب فلو ران در آن روز گار
میدانستند.

بعد از مرگ سلطان حسین
با یقرا این هنر بدست فراموش
شی سپرده شد و همین هنر در
کشورهای دیگر ما نند عراق،
ایران، هند، کشمیر و غیره با کمی
تفاوت همیشی حرکت خود را تغییر
داد با آنهم در زمان گذشت استادانی
و جود دارند که می‌توانند
این هنر والا را زنده نگهدازند
و نگذازند که چرا غایب هنر
طوفان که سالها بر تاریخ هنر
می‌درخشید خاموش نگرد این
هنر مندان عبار تنداز استاد مقل
هری، استاد هما یون اعتمادی
و استاد ارشد بهزاد سلجوقی.
امیدوارم که این مختصر گفتارم
در قسمت معنی این هنر با
ستادی کشور عزیز ما کافی
باشد.

از کدام سبک و روشن پیروی
میکنی؟

در بررسی یک رویداد هنری
همواره این نکته مطرح است که صنف ۱۲ لیسه حبیبه درس می‌خواهد، او یا اینکه خیلی جوان
است و شاید بیشتر از هزار سال
قدار و خلاق که همیشه در پیش
نشاشته باشد ولی کارش ازدواج
کردن فضایی دیگر موافق بوده
اما توانایی اش را رخ نمی‌زند
دست یافته ام ولی زندگی
زیاد هم محظوظ است و اگر
شتن فر هنگ کهنه و با ارزش
باوی صحبت نکنید و به حرف زدن
گذشت همایز در ذات خود شکار
است. آیا این کار او از روی
تفنن است؟ یا با خاطر اعتبار کارش؟ از زبان نشنوید. آن باز هم بیشتر کار شود.

هر دنگی در هیماتو و هوز و محدوده خود را دارد

اما در مجموع این دنگها بطریز
غوب و حدتی را القا میکنند که
مشخصه هیماتو را کشور عزیز ما
اقغانستان است

در مورد تاریخ این هنر پربار
و با ارزش چه میدانی؟

هنر مینا توری تقریباً از چند
سال پیش از امروز یعنی در دوره
تیموری یا نهاده در افغانستان
باستان بوجود آمده او لین
استاد یکه در راه معنی این
هنر والا و ارزند بستان
و جهان قدم های ارزند بسر
داشته است همایان استاد کمال.

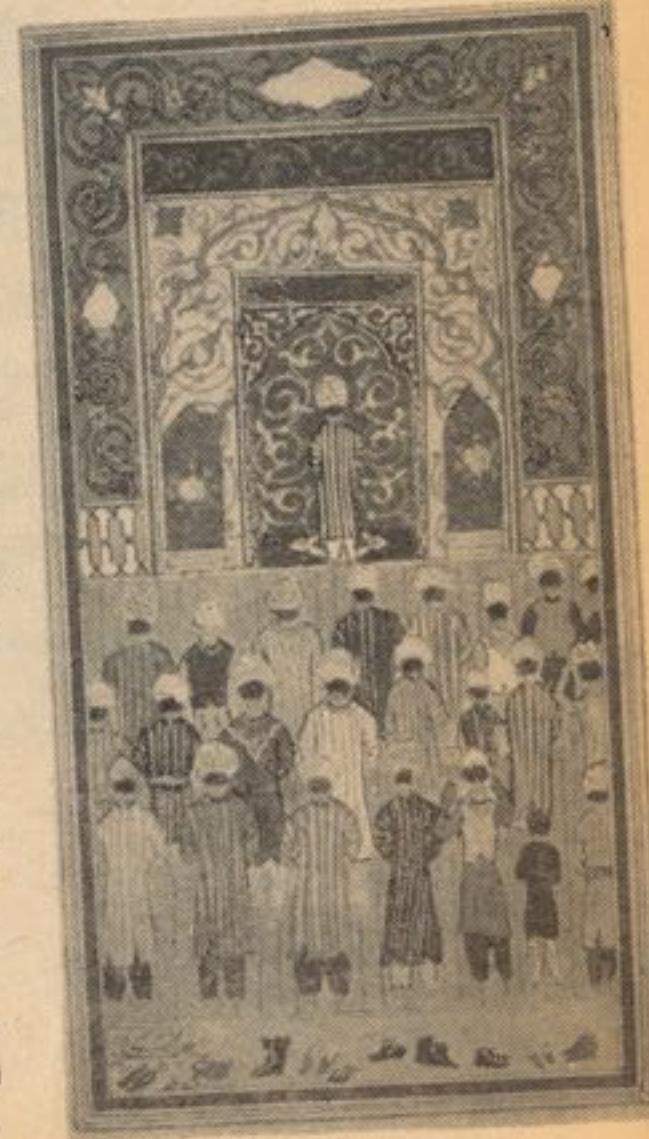
زنده نگهداشتن فر هنگ کهنه و با ارزش گذشت همایز پسروند
بست

جوانان علاقمند به هنر باید به هنر آشنایی گردد تا بیشتر به هفدهم
واقعی هنر بی بینند.

از شمی پر سم یک نقاشی الین بهزاد است که نامش نه
مینا توری را بیشتر بخاطر زیبایی تنها در اوراق صفحات تاریخ
شکلش ترسیم میکنید یا با خاطر هنر کشور ما جاوید این است
بیان رسانی اش؟ بلکه در تاریخ فر هنگ و هنر غرب
میگوید: قبل از همه با یاد تیز جاوید است.

بگویم که در نقاشی دید و فلسفه
که سبکش از جمله زیان ترین
خود نقاش دخیل است. ولی در
رسم های مینا توری اگرچه امروز
سبکها بشمار می‌رود.
همه به این عقیده اند که بخاطر
بهزاد که از اهالی شهر هرات
بوده و کمال الدین لقب داشته
نماید منکر این حقیقت باشیم
که این نوع نقاشی های خالقی
از بیان هم نیست.

عدة از نقاشات عقاید شان را
بایقرا آمده یگانه حامی و مشوه
در باب دیدن و چگونه دیدن
بهزاد و زیر شاعر معروف میرعلی
ابعاد دیگر یک مساله، تصویر
شیر نوا یی بوده است و آثار
میکنند، ابعادی که از ذهن یا
این هنر مند بزرگ کشورها در
اکثر موزه های معتبر و معروف
از همان پر بار و آگاه به
مسایل بسیاری از جوا مع امروز
جهان موجود است. بهزاد در



از گارهای ذکریا



یم که جوانان ما زیاد به این هنر و دیگر هنرها علاوه هستند و می خواهند که در این رشته فعالیت زیادی داشته باشند.

* پس و قتنی این همه اشتیاق به کار هست . پس چرا در چند سال اخیر فعالیت ها اینقدر کم بوده است ؟

این امر علت های متعددی دارد، تشویق نبودن ، کم کاری، نبودن وسایل کافی و از همه مهمتر در گذشته چنین تصویر میشد که این هنر از نظر مادی چیزی در بر ندارد . ولی خوشبختانه امروز این علت ها تا اندازه زیادی مرتفع شده است .

* نقاشی مینا توری را با نقاشی های دیگر چگونه مقایسه میکنی ؟

بقیه در صفحه ۵۳

- بطور عمومی از سبک بهزاد پیروی میکنم زیرا او لین کارم را وجه باشد کرد . از روی همین سبک انتخاب تموده دروغه اول تشوه یقین هنر - و علاقمندم که آن را دوام بدم . مندان و افزایش تعداد گالری های هنری . الیته حاصل از تما معوا مول مو جود در سطح کارم کمک میکیرم . نظرت در مورد سبک های بیشتری دارند ، ولی با ریاستی قبول کرد در چند سال گذشته این هنر دچار رکود و خمود گشته است . سبک های مختلف به همیج روی با یک دید مورد سنجش قرار نمیکیرد و اگر سخن از برتری یکی از سه سبک می رود معيار های متفاوت تری هلاک عمل قرار گرفته است که این خود بحث طولانی را ایجاد میکند که در این مدت یابشتر بدهند تا پر مطلع بختصر نمی گنجد .

* مدت کار و تمرینات که در مخصوصاً جوانان باید به هنر آشنایی بوده و نزد کی کار کرده باشند ؟ و مردمی . واين برآورده نخواهد شد مگر با برگزاری مسابقات نمیکند ردنقریباً دو سال است که رشته مینا تور را تعقیب میکنم و مدت یکسال و نیم آن را بدون استاد کار کرده و شش ماه اخیر را در سازمان غلام محمد میمنگی در پخش مینا تور سبک بهزاد مصروف بوده ام که در ابتدای سه ماه اول را نزد معلمی بنام فوقنا فرام گردد . کو رس های مقصودی کار کرده و پس از آن زیر نظر استاد بهزاد سلجوقی شده هر چه بیشتر تقویه دیده این هنر بدیع و طریف را دنبال میکنم و تا بحال هم تحت رهنما بود سترس نو آموزان قرار گیرد .

* بنظرت برای گسترش و تشویق این را به جرئت برایتان میگوییم که جوانان های هنری که در این رشته فعالیت داشتند این رشته را بازگشایی کنند .



بیوسته بگذشته

اینها هم تلو تلو میخوردند و بطریقی می رفتند و از بیکر شان خون مسی ریخت بسیاری از مردم بروی صورت به پشت یا به پهلو دراز کشیده بودند. اما جسد های بیجا - نشان که گویی تازه از چنگال هرگز بدر آمده بود منظره عجیب و وحشتناکی داشت. بوی خون بمشاام میرسید این بو تنفس گرم و نمکین در یارا در عصر روزگر متابستا نی بخاطر میاورد. بو یی ناخوش بود سکر میاورد و حسن اشتیاق پلیدی را در انسان بر می انگیخت تا هر چه بیشتر آنرا استشمام کند. این بو بطریق زنفرت انگیزی همچنان که سلاخه و سر بازان و کسان دیگر که حرفه شان کشtar است میدانند، قوه تخیل را گمراه میساخت.

جمعیت در حال عقب نشینی آه و نا له میکرد. لعن و نفرین دشتمان ناسزا و فریاد های درد ناک با صدای سوت آه ها و نا له ها در هم می آمیخت و بصورت گرد بادی رنگارنگ در میاند. سر بازان محکم و استوار بجای خود استاده بودند آنها هم چون مرد گان بیحرکت بودند. صورت آنها تیره و خاکستری رنگ ولبان شان سخت بهم فشرده شده بود مثل اینکه این دسته از مردم هم می خواستند فریاد بکشند و سوت بزنند اما جرات نداشند و بزحمت خود داری میکردند. آنها با چشم دریده مستقیماً بجلو نگاه میکردند و دیگر پلک ها را بهم نمیزدند. در نگاه آنها دیگر آثار انسانیت مشاهده نمیشد و بنظر میاد که این حفره های تهی و تیره ای که در صورتها خاکستری رنگ و کشیده آنها قرار داشت دیگر چیزی را نمی بینند.

شاید هم عمداً نمیخواستند بیینند زیرا در حقیقت میترسیدند مبادا با مشاهده خونهای تازه ایکه ریخته اند بازهم میل و رغبت بیشتری برای خون یزی و کشtar در خود احساس کنند.

تفنگها در دستشان میلرزید سر نیزه ها حر کت میکرد و هوا را میشکافت اما این رعشه ایکه بر انداز آنها افتاده بود نمی توانست در سینه هر دیگه انوار تابناک قلبشان بافشار تحمیل زور و قدرت بر اراده، سرد و خاموش گشته و مغز شان از در و غما



نهاده اوشاکیم کاری

با شنیدن این صدا مردم باشتاب
میدان را ترک میکردند اما امواج
صدا شیبور در فضای میسیجید و
گویی در حفره های تهی صورت
سر بازان مردمکی ترسیم میکرد ،
دلاوری و شجاعت افسر را بحد
کمال میرساند و سبیل قرمز و
آویخته او را در امتداد قداره اش
جلوه ای خاص میداد .

رنگ سرخ و خیره کننده خون
چشمها را تحریک میکرد و نظرهارا
بسیار خود جلب مینمود و در مردم
اشتیاق سکر آور و پلیدی را بیدار
لطفا ورق بزند

یکنفر از میان جمعیت کلاهش
را روی صورت او افکند . دیگران
کلوله های برف اغشته بخون را
بعجانشیس پر قاب میکردند .

سر گروهبان با چند نفر سرباز
بکمل او شتافتند وقتی که هجوم
قداره اش را میچر خانید بعقب
کننده گان خود را در برابر سرنیزه
ها یافتند پرآگنده شدند .

فاتح باشمشیرش از بی آنها
میکرد . . .

کودک نحیفی بیش بای افسر
تهدید کرد و آنوقت آنرا فرود
آورد و برای بار دوم در شکم
نهیف بچه ایکه خون از بیکرش
نعره می زد و چون اسب سرگشی
جاری بود و بیش بای او روی
زمین میخزید فرو برد .

آنکاه دو باره صدای گریه شیبور

برای مرتبه سوم بدور دست افسر
کوچکترین حسن بی غرضی و
بیطری را بیدار کند .

مرد یکه ریش بلند و چشم راستش را تکان داد و با صورت
کبودی داشت از زمین برخاست
و همچنان که اندامش میلرزید
دو باره با صدا بی که به حق حق
گریه شباخت داشت شروع بسخن
میرفت و تفکیجه را بطرف همدردراز
میگرد . . .

من گفته نشدم برای اینکه
حقیقت مقدس را برای شما می
گفتم

جمعیت دو باره باتا نی و تر .
شروعی بحرکت آمد و بجمع کردن
کشته ها و زخمیها پرداخت چند
نفر کنار آن کسیکه با سر بازها
گفتگو میکرد ایستادند و حرف او
را بریده فریاد میکشیدند میخواستند
سر بازان رامتعاد کنندو با اندوه
و همدردی اما بی کننده آنها را

سر ڈانش میکردند هنوز هم از
لحن صدای آنها پیدا بود که بفتح
و پیروزی گفته های صمیما نه خود
ایمان دارند و میخواهند جنون
و بیهو دگی، بیرحمی و فساد را ثابت
کنند و حتی آگاهی بر خطاهای
جران نایذیر را در سربازان
تلقین نمایند کوشش می کردن تا
به سربازان نفرت و رُشتی، نقشی
که بی اراده سربازان می کردند
پنهانند . . .

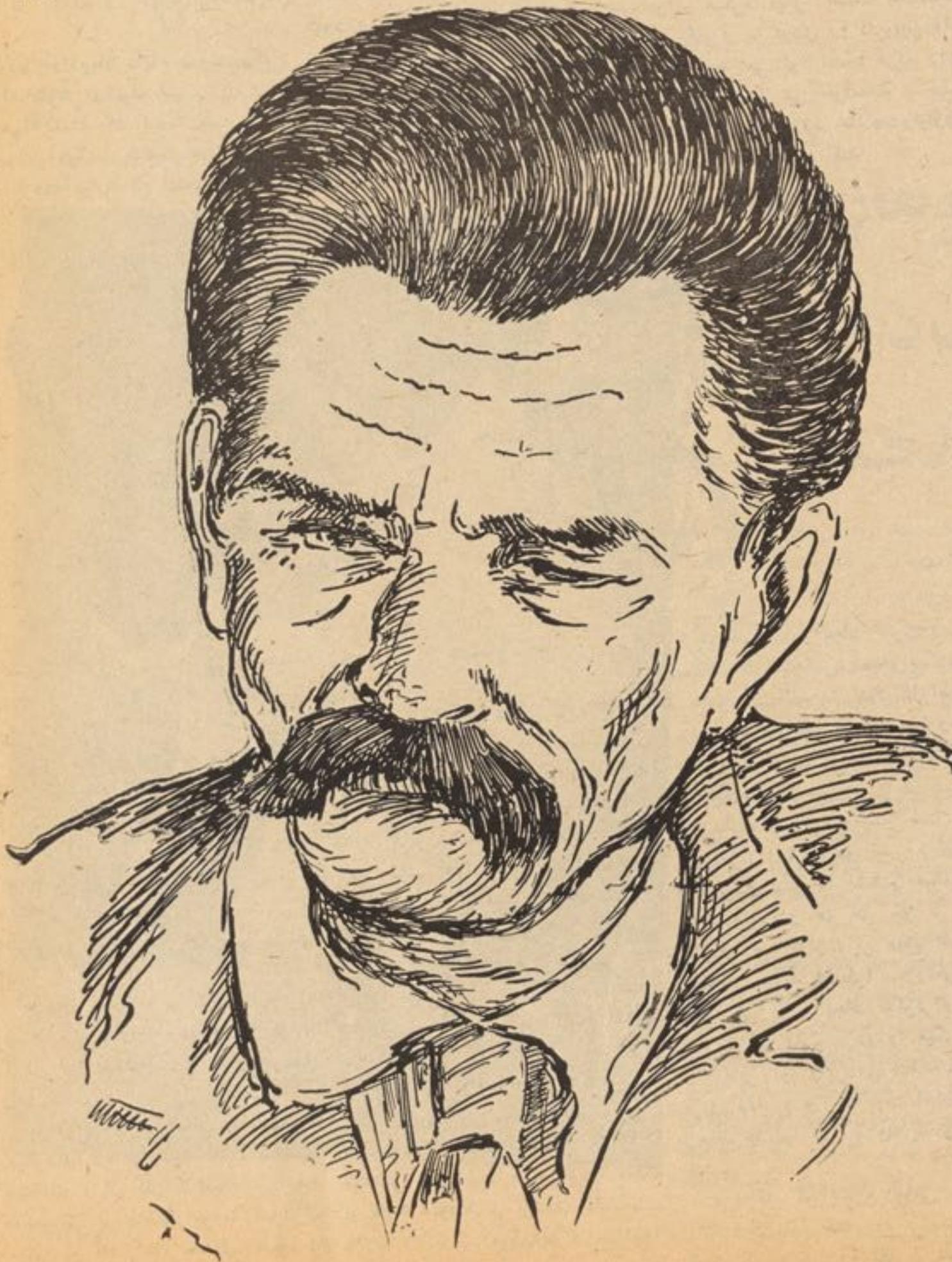
افسر تفکیجه را از غلاف بیرون
کشید با دقت به آن نگاه کرد و
بسیار این گروه از مردم امده .
جمعیت بی آنکه شتاب کنده همچنانکه
معمول از مقابل سنگی عظیم که
آهسته از دامنه کوهی به یائین
میغله دور میشوند . از او دور
میشند مرد ریش بلند و کبدود
چشم از جا حرکت نکرد و در حالیکه
با حرکات دست خونهای ریخته
شده در اطراف را نشان میداد با
کلمات سرزنش آمیز و زننده ای از
افسر استقبال کرد .

او میگفت :

- خیال داری بچه و سیله این لکه
ننگین را از دامن خود بشوی و خود
را تبرئه کنی . دیگر جای تبرئه
باقي نمانده است .

افسر در برابر او ایستاد با
نگرانی و اضطراب ابروان را در هم
کشید و دستش را دراز کرد .

* صدای تیر بگوش نرسید فقط
ستونی از دود دیده میشد که یکبار
دوبار سه بار بدور دست قاتل
پیچیده پس از اینکه ستون دود



لهم إنا نسألك حسن حشرنا

لیست کی گونستاننین سکریاپین ہی بے عفہ
دھانشین کارکونکی واسیلی سمودون او دکمپور
یو خت کی یو عادی کار گروہ اواوس یودبز-
یوں کونکی، انجیر او دسوله دنخادیو پیاویدی
بروکرام کونکی دیبا نیلبنا دھنر او گلور
یہ انسٹیتوں کی خبلو دبات زدہ کرو تے
ہنرمندہ وہ . ما خیمنی فردو هنرمندانو
پرانی بے ۵۸ مخ کپسی
بر مختک هم پدی ستديوگی یوره احساس

دھاسکو نیوز خدھ :

د محمد علم ریاره او لنیز



سالت د نغا یوه صحنه

دغیو مسلکی لو بغار و په
هر سنه د بالت دنخا
دهنرو فهداری

آزمایش‌های ایمنی

ترجمه حیدر پور

شوروی پروفیسور فید رو ف های مصنوعی صد فیصد بود و گذشت زمان تغییر چندان بالا نمی‌سازد. لنز های یکه هم اکنون در کلینیک های اتحاد شوروی مورد استفاده قرار دارد

معمول لا بضخامت ۱۰۰-۱۵۰

ما یکرو ن میباشد که از مواد پلاستیکی شفاف و یصفیه شده در

دستگاه های تحقیقاً تی آنکشور ساخته میشود. این لنز های معادل

یک بر چهل حصه لنز های طبیعی چشم وزن دارد و قدرت بینا ثی آن عالی تر میباشد تا بینا یانیکه

تحت این عمل جراحت قرار میگیرند مدت زیادی در شفاخانه باقی نمی‌مانند و در مدت دوالی

سه روز بقدر کافی بینائی خود را باز میباشد.

لنز های یکه تو سطح دا کتر

فید رو ف ایکشا ف یا فته ای زنگاه وزن سبکترین لنز های جهان

میباشد و بهمین دلیل است که این لنز های در جهان، به شمول

امريکا، فرانسه و آلمان غرب

خریداران بیشتر دارد.

بهمین ترتیب پیشرفت‌های جدید در مردم علاج مرض چشم بنام کلاکوما نیز

صورت گرفته. چنان توجه داشتمندان در کلینیک دا کتر فید رو ف مشغول

تحقیقات در مردم اساس و منشاء بیدایش مردم کلاکو ما میباشد.

قبل این نظر براین بود که مردم کلاکو ما از اثر فشار بلند بینان آمده و تدریجیا سبب کواری میگردند، گرچه مطالعات دقیق

در مردم دوران خون چشم نشان میدهد که کلاکوما از اثر تغییرات

عد سیه مصنوعی را که ساختم خودش بود بر چشم انسان نصب گرد. سال ها بود در اثر پیشرفت علم جراحت و قرار گرفتن و سایل مجذب جراحی بدست

س داشتمندان این عمل جراحت چشم کمالاً موثر و رضا ثیت بخش تابت گردید. با اجرای

عمل جراحت و نصب عد سیه های مصنوعی بر چشم هم ریضان

در ۹۵ تا ۹۶ موارد تابت یان

کاملاً حسن بینا ثی خود را بازیافتند و بعیشه دا کتر فید رو ف در از اختلال مینا بولزم بدن، بیری

و بالا رفتن سن و حتی میتوانند از عد سیه های طبیعی چشم بهتر

تلقی شده است، زیرا شفافیت در کشور شورا ها سالانه در حدود ۲۲...۲۵...۲۵ مر-

یضاً نیز را که از مردم کثار است این قابلیت بمرور زمان کمتر

شده و جهان بینظیر انسان خیره ترشده میروند، در حالیکه شفافیت

و قابلیت عبور نور از عد سیه های طبیعی محض ۶۵ فیصد مینباشد و

در این قابلیت بمرور زمان کثیر

رنج میبرند علاج مینما یند

بیست سال قبل برای اولین مر-

تبه در تاریخ طبی اتحاد جما هیس

فرانکوفه اخذ مینما یند. دخول کمترین مواد زیری و یا مکروبی در بین این مایع باعث خرابی و خیره شدن این عد سیه ها و یا لنز های میگردد.

آخر این عده بی از ناینیايان گرفته از عمل جراحت چشم که انسان آن در لابرا تو از اینیايان بعد از قرار گرفتن تحت عمل جراحت چشم و برو فیسور سفیا تو سلاو فید روف طرح و بیریزی شده است جهان را در نظر شان روشن حس کردند.

لابرا تو از تحقیقاً تی فید رو ف واقع در مسکو اکنون بیک مرکز عده ما یکرو جراحت چشم در اتحاد شوروی ایکشا ف و توسعه پیدا کرده است و محققین این

مرکز تحقیقاً تی بیک سلسنه عملیات دامنه داری در باره امراض مختلف چشم دست زده اند. از

آنچه میگذرد تحقیقات آنها در مردم انجام شده کنار است و گلا کو مامیبا-

شده که نتایج آن خیلی امیدوار

کننده و رضایت بخش است.

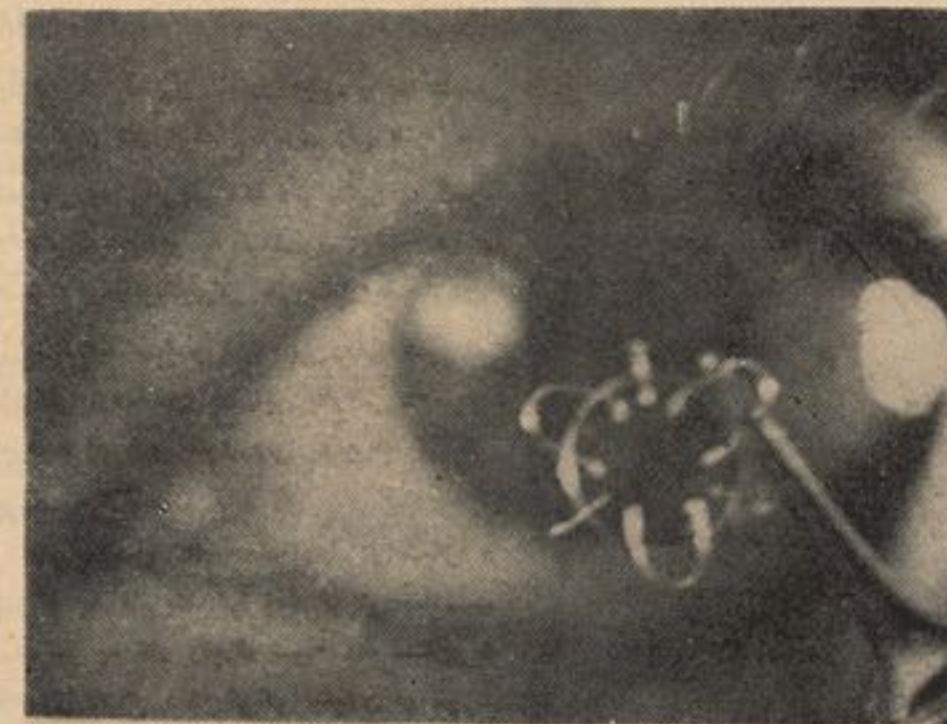
کثار است که یکنون مردم چشم

دارد و عموماً از اثر سوز تغذی

عدسیه های چشم، این خلقت عجیب طبیعت، که قادر حجرات

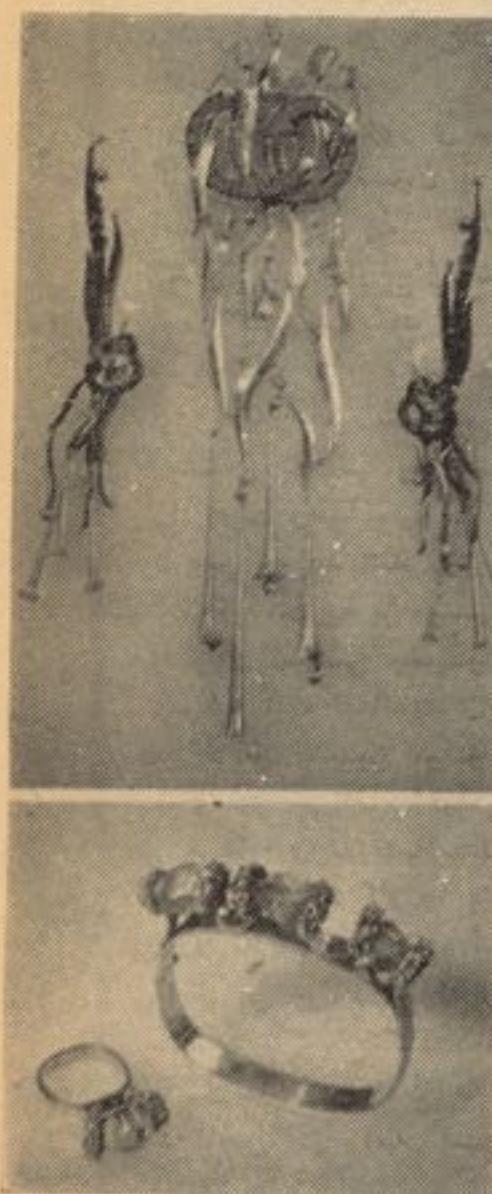
غذائی و عصب مینباشد، ناشی میگردد.

عد سیه های چشم پسر ای بقای حیات خود، مواد غذائی مورد نیاز را از مایعیکه اطراف شان را



درین عکس عدسیه مصنوعی نصب شده در یک چشم هم ریض دیده می شود

منابع ارزی دا خلی بلکه کمتر داخلى سالانه از ۴۶ فیصد در تشدید ارزی و بیشتر استفاده از تکنالوژی های اموخته شده و از سال ۱۹۷۰ به ۷۶ فیصد در تزیید استفاده در عرض از منابع ارزی مروج مثل ذغال سنگ و برق آبی نمود. و همچنان تائید نمود که مساعی مزیدی بکار رود تا استفاده خوبتر از منابع به عمل آید علاوه بر آن ستراتیزی چاره های را برای بدست آوردن اشیاء ستراتیزی اکتشاف بین المللی در قرن سوم اکتشاف ملل متحده خدمات اساسی مثل تهیه آب آشامنده محاسبه گردید. ستراتیزی اسکاپ در خواست تقلیل خطرات را در تی و همچنان سرماهی گذاری در سکتور زراعة در مقابله اثرا آفات طبیعی مثل طوفان، سیلاب و خشک سالی، اکتشاف نه تنها در تنظیم آمور زراعتی برای قسمت آفی و همچنان سرماهی فکر نمود.



چند نمونه از جواهرات ساخت ویکتور سیرنف

نات و ستاره ها بصورت بی نظری است شروع کرد ولی در اواسط سالهای شصت به مرکز قر غز

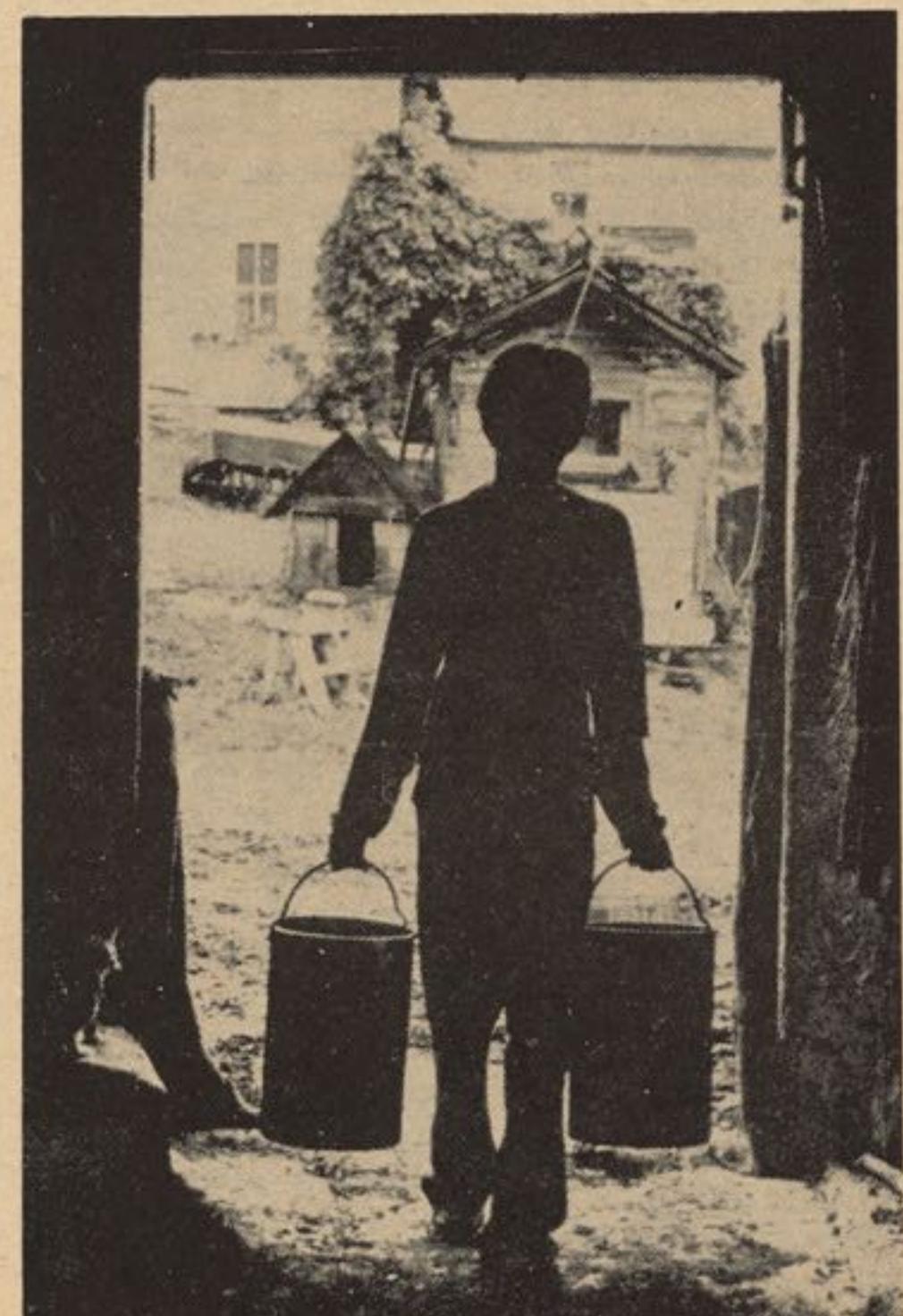
نقل مکان کرد. منظرة با شکوه و یکتور سیرنف که یکی از مانبعا ساده هنر شخص مردم سترهای بر جسته معاصر قر غز به کار آفریننده او یک ساخت جواهرات است بر نده تحریک تازه ای بخشید. او کار تصدقیق عمومی گردیده است، خود را به کاپی کردن از تخیلات کار او همیشه در نمایشگاه های ملی که در آن اصول شرطی بین المللی جواهرات نمایش داده طبیعت، سبزه ها، گل ها، حیوانات شده است.

مغلق گیمیاوی در قسمت پیش روی مکنست مرض کلام را در مرحله ابتدا ثبت که بسیار لست علاج می شود تشخیص و در مان چشم بند شده، حجرات نرم چشم چشمکی پیدا کرده و لکه ای بروی نمود. تعقیقات جدیدی مبنی بر اینکه حتی از بروز مرض کلام عوارض تو سط آلات و سایل کو ما جلو گیری نماید نیز درین مدرن در مرحله ابتدا نیز مرض لاپرا توار ادا مه دارد.

اطفال قربانی های عمد اجتماعی

از سؤاستفاده آب

آب حیات را حفظ می کند اگر میباشد می میرند. علاوه این بیشتر سبب مرگ می شود و اکثر از قربانی های اطفال می شود که تهیه آب اکنون از حاضر و رتی که برای ادامه حیات بشر در مالک فقیر آسیا و افریقا حتمی است بسیار بیشتر می باشد. احصای های نشان می دهد که از هر هزار طفل ۱۲۹ نفر آن در اثر اهداف تعین شده درسترا تیزی امراضی که ناشی از آب کشیف اکتشاف منطقی برای سال های



درین تصویر طفلی رامی بینیم که با مشکلات فراوان سرگرم تهیه آب آشامیدنی میباشد.

اعلامیه وزارت...

نظامی اتحاد شوروی مستقر در قلمرو جمهوری دموکرا - تیک افغانستان هر بود اینست قطعاً تیکه بنابر درخواست حکومت افغان - درخواست حکومت افغان نستان و مطابق با پیمان افغان - شوروی منعقد ۱۹۷۸ و منشور ملل متحد اعزم شده اند سوال ناریخ معاودت آنها در چو کات یا حل سیاسی ونه قبل از پایان کامل تجاوز علیه جمهوری دموکرا تیک افغانستان و تضمینات مربوط به عدم تکرار فعالیت های خرابکارانه از خارج علیه مردم و حکومت افغان - نستان مطرح شده می تواند تحولات مشتبه که پس از مرحله نوین انقلاب ثور بوجود آمده است اکنون به صورت فزاینده بی از طرف توده های وسیع رحمتکشان کشور ما در این ویشتبانی می شود و این امر نشانه هنده تحکیم روز افزون قدرت مردمی اکتشاف اقتصادی ریفورم ارضی حاکمیت نظامی قانون و اعاده اوضاع بصورت کلید کشور می باشد.

واقعه مهم دیگر کنفرانس نیرو های ملی و وطن برست است که اخیراً در کابل به خاطر هموار ساخت راه برای ایجاد جبهه وسیع ملی پدر وطن دایر شد، جبهه بی که نیرو های همه طبقات، اقتدار و گروه های جامعه افغانی را بهم متحد خواهد ساخت.

بنابران با در نظرداشت این حقایق بهر ناطر بیطرف معلوم دار است که تلاش برای تحمیل با صطلاح (مسئله افغانستان) در مباحث اجلان سازمان کنفرانس اسلامی هدفی جز انحراف بقیه در صفحه ۵۵

ایجاد گردیده است . باند ها یکه تو سلط امپریالیز م امریکا و هژمونی نیز بینکنک تمول و مسلح میگردند و در قلمرو های بعضی از کشور های همسایه و عمل تا در پاکستان بناه داده شده و از آنجا دست به اعمال تجاوز و سایر اشکال مداخله در امور افغانستان میزند .

حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان بسیار بزرگ شد تا این برابریم بیشنهاد کرد تا این برابریم ها از طرق صلح آمیز و از راه مذاکرات دو جانبی حل گردد . پرور گرام حل و فصل سیاسی او ضایع اطراف افغانستان و اعماق مناسبات با پاکستان و ایران بشکل فرا کیر نده و جامع در اعلامیه حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان ۱۹۸۰ مورخه چهارده می گنجانیده شده است .

در حالیکه هیچگوئی خطیری به صلح و امن منطقه و جهان از اکتشافات داخل افغانستان ناشی نمی شود ، این افغانستان است که معروض فعالیت های تجاوز کارانه و سایر اشکال مداخله از خارج قرار گرفته است و به همین علت است که قطعاً محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان دعوت شده اند تا مردم و اردوی قهرمان افغانستان را در دفع تجاوز از خارج کمک نمایند .

بیانیه مشترک جمهوری دموکرا تیک افغانستان و اتحاد شوروی که بنا ریخت شانزده اکتوبر ۱۹۸۰ در هنگام مسافرت یک هیأت عالی رتبه حزبی ، دو نماینده افغانستان در مسکو امضاء شد اعلام میدارد که، تا جاییکه به قطعاً محدود

اعلامیه حکومت جمهوری ...

آنها قصد دارند تادر راه این پرسه ایجاد مشکلات نموده و اینجنت های آنها برای این منظور دست داشت به فعالیت های ترویجی و تبلیغی آمیز میزند . بطور مثال از افغانستان های که در خارج پسر میبرند به عنف و جبر اجیرانیرا برای صدور به افغانستان استفاده می نمایند .

تنها در خاک پاکستان در حال حاضر ده هزار دو گاه نظامی و مرکز تربیتی تروریست های اجیر موجود اند که مردمون امریکا بی چینا بی ، پاکستانی ، هندی و غیره آنها را تربیت می کنند .

حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان با اعلان کشور های همچوار دعوت بعمل می آورد تا فعالیت های ضد افغانی را پایان داده و در راه حرکت فعلی کوچی ها و برگشت افغانها بوطن خود شان ایجاد مانع ننمایند که البته چنین امری به اعماق روابط میان این کشورها و افغانستان نیز مساعدت خواهد کرد .

حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان درین اعلامیه نیز موافق خود را که قبله تاریخ چهارده می ۱۹۸۰ تو ضمیح نموده بود یکبار دیگر تأکید کرد و حاضر است برایه این وضع گیری با کشور های همسایه بدور میز مذاکرات نشسته و مسایلی را که موجباً ایجاد تشنجات در منطقه میگردد مورد بحث قرار بدهد .

حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان اطمینان دارد که رفع موانع غیر لازم از راه برقراری روابط واقعه حسن همچواری بین کشور های این منطقه حواب گوی منافع و صلح و امنیت در منطقه و تمام جهان می باشد .

عمو می قبل اعلان شده و بشکل دوامدار مورد تطبیق قرار دارد .

حکومت تضمین میکند که مطابق اصول اساسی جمهوری دموکرا تیک افغانستان برای این انتخابات محل سکونت ، نوع شغل و تساوی حقوق در حل و فصل مسائل ارضی ناشی از تطبیقات اصلاحات ارضی وامکان سهمکنی سیاسی آنها در امور عامه با رویه وطن پرستانه ، ساختمان افغانستان جدید شکوفان واشرتراك در امر دفاع از کشور داده خواهد شد .

حکومت جمهوری دموکرا تیک افغانستان با اعلان آما دکی برای پذیر فتن افغان های خارج از کشور خاطر نشان میکند که تهم شرایط لازم زندگانی آبرو هندو فعالیت من مر کار اجتماعی به آنها بخاطر رفا هیبت وطن محبو ب ما تا مین خواهد شد .

حکومت به تاسی از اصول اساسی جمهوری دموکرا تیک افغانستان یک بار دیگر تضمین میکند که برای کوچی ها ، قیام پل و مالداران نه تنها استفاده مجانية از چراگاه ها بشکل عادلانه مهیا ساخته میشود ، بلکه حق حرکت آزاد آنها در کشور تاکید میگردد . حکومت افغانستان ممانعت های بی را که اخیراً در راه رفت و امد های فعلی کوچی ها از افغانستان به پاکستان و بر عکس آن بوجود آمد ه نکو هشی مینماید .

باید خاطر نشان گرد که تحولات مشتبه که در کشور در دست انجام است و برگشت روز افزون افغان های خارج از وطن موجبات خشم محافل امپریا لیستی وار تجا عی را فرا هم نموده است .

رووف راصع

نقد و بررسی کتاب:

«ورزش‌های ملی در افغانستان»



محب حیرت نویسنده کتاب ورزش‌های ملی در افغانستان

((کلاه‌غیج)) بازی بو بو لی چسی
((بو بولکل جه)) ((مرغومکی)) ((تاقین
چوچک)) سپره خیلی ((اله داد))
((کبد)) ((دره و بوستین)) ((چکک
یاکلک بازی)) نشان میدهد که
مولف تلاش داشته است نمونه‌تعمام
و یابیشتر بازی‌ها و ورزش‌ها را
محلی اقوام و ملتی‌های افغان را در
کتاب خود به شناخت آورد و نقشی
را در این زمینه متوجه اثر نسازد.
در هریک از فصول نامگرفته
شده نویسنده علاوه از رموز و
تکنیک‌های بازی تاریخچه مختصراً
هم به آن نگاشته است که هر
چند دقیق نیست، اما به نوآموز
ورزشکار و آنایکه در این موارد
خواهان ملعو ما نمیباشند سودمند
است.

نشر ساده یکدست و بی‌تكلف
کتاب نیز در فهم مطالب گرد آمده
در آن به شاگردان و نوآموزان
کمک شایان میکند.

در فهرست مباحث و متن‌ها عی که
در اخیر کتاب جای داده شده و
معرف توجه مولف به پایماً لذکردن
حق دیگران است از:

کتب و تواریخ تاریخ افغانستان
نشرات انجمن تاریخ، مجله‌های
دایرة المعارف، آریانا، سالنامه
های کابل و افغانستان، دایرة
المعارف دانش پسر، انتیک برای
جوانان افغان، نورستان غزنه و
غزنويان، احمدشاه بابا، بیان
سلطنت کابل، غوریان، لشکرگاه
(سپرلو)، ((رهنمای کابل))،
برخی از شماره‌های مجلات ((لعر))
و ((فولکلور)) و فرهنگ‌های
(خیام)، ((عیید)) و ((برهان
قطاع)) نام گرفته شده که ارزش
اثر را بیشتر می‌سازد موافد در
داشتی زیر عنوان ((اهداء)) در
صفحه نخست کتاب خود مینگارد:

((بیاس احساسات بی‌شا بیه
وطندوستی و به خاطر تحکیم بیشتر
رشته‌های مضبوط و ناگستینی
برادری و برابری، این مجموعه
معلوماتی را پیرامون ورزشها می‌ملی
و بازیها و سرگرمی‌های محیطی
باشندگان شریف گلزار مین افغانستان
به پیشگاه ورزشکاران می‌بیند
و انساندوست وطن عزیز و به خاطر
استحکام مزید علایق استوار انسانی
تو ره ((ادار بازی)) پایه بران ((تو پ
دنده)) دگنده او ازده بازی ((شیطان
شیطان)) ((لپر)) ((هو شت))
مناسبات وسیع و مستحکم ((جهان
باقیه در صفحه ۵۸

((وزری افغانستان))
که در روستا های کشور در زیر
ضربه های تمدن وارداتی در حال
خردشدن و مایه پذیری و اختلاط است
به مطالعه درونما به های آن می‌
برداختند و کاری را در جهت احیای
مقابر کلتوری ما به انعام می‌اوردند
که در گذشته شرایط خاص
به وسیله دیپلماتیک دکناب چاپ لو
موسسه به تازگی از چاپ برآمده
که تاهنوز به اشکال دست نخورده و
بومی خود در گوشه و گنار کشور
ما از وسائل سرگرمی و بازی های
جمعی مردم مابه شمار می‌اید هریک
سابقه و تاریخ دراز دارد که در
جزیان سده های فراوان زندگی
آریانی ها از نسل به نسل دیگر
سپرده شده و به عنوان نمادی از
فرهنگ پر غنای ملی به مارسیده
زندگی می‌لیون ها انسان رنجبر و به
استئمار درآمده و به خاطر انکار از
بعاد وسیع و گستردگی خود، در
سروده های شعری و ترانه یعنی و
قصه‌های روایتی خود، در بازی
ها و رقص‌ها و اتن های خود، در
اسطوره‌ها و افسانه‌ها و آفریده
می‌ورد.

از سوی دیگر شرایط عمومی
برای بسط دانش به گونه یعنی بود
که دانشمند واقعی باشکم گر سنه
در بیان بود و عده‌ی جاه طلب از
حود راضی روشنگر نمای که تمام
رسانه‌های گروهی و وسائل ارتباط
جمعی را در اختیار داشتند دست به
آنچه در باره منابع فرهنگی کشور
هایی که باما وجوده اشتراکی
کلتوری داشتند برداشت و حتی در
این مسخ بزرگوارانه از رنگین نامه
های بی محظای شکلی هم‌چشم
نوشیدند و تفاله هارا به خاطر
کسب شهرت و یا اخذ حق‌الزحمه بار
فرهنگ ما ساختند که اکنون سره
ها را از ناسره جدا کردن کاری
شده است دشوار که به همه این
دلایل در شرایط کنونی احیای مقابر
فرهنگ توده در شمار اساسی ترین
کارهایی است که باید با تلاش و
پیگیر و تحقیق و مطالعه کافی
صورت گیرد و به کارهایی از این
از این به آغاز گرفته می‌شند و
اکادمی‌سینهای ما با استفاده از
مانند ارج گذاشته شود.

جمع آوری همه این بدیده های
فرهنگی، تحقیق کافی بیرا مون
مراحل تکامل هریک از آن با توجه
به خصوصیت های اندیشه‌ی هر
دوره که سبب پیدایش و یادگار گونی
آن شده است و از همه مهمتر تهیه
و تدارک یک آرشیف و موزیم از
داشته‌های فرهنگی توده های
مليونی افغانستان در جریان
هزاره هایی که برآن گذشته است
و در نهایت شنا ساندند و معرفتی
همه این ارزش‌ها و سود جویی
از آن در کارهای تازه تر فرهنگی
کاری است که باید خیلی پیش
از این به آغاز گرفته می‌شند و
اکادمی‌سینهای ما با استفاده از
مانند ارج گذاشته شود.

سود آموزی و سایر امتیازات اجتما- در کوچه ها پرورش می یا فتند ،
عی برخوردار بودند ولی زنان همان زنان در فقر و تنگدستی جان میداد-
طوری که گفتیم جز تربیه و پرورش دند. پسرن و دختران پیسواد بار می-
اطفال آنهم در شرایط خیلی دشوار آمدند، ولی حکام جامعه که خوداین
وظیفه دیگری نداشتند. پدران دختران خواست شوم راعیانی مینمودند،
خودرا درخانه ها نگهداشتند و شرایط خودادامه بیشترانه به زندگی ننگین خودادامه
رفتن به مکتب واشتراک در مسایل میدادند. مادران بار سنگین را از
مادران میشدند. مادران بار سنگین را از
اجتماعی را از ایشان سلب نموده
بودند . رژیم های گذشته نیز
میشدند ، همچنانیکه خواست مادران
همجون موضوعات را دامن میزد
بود اطفال شان تقدیم اجتماع نمی-
کردیدند. چههر قدر محیط خانواده
تووجه نمایند. تربیه اطفال از جمله
مشکلات زنان مادر دوران های گذ-
شته بود. هزاران طفل از بی دوایی
و عدم شرایط صحی تلف میگردند
از کلینیک های صحی و شفاخانه های
دشوار خانه رانیز انجام میداد و چه
اطفال اصلاً خبری نبود . ما در ان
بساکه مورد قهر و غصب پدر قرار
بیچاره ما مشکلات عظیم را در جهت
تر بیمه اطفال خویش متحمل میشدند
مردان که بپرها میباشند
دوایی داکتر شفاخانه ، صرف در
های خویش در مقابل زنان نمی-
دانستند و با اتكاء با این رو حیة
خدمت همان طبقات حاکم و جسد
داشت وقتیکه اطفال با هزاران
خرافاتی که گویا زن عقل ندارد آنها
رنج مادر از مرگ نجات میافست
را مورد شکنجه و آزار ، تهدید دولت
با زهم در بدینختی و تیره روزی بسر
و کوب قرار میدادند و سر انجام
میبردند، مکتب وجود نداشت که
رنجی دیگری برآن همه رنج های
اطفال در آن تحصیل نمایند. اطفال
مادران علاوه میگردید. ناتمام



زنان صلح می خواهند

عصر مادوران پرواز

زنان بسوی قلل سر بلند آزادی وعدالت

اجتماعیست!

جامعه ما در دوران های گذشته
شاهد تیره بختی های زیادی بوده
بر شخصیت این سازندگان تاریخ
میگونه تو جهی نگردد . گذشته
است که از آنجله از ستم طبقاتی
از آن زن مرد وزن را میتوان
تبعیض میان مردان و زنان
خواهشات نفسانی مردان و کرم
گذشته تحت ستم های گونا گون
نمودن بازار های قمار بازی و شراب
قرار داشتند و به نحو از آنها بالای
ایشان ظلم های گوناگون مرعی
میگردید . زن این قهر ما نیشتاز
جامعه و پرورش دهنده هزاران
شخصیت بر جسته تاریخ اعم از
بهترین قهر مانان و طنبرست ،
دانشمندان ، مختار عین ، مکتشفین
کیهان تور دان و هزاران هزار انسان
در جمل و ظلمت بسر میبردند ، زنان
هاییکه نفع خدمات شان برای
بشریت امکان زندگی میدهند ، در
جهان نقش خوبی را ادا نموده است
بهترین قهرمانان صلح دوست و
بهترین فرزندان صدیق ، دانشمندان
داخل خانه آزادی های نسبی بدست
تربیه نموده است . ولی باوجود این
در زندگی زن هیچگونه تو جهی
نگردیده است . علاوه بر آن زنان
این قهرمانان سازنده تاریخ چه
بسا ظلم هایرا که متحمل نگردیده
بودند وظیفه آنها صرف رفع خواهشات
الله . تاریخ نشاند هنده آن است که
زن در روابط بوسیده فیو دالی و
ماقبل فیو دالی ، در دوران های
گذشته پدرسالاری و پدر شاهی بعیث
امتعه تجار تی مورد استفاده قرار
گذشته زن در همان تیره بختی ها
میگرفت و چه بساکه در محافل
شراب خوری مردان موردن بدبخت
قرار میگرفت . چقدر شرم آور است
زنان که در حقیقت بوجود آورند
از رفتن به مکاتب و آموزش سواد
مردان و پرورش دهنده آنها است به
در جامعه مانیز در دوران های

گذشته پدرسالاری و پدر شاهی بعیث
گذشته زن در همان تیره بختی ها
دست و بامیزد و از حق تحصیل محروم
بودند . در هیچ ساخه زندگی حق
مساوی با مردان نداشتند . دختران
زنان که در حقیقت بوجود آورند
از رفتن به مکاتب و آموزش سواد
مردان و پرورش دهنده آنها است به
به کلی محروم بودند . مردان از حق

نکدشت که همسر م بی برد گشته حقیقتاً پشتیبانی و حمایت او سبب تمردد و شو خیمهای طفل گردیده است. از آن بعد مشکل ماحصل شده بود اطفال ما بمن و همسرم قدر و احترام مساوی ابراز میکردند. همدستی، احترام متقا بل و دوستی میان پدر و مادر احسا سخا نواده را پایا به گذاشت میکندواز دید گاهتر بیشی یکجا نواده را وقتی میتوان سالم و هو شق گفت که فرد فرد اعصابی آن از احسا سکرمهاییگر برخوردار باشند. ازینرو دربرابر تشکیل یک کا نون گرم و سالم خانواده مکلفیت عمدیه پد ران و ما دران وظیفه شنا س آن خواهد بود که در فرد فرد اعصابی خا نواده ذهنیت و طرز تلقی نیک را بر اساس دوستی وتسانند میان یکدیگر شمان ایجاد نمایند.



پیوسته بگذشته

ضرورت توافق نظار والدین در تربیت اطفال

ترجمه: ع.ن

ایجاد روابط نیک میان بزرگان و خانواده نیز برهمایی نیاز خردان خانواده دارد. بزرگان را است که خردا نرا دارد. بزرگان را که خردا نرا به حیث جایگزین آینده شان ارجاده آنها را زیر بروبال خود هوشداری و مواطبت نمایند.

خانواده ای را سراغ دار یک که برادر و خواهر بزرگ بعده گرفته اندیک اند زموقت شما نرا عمه روزه به خدمت و کمک برادران و خواهران کتابخانه برایشان کتاب میباشد و در خشنان تاریخ وجا معه ور اجع به کار و شغل خود شده آنها قصه می آورد و در ساختن بازیچه ها با نهای آنکه میکند. خواهر کلان شان در ساختن الجوم با نهای کمک عیر ساند. از مجلات و روزنامه ها عکس های جا نسبت برای آنها انتخاب میکند برای عروض سکه های آنها لبای می باشد طبق چسبای ندن عکس های را در البو م باشند یاد می دهد هدو سوز ند وزی را باشند می آموزد. خردان در برایر کمک و مهر بانی خواهر و برادر بزرگ تمان عصیقاً محبت و احترام ابرا ز میکند و آرزو دارند که ما نند آنها باشند و میکوشند آنها را از خود راضی نگهداشند.

حفظ گردد و وقتیکه یکی طفل را از کاری منع میکنند دیگری باشد پتو اند آنها را بشیوه مظلوب پرس. به خصوص پدرگفته مادر راتا بید آنرا پشتیبانی مادر راتا بید کنند و دخترش را از از نکاب آنفع میگیرد. مکلفیت عمدیه پدر و مادر در آمده اداره مشترک پدر و مادر در صورت منع کند طبیعی است که دختر هرگز چنان نخواهد گردید که در صورت طاعت میکند در غیر آن طفل را عی رت منع مادر نزد پدر پنهان ببرد. هن خودم پدر پسیج طفل میباشم وقتی که دنبال میکند. *

این سوال موجب شد که جواب من اورا از کاری منع میکرد م همسر من اورا از کاری منع میکرد من به آن رفتار از پدران که کار گزینش از کنندیکی همیکردم اما هرگز عدم توافق را با همسرم در چنان موارد به طفلمان اظهار نمیکردم زیرا گفت: اجا زه بد هید در برای این این سوال بدو سلطان گرا می بعر دن طفلمان پا ثین بیاورم. روی آن برسانم که در چنین موارد حقیقت بایست بین پدر و مادر توافق تمام وجود داشت از پسران که این قسمه میکرد یعنی و در شته باشد و همیشه باید این توافق ابتدا متناقشات ما زیاد بود امادیری

پدر و مادر خا نواده یعنی روحی مسائل تربیتی توافق تمام داشتند کار و تلاش بکار بحیث معیار انسانی آن خا نوا ده از طرف تمام منسو بین آن پذیر فته شده بود تعلم اشیا و امور خانه در نظم و ترتیب سر آمد همه بودو پدر و مادر در خانواده اضباط و حاکمیت قوی بسر اطفالشان قایم کرده بودندو با این ترتیب اطفال آنها مردان و زنان پیشتر دوران خود شدند. در این مورد مثا لمای زیادی وجود دارد که مامیتو نیم از لا بلای شرخ زندگانی مردان و زنان نامور جوامع مختلف انسانی بتأثیر این حقیقت دستیت یابیم. علاوه بر توافق پدر و مادر وقا یعنی اموری که بر اطفال شرایط دیگری نیز در زمینه از بیت و پرورشی دخیل است. با این ربط در یک جلسه بزرگ پدران و مادران این سوال مطرح گردید: « حاکمیت و اموریت پدر و مادر بر اطفال چرا یکسان نیست؟ یعنی وقتی ما دری دخترش را از دستزدن بکاری منع



سامان بازی اطفال را از اشیایی باید انتخاب کرد که استعداد دماغی آنها را رشد دهد.



و یا مثلاً زن و یا شوهر از گرم خا نواده که این همه از آن تلفو نهای ناشناست که بیوسته سخن‌ها گفته می‌شند در منزل صورت می‌گردد دچار و سال‌های سال‌پرای رسیدن به بد گمانی و سوء ذهن می‌شود و یا بعضی از زنان و می‌کردم در کجاست؟ چرا به شوهران بی تجربه می‌کوشند آن رسیده‌نمی‌توانم تا آنرا به تا اسراری را در باره گذشته آغوش کشم و زندگی سعاد تمند همسر خویش کشف نمایند که را نصیب گرد؟

اینها همه و همه سبب پیدا کردن اینجاست که در باره امکان وجود آن ((گرمه کا نونخا- کینه و کد ورت در زندگی زناشو هری می‌شود و بس . نواده)) دچار تردید و نکرانی می‌شوند .

پس از یک مدت و قرن دوران اما این اندیشه را ندارند که بار داری و انتظار زن فرامی‌رسند و او نیازمند مرا قبالت بیشتر یست و حوصله کافی در ابتدای زندگی . زناشو هری برای هر تدبیر کردن کارهای خانه وجود داشته و توفان های ندارد و نمی‌تواند طبق بروگرام گذشته به همه امور خانه رسیدگی اشتباهاست و سایر مسایل خورد و شوهر و ظیفه دارد که زنش را در انجام امور روزمره می‌برد .

کمک و معاونت کند قرار یکه هیچ عملی شکفت تراز یعنی دیده شده بعضی از شوهران بی تجربه و عصبانی بدون اینکه درین خیاطی ، آشپزی ، ما یشن نو - گونه شرايط و احوال به خانم یسی ، رانندگی و غیره - مدد گار باشد با او برخورد وغیره مدد تی تمرین و آموزش می‌بینیم اما برای اساسی ترین خصما نه نموده و هر آن زن را به وهمترین بخش زندگی مان هیچ باد انتقاد می‌گردد حتی کارهای زیبای او را زشت جلوه میدهد ، این مسایل و مشکلات لحظه به لحظه ، روز تا روز و مرحله به مرحله برو بلمها و مشکلاتی تجربه و آموزشی در کار نیست و آنرا عمل ساده‌نمی‌پنداریم و آنرا دست کم می‌گیریم .

هیچ زن و شوهر جوان و بسی تجربه به برای همه مشکلات و برو بلم را در زندگی زناشو هری بوجود می‌آورد که بسا او قات ما نند این های زندگی خویش که هر آن دا منکر شان می‌شود راه حل ساخته و پرداخته ندارند آنها می‌توانند محل مشکلات خویش را با تجربه دست داشته باشند که بسی او قات زن و شوهر از کی خا نوادگی را می‌پوشاند .

برای شوهر شش خوشایند نیست ، خود می‌پرسند : پس این کانون تجربه دست داشته ارزیابی نمایند و گره کار را بگشایند .

یکی دیگر از این راه های حل اینست که می‌توانند مشکل را با همسر خویش در میان بند از ندوی منشاء مشکل همسر باشد چنین کاری مشکل خواهد بود .

راه دیگر عبارت از آن است همسر این جوان می‌توانند مشکل خویش را با بزرگان خا نواده و یا دوستان صمیمی و با تجربه در میان بگذرانند که درین مورد مسایل مختلفی بیش می‌آید :

که غور و تعمق در زمینه لازمی است که ما درینجا به چند مشاكل آن اکتفا می‌کنیم :

مشوره و تفاهم در زندگی خانوادگی عامل اساسی پیروزی و خوشبختی -
تجربه در حالیکه بیک دیگر عا-



مشوره و تفاهم در زندگی خانوادگی عامل اساسی پیروزی و خوشبختی -
تجربه در صفحه ۵۰

تجارب و آموزش در خانواده

نخستین آموزشی که خا نواده شق‌اند و دیوانه وار در یک دیگر را نیازمند آن است ، آموزش در اثر نداشتن برازندگیست که برازندگی خا نوادگیست که بغضنه ازین آموزش از تجارب زندگی بدست می‌آید . اکثر اینها اینکه خوشی زنش را فراهم نموده باشد به گفتن برخی دروغ ها متصل می‌شود و زن برای بالا بردن در آمد خا نواده می‌خواهد کار و مصروفتی داشته باشد که برای شوهر شش خوشایند نیست ، هدکارو مصروفتی داشته باشد که برازندگی آینده خا نوادگی دارند که این تجارب غالباً سودمند و مفید بوده که ممکن است حیثیت سر - ما یه معنوی را برای دارندگان خود داشته باشد .

اما بعضاً این تجارب زیانها و نواقص هم دارد مثلاً ملکه ساختن تجارت کهنه غلط و خرافی که هیچگاه مفید نبوده در آخرین تحلیل صاحبان این نوع تجارب بیوسته از زندگی رنج خواهند برد . اغلب زن و شوهر های جوان که تازه به زندگی جدید زناشو هری آغاز نموده اند و یکباره کی در برای بر مسایل گوناگون و تازه قرار میگردند بیشتر از همه رنج می‌برند و ساده ترین سواعد - همایات بزرگترین کشمکش‌ها را در زندگی آن به وجود می‌آورند . زن و شوهر جوانی و بسی

و خواستار تصویب قوانین بهتر و تطبیق قوانین ضرورت های مخصوص اطفال در اعلامیه می‌جوهده می‌گردد . تحقیقات و تبلیغات حقوق کودک که در سال ۱۹۹۵ به تصویب احتمالی جدید در باره بپرسی از اطفال مجمع عمومی ملل متحد رسیده تصریح اشغال نیز جریان دارد و نتایج آن سال آینده کودکانه و کتوانسیونی در مورد در دست اعلام خواهد شد .

شته زر: فرمید

اطفال به همه کاری و رهنمایی والدین

اطفال ایـن مو جود با تابزدگی همان قسم ادامه میدهند ، چنانکه یکی ارزش و دوستـدا شتنـسی از بزرگان در باره تربیه و پرورش اطفال گفته محتاج و نیاز منده گونه کمک درره آهوزش است: اطفال هائند نوتبالی است که بالغان دیرورش والدین اند. آنرا غرس می نمایـد اگر بالغان در تربیه و پرورش اطفال عنگامیکه تازه به جهـان چـشم میـگـشـایـند آن سعـی و کـوشـش نـمـایـد و در وقت وزـمان عـمـین درـاولـین نـگـاه خـود مـادر رـا مـیـبـینـند وـاولـین آنرا آـیـارـی کـند ، نـهـال بـزوـودـی نـوـ کـرـده و گـرـیـه وـیـاخـنـه آـن متـوجـه مـادر است وـهـیـشـه بالـآخرـه يـك درـخت مـثـمر بـار مـیـایـد کـه اـز لـمـرـ خـواـهـان محـبـت ، صـمـيمـت مـادر هـستـند بـه هـر او هـم بالـغـان و هـم دـیـگـران هـستـیدـیـگـرـدـند. انـداـزـه کـه قـوه جـسمـی فـکـرـی و ذـهنـی آـنـها نـمـوـد تـربـیـه وـپـرـورـش اـطـفـال سـالم نـیـز عـمـین قـسم رـشد مـیـکـنـد بـه هـمان انـداـزـه بـه اـطـراف وـاتـیـاء است .

ماحول خود اشنازی و شناخت پیدا میکنند و آموزش و پروردش آنها نیز نظر به رشد جسمی و فکری آنها تکامل میکنند چون اطفال در مرحله تکامل فرار دارد رفتار ، گفتار و اعتبار واقعی والدین و مریبان در مراحل ابتدایی رشد و نمو کودک نقش فوق العاده و پر ارزش را دارا میباشد. هر عمل و گردار خوب باید که درخانه، کودکستان مکتب و یا بیرون نزد کودک بیان گردد ، در مغز کودک به زودی جای گرفته و با گذشت زمان از آن به طور خوب و باید بهره برداری میکند باید تذکرداد که فضای خانواده بالای اطفال بسیار تاثیر ارزش دارد، یعنی در فامیل عایی که فضای صمیمیت و دوستی و حسن همکاری کشور و جهان مصدر خدمت میگردد و ترقی و آموزش و پروردش وجود داشته باشد اطفال هر جامعه منحصر به تربیه سالم و غیر سالم آن خانواده از همان دوره مکلفت با آموزش اطفال است .

و بروز صحیح و درست نمودنکشاف کرده‌هم
دربین فامیل و هم در خارج فامیل خویش یعنی
در کودکستان و مکتب پادیگران با یک روحیه
دوستی و صمیمیت و همکاری رفتار نموده‌وسای
بسیار ذوق و علاقه سر شار از صمیمیت و حسن
همکاری با دیگران بمزندگی خود ادامه میدهد.
برخلاف در خانواده هایی که فضای همکاری
وجود ندارد اطفال آن خانواده نیز تعلیم و تربیت
خویش را از دامان چنین خانواده شروع
نمایند. و اعمال و کردار کسب شده‌خود را



استخدام اطفال در کارهای شاقه

کودکان از بدو تشکیل جامعه کارگرده و در اینجا و ظایف که با آن تعلق داشته‌اند نفس خوبی ایفا نموده‌اند. در اوایل کارشان در حلقه خانواده منحصر بود و در ضمن آن برای پیشبرد زندگی آینده خوبی آماده می‌گردیدند. امروز عumoala اطفال در مقابل هزدیگار گماشته می‌شوند یعنی کارفرمایان خارج حلقه خانواده از اطفال مرتب بهره کشی می‌کنند.

اسغال اطفال در همه نقاط جهان شکل یک مشکل گسترده اجتماعی را اختیار نموده و اگرتوں حکومات در صدد آن برآمده‌اند تا از اطفال پیر می‌شوند.

مطالعات اختصاصی ایکه در طول سال بین المللی طفل (۱۹۷۹) توسط موسان خانواده ملل متعدد بعمل آمد نشان میدهدکه در همه جا استخدام اطفال منتج به استهار محرومیت و صدمة جسمی و روانی میگردد . این مطالعات ضرورت شناخت این برایلم را از طرف عامه مردم جهان و ضرورت تلاشی را نقش ندارند .

منیت و وسیعتر را به منظور جلوگیری از
گسترش بیوهه کشی از اطفال شاغل و تحدید
آرای خیلی هانگواران را بالای نسلیای
آینده و افع ساخت .

طبقه این مقرره بعای آنکه شرایط را بهبود
بغشید بوخامت آن منتج خواهد شد. دلیل
با اساس احصانیه های موسسه بین المللی
کار در حدود ۶۵ اطفال بائینتر از
سن پانزده سالگی به کار استغلال دارند. ولی
ایشان باز هم ایست که اطفال شان باید کار
کنند و یا فامیلیهای شان از گرسنگی بپیرند.
للاس ملل متحد برای حل این مشکل ادame
دارد. کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض
و حمایت اقلیت ها مرتب در مورد جلسه نهوده
خواهند این واقعیت را کتمان نهایند.

بی تو

تو بیارم بودی
تو بپشم بودی
تو نشاط من و شعر من و آهنگ
و سردم بودی
همه ذرات وجود م بودی

تو امید م بودی
تو پناهم بودی
توقاردل من، شمع شب سرد و
سیا هم بودی

بن تو بایز و بیارم همه
سردست و غم انگیز و سیا
بی تو شام و سحر متیره و تلخ
ست و خموش
بی تو عشق من و شعر من
و آهنگ و سردم همه مرد همه
ذرات وجود م، همه مرد
((آصف فکرت))

عیش مُستَر
صوف رَكْت خیال مُستَر پا
دیرولت مُستَر پا

یک جر عزم عشق را تو شنید
بهر ز شاط دیش مُستَر پا

«میر عبدالحکیم»

کاشکی

کاشکی کاشکی کاشکی
تورن ستاد عشق به تور وای
کاشکی ز ما مینه
خوره شوی به هر لوز وای
کاشکی کاشکی کاشکی
چی می ستا کو خه کی کور
وای
را ته بلنده دی اور وای
زه لکه پتنگ وای
جل بل شوای لکه سکور وای
زه وای او ستا مینه
رانه با تی هر خه نور وای
ستا سره می زوند وای
ستا د گور تر خنگ می گوروای
می وای خنگیدلای
ستاد مینی بهدار سپور و ای
هر چیر ته چی ته وای
هلته زه وای هلته زه وای
تاتل خور ولای
ما کی تل دینیکی زور وای

سنگر

چشم سیاه

در افسون داردم چشم سیاهت
جنون می خیزد از طرز نگاهت
نیاز عاشقان نشنیده مگذر
که می آید بکوش از خاکراهت



کشور

اگر آن کودکان را مادر صلح
بخوا بانددامی درسته صلح
جدال و جنگ و بی سهری نماند
جهان گردد سراها کشور صلح

٤٦٥

زه چه په دی شپه کی له تو پان سره
کندو گرنگونو کی خو څیزمه

هیله سی دغه ده خپلو هخو ته

زه به خپلی دینی ته رسیزمه



داغ عشق

دل را به چنگل هرّه دلبر گر فته است
شہیار چشم یار کبو تر گر فته است
زین بیشتر به آتش هجر را نمرا مسوز
ای داغ یار بسکه دلم در گرفته است .
عمر یست شمع سان دل داغ آشنا بمن
آتش زدست هجر تو بر سر گرفته است .
گر چو خ کینه جو نزند پا ، چه می شود
کارم به عشق او کمکی سر گرفته است
چو ن تکمه عقیق گریبان یا ر را
خون کسی بدآ من محشر گر فته است
ما را شرا ب داد و جها ن راخرا ب کرد
ف صحت نگاه میست که ساغر گرفته است .

فرحت

آرزو

همی خواهم که چون برق شد رفاقت
به سوی دیو ظلمت ها ستیز م
ز نهم آتش به بنیاد سیا هی
به جان «تیره روزی» شعله رید زم

همی خواهم که چون بال سبک بال
به هر کنج جهان خود را رسازم
پیام آرزوی سازش و صلح
به گوش رزیان ده رخوازم

((پرتو نادری))

طلع

خورشید همچو کشتی ر هوار مشتعل
بر دو ش موج های افق می کندشنا
میگردد ازشکو فه تابتده شفق.
رنگین کرانه ها

شب با دو بال تیره و مر موزو خو فنا ک
دور می شود ز سینه آ بی آسمان
با دست آفتا ب ، فند پر نیا ن نور
بر روی اخترا ن

در آسمان طلیعه شاد سپیده ها
لیخند افتخار زند بر هجوم نور
لحظات بر شکوه سحر با نوید خویش
می بخشد م سرور

هنگامه شگفتمن و پیروزی د رافق
بامرگ تلخ تیره گی شب گرفته رنگ
تادره های دور شتا با ن سپا ه نور
چالاک و بید ر نگ

اسد - ۱۳۵۹ شمیر شیر غان

وواد زهونن خلک تور دغوغظلمونو اونا گردیو
تیرستیری گیری وو له بلى خوا د مغولی او
صفوی ڈاکمنو ترمنځ چې دوخت اوسيمه
دده غښتلې فدرونه وو زهونن یه سر جګري
کیدلی ، له خلکو نه یه غیر عادلانه چوں مالیه
ټولیدله . ددی له پاره چې په محلونو کې بری
نوری هانی جویی سی او د یاچاهی دربارونو
دباره یې د بسکلا او سینکار سامانونه
واخستل شی . به هقه اندازه چې په دی
بیسو به دربارونه بسکلی کید ل او د یعنیش او
نشاط محفلونه به یې دیدل یه مقابله کې به
دله سیمی او خلک خواریدل او یه وکړو به
داسن ظلمونه کیدل چې دوبلو ورنه دی .
یه همدا سی شرایطو کې بايزید روسان
پیدا شو یه همداسی شرایطو کې را لوی شو
د ډهدی وخت ترڅه یې خکل د خپلی زمانی ،
بیښی یې یه غوره خارکی دغه خپلو غر یېس
و اوږد اوددی نظام یه خرگند مخالفت یېسی
یې هلاړ اوږله د جګري ډګرته یې ورودانګل
خود «نظام» دنالی خټو له خوا بری یو ډول او
بل ډول نومونه کېښودل شوی یېر روبسان د خپلی
لاری دروبسانو لوله پاره اوددی پاره چې دا
ډول تورونه هر د ګری ، د «خیرالبيان» اثر یې ولیکه
یوازی خیرالبيان ته ، یو ټی نور آثار یې هم
ولیکل لکه : د بېښتو دسمالغطا ، صراطاً التوحید
مقصود الهم منن ، فخر الطا لبین ، حا لئامه
مکتو بات او یو ټی نور آثار .

خو خر نگه چن زهونز د خبر و چه
ضوع «خیرالبيان» دی نوخکه یه نورو آزارو
نه وايو یوازي دبایزید روپسان یه
خیرالبيان» خیرید و :

د محمد عبدالقدوس فاسی د وینا له مخی
بایزید روشنان نوھرتن اثر همدغه مشهور
در البيان دی لکه چی هقه د خیر البيان
سریزه کی داسی لیکن : «د بایزید یه
شیفاتوکی پیرمشبور او د اعتمام لایق کتاب
در البيان دی چی هونز د موجوده معلوماتو
مخده بایزید دخیل تحریر استدادی کتاب نه
ی وه او د هقه د مخالفت یه اسبابو گی
سبب ددی کتاب تالیف هم دده لوی مخالف
ون درویزه و هقه د بایزید د بل یو
تئیف ذکر نه گوی خود خیر البيان ذکر
یه شد و مذکوی او هم ددی تصنیف یه
مه یی د بد نامو لو کوشش کوی اخون
بایزید یه دی باب واپس چی ده یو کتاب
د کیری دی چی هقه خه کلمعی یی به عربی
ی کیری وی خودت رو کیب او ترتیب یه پته
نه دی یوه شوی او خه یی به فارسی او
یی یه پشتتو او خه یی به هندی راجمع
یی دی خو یه تولو کلمو کی خه وزن او
پیشت نشته دی ۴۰۰

بیز رویان د دوو «حاکم» او «حاکم چووه»
که بیو بر قند د مبارزی چنده بورته کری وه
دھفه لوهرنی موخه داوه چی به خپل اویس او
خلکو یاندی د تیری کوونکو مغولی واکمنانو
ظلمونو او تیر بیو ته خاتمه ورگری او د
مبارزی یا جنگری بل ایخ بی عفو که بیو ته
متوجه د چی بیو او بله بنه بی د
سیاسی اخراضویه لرلو سره په حقیقت کی
دواکمن مغولی فدرت دساتلوا او قیستکلو دیاره
علی خلی کولی .

دروپسان او دهه دبلویانو دغه مبارزې چېږي
او پردي شوی د مفولو او د هغوي له تالسى
خټوسره بی خو، خو خلی جګړي وکړي کله
به یې هغوي له هاتې ورگړه او کله به هم
څلله له ستو نزو سره مخاځنځ شول. یه پای
ګکۍ د ډېر و جګړو او مبارزو وروسته د تور
راګه، یه هغه خونزې جګړه کې چې د روپسان
دبلویانو او د مفولو تر منځ وشوه څلله روپسان
تم یه (۹۸۰) هجری، فهري کال په دی جګړه
کې شوېید شو. په دی هکله یو نظر دا سی
ای چې هغه د جګړی یه ډګر کې ووژل شواو
خښې بیا دا سی لیکن چې هغه په دی جګړه کې
اخمي شو، خپل خان بی اشنغر ته ورساوه
و یا یو خمه موده وروسته هر شو همندا دنګه دا سی
نم ډیل کېږي چې هغه په لاره کې جل وواهه
و یا هر شو .

لکه چې مخکی موهم اشاره ورنه وکړه
وپنان ټول زوند له مبارزی او د بی عدالیتو
مقابل کن له جګرونه ډک دی یه دی برخه
کې د افضل خان خټک په اثر «تاریخ هرصح»
کې هم د روپنان په باب خیش معلومات شته
کې سره له دی چه تاریخ هرصح یه دی برخه
کې درو پنان د معا ټف یعنی داخلون درویزه
آناد و نه استفاده کړي ده مګر بیاپی هم
حقایق خپلی دی هنلا یو خای یه دی عکله
اسی لیکن : «... خو مدت په فیدو ، بیسا
لاص سو چې له کابله راغن وانسغرته ، یاران
کې جمع کړه د ټوقن یه غره ننوت بیاله ټوټی
بیراته راغن افریدی ، ورکزی ، داعالم بی هم
لشو د داعیه بی ده قول سره دبدی وشوه ،
بل به بی چې مغول ظلم پیشه دی ...
لکو باندی ظلم تو حده زیات کا ...

روبيان به داسی وخت کی د مبارزی
ارته را ووت چن زموئن د یولنی د گراو
مانه وه له همدى گبله خو ویلی شوچی د
بنان پیر تیاز کومه تصادفی پیښه نهود،
خت یو تاریخی ضرورت و لوهرنی اوچیره
یه ستونزه خو داوه چی هرگزی فیوجالی
رت یاد مفو لو واکمنی په خلکو باندی
ل ظلمونه او تیری وروستی حدته رسولی

خیر البيان دبا يز يدر و بنان اثر

دزدین گردیوال لیکنہ

روپیان پیر د خپل وخت یو داسی ستر
شخصیت تیر شوی دی چی د مبارزی اوچگیری
دآزاده ه گر دنورو دخربا او شر تکا انگازه
یی به خپل وخت کی دوهره خوره ومهی لاههده
انگازه زمویز داولس یه نورو غور خنگونو
کی هم سیری اووید لئی شسی . به دی هانچی
نور نهفستونه تری هم تو چیره خایه المیزمن
شوی دی .

روپیان پیر که له یوی خودادوخت دسترنی
امیراتوری یعنی د هفولی واکمنی د نادودوپر
شد ملاتنر لی وه ، نو له بله پلوه بی دادبی
هلو خلو یه جربان کنی پیشتو ادیاتوته هم
چیر کار و کبر . دخمه ادبی علی خلی که له
یوی خوا یخپله د روپیان به آثار و کی خلاصه
کیدای نس ، نو له بلی خوا ددی هلو خلو

یوه ستره برخه د روپسانی تېفت د پلوپانو
به آنار وکي دا خرگندنديزى .
خیر البيان د بایزید روپسان د آنار وله
جملى نه يو داسى مشپور ائر دى جى عنه
پكى به يولىدىش اوشرعى مسايلوغزيرد لى
دى اوددى به خنگى كى يى دخبلى تعمو فى
لارى بىه خرگندونه كېرى ده .
د خیر البيان ائر خو به خېل وخت کس
دومره مشپور وچى دهقه ستر مخالف (اخون-
درؤيىزه) يى يە مخالفت كى (معزز) ولىكه او

د چېره شخه به یعنی کوله چې د خیر البيان نسخه
له هنځه یوسسی . دی اثر یا وروسته د
محققیتو پامېلننه خانته راواړوله، په ډیرو
څایو نواو تحقیقی آناروکۍ پرمی، په خانګړۍ
ټوګه د خشخ یوهانو له خوا خبری وشوي
څولاصلی نسخه ، یعنی ورگه ود . په یاں
کښ د مولانا عبدالقدار په چېرو زیاتو هلوخلو
او ګړو د ډغه نسخه دالغان په یو لسوی

چې من حکمت ورگر و هفه می د ټیره پېشکنې
ورکړه عیان . به قرآن کې دی عیان نېو وېلني
دی علیه السلام ...

دروپسان ټپر د خیرالبيان نشر ټپر پېجلن
مصنوعي او مسجع دی هیچ ډول خود والی،
زړه راپسکون او پېکلا یه کې نه لیدله کېږي
یه پېښتو ادبیاتوکې خو مود خیرالبيان انس
مسجع فترلو مړنۍ نمونه وکړله او سره له مدی
چې دنه نشر پېجلن او مصنوعي دی خو یا

اود زیار و موضوعکانو د ټپری سخن لته
کېله د خوشحال انتقاد یه خای هم دي .
کومه یله خبره چې د خیرالبيان یه
هکله دیادونې وړده، هفه داده چې د خیر -
البيان مسجع او مفکر نثر ، نظم نه نېر دی
دی او ویل کېږي چې پېر روبسان غوښتل نثر
له نظم سره یو خای او نزدی کېږي . پوهانه
عبدالشکور رشاد د خیرالبيان به سریزه کې
یه همدی باب یوه اور د خیره نه کېږي چې د
هفه خیره نه تیجه کې داسی لیکن :

ددنې خیره او تقطیع خیه زه نتیجه اخلم
درخنې خیره او ناخنې دی خیرالبيان کې
چې خیرالبيان که ټول نظم نهوي نویوه برخه
یې هرو مر و نظم ده خو تنقیح له ضرورت اړی
اوداکار نوی نه دی یه نورو پېښتو هننو
کې هم شوی دی . به نورو ڈبو کې همداکار
شوی دی ملا خینه منظوم پېلنو یه هنونه لکه
درخت اسودیک او خینه نور ترهفه چې یوه
مشبور فرانسوی عالم نه ووتقیح کړی نثر
بلل کیدل

د بايز ید روبسان دنه مشبور اړی خیر -
البيان یه پېښتو ادبیاتوکې دارزبست وې مقام لړی او
دغه آثارو له کړی نتمهیل کېږي چې حتی
د ګوئوکه سهیرنه هم نېر دی . دغه مسجع او
نظم ډوله اتر له لټوی پلوه هم د دې
پاملونې وې دې پېر نوی ترکیبونه یه کې
راملس او خسے ټپر و داسی لقا توته
یکی خای ورکړي شوی دی چې اوس پېزې
کې نه کارول کېږي خو خیرالبيان هفه خوندي
کېږي دی

یادونه : هفه آثار چې یه دی لیکنې کې
تری ټهه اخیستل شوی ده :
۱- خیرالبيان د بايز ید انصاری د حافظه
محمد عبدالقدوس سریزه پېښور .
۲- خیرالبيان د بايز ید روبسان دیوهانه
عبدالشکور رشاد سریزه . کابل ۱۳۵۳ ش
کال چاپ .

۳- د خوشحال خنک کلیات لوړی توک
(مقدمه) . کابل . ۱۳۵۸ .

۴- د روبسانیاتو علی نېټست . اسلام نو
دمعهد زبانه - کابل .

۵- د پېښتو ادبیاتو تاریخ دویم تسوی
پوهانه عبدالحق حبیبی کابل

۶- د روبسان یاد د حبیب الله رفعی یه زیار
واهتمام د بايز ید روبسان د نړیوال سیمنار
مقالو مجموعه - کابل . ۱۳۵۵ ش کال .

دا خود خیرالبيان به عکله د اخون درویزه
نظر والبته هفه یه ټپر خایو نوکې یه
روبسان او د هفه یه خیرالبيان ټپر زیبات
انتقاد و نه کېږي دی او دومه بدینه ورته
وېلني دی چې کې یه هر خای کې یه د یادولو
خای لیدلی وی نو خوله یې پېری راخلاصه
کېږي ده او که پېرعر خای کې یې پېر دخه
لیکلو تکل کېږي دی نو فلم یې پېر داسی
جلولی دی چې پس سترګی یې یېنی کېږي دی

او خه چې یې خولی ته راغلې دی هفه یې په
فلم لیکلو دی خو کله چې یې بیاد خپل یوه
تالیف هود ونیوه نود روبسان له اغیزه نه بې
تاپیله پاتی نه شو او خپل مغزن یې داسی
ولیکه چې پس زیاتره یې تقليدی بنه لري .
د خیرالبيان یه ارزښت او داچن خپله
په اخون درویزه روبسان ددی اثر اغیزه
خوړه زیاته وه ، حبیب الله رفعی یه
روبسانی لیکنی کې لیکن :

.... ددی کتاب زیبات اهمیت یه دی کس
دی چې دا دېښتو لوړنې پېښیر ذوق کتابه
چې هونږ ته دارسیدلی او دېښی او ادب له

پلوه خورا ټپر ارزښت ټری دا اتریه مسجع
نتریکل شوی چې دانتر دغږی او سادري
له لاری پېښتونه هم راغلې او په پېښتو کې یې
لوړۍ موسس بايز ید روبسان او او په دی
دول نشر لیکل شوی لوړۍ کتاب همدا

خیرالبيان دی . ددی دول نثر اغیزه دومه
پانهوه چې حتی د روبسان نیانو مخالفینو هم
خان مجبور ګاډه چې یه دی چول نثر لیکنی
وکړی او مخصوصا د اخون درویزه مغزن د
خیرالبيان تر سماسم اغیز لاندی لیکل شوی
دی پېغله بايز ید ددغه سبک د خوبنو لو
سبب یو الہامی غربولی چې ورته وویل
شو :

او بايز یده ! وکېنه خیرالبيان، په هفنس
الغان چې یې لوسټ سوره الرحمن . . .

پېر روبسان یه خپل دغه اتر کن د یو ټر
دېښ او مذهبی مسايلو یه عکله غږی او
عهداړنګه یه دی کتاب کې هفه دخپلی تصوفی
طريقی پېړوونه خلکوونه روبسانه کوي هفه به
اثر کې دتصوف په دخواتو پېړو نو یې
مقامونو خبری کوي . شریعت، طریقت، حقیقت
معرفت، فرموده، وصلت، وحدت او سکونت.
خرنګه چې له دی اثر سره د روبسانی

کېل :

او کېنې د یه خپل ده :

دولتشاه سهروردی در تذکرة الشعرا خود
می کوید که شیخ عطار بسیاری از مشایخ
روزگارش را دیده و کتب بسیاری از اهل
طريقت را خوانده است.

عطار در عنوان جوانی در شعر های که
سروده است در بعض ازین اشعار فرید
را به عنوان تخلص شعری بنگار برده است.
این چه شوراست از تو در جان ای فرید
نعره زن از صد زبان هل من هزید
تذکره ها هرگز عطار را بگونه گون شکل
توصیف کرده اند که خالی از گزافه نیست
ولی هرگاه آن روایات را بیدیرم، هرگز
عطار یکی از شور انگیز ترین هرگز های
است که در ادبیات کهن ما تصویر شده
است.

دولتشاه می نویسد: عطار در زمان حمله
چنگیزیان بدست شکر مغول افتاده در قتل
عام شبدید شد. گویند مغولی می خواست
اورا بکشد - مغولی دیگر گفت این بیردا
مکش که به خوبیها او خزار درم بدھم.
مغول خواست اورا نکشد. گفت: مفروش که
بپر ازین خواهش خربید. شخص دیگر
گفت: این بیر را مکش که به خوبیها او
یک توپره کاه بدھم. گفت بفروش که بازین
نمی ازدم. آن کافیر برآشت و شیخ را شبدید
گرد.

تذکرة الاولیاء عطار در نوع خود ارزشمند
ترین کتاب تصوف است. تصوف در ادبیات
کلاسیک دری - با سنایی می آغازد با عطار
ادامه می یابد. به عقیده بعضی ها - تصوف
در خراسان قدیم ریشه های بسیار کهن
دارد. آنها معتقدند که تصوف با اسلام درین
سازیان راه نمی یابد - بلکه ما پیش از
اسلام نیز نمود های از - تصوف را داشته
ایم.

ریشه عای تصوف از تعلیمات و آموزش های
عائی اب میخورد و زمانیکه اسلام می آید
آن آموزش هارنگ و بوی اسلامی بخود
میگردد و در جامعه تصوف جلوه گر میشود.

بعض از محققین راغفیده برآنت که تصوف

حسین بن منصور حلاج به فرمان خلیفه

عباسی بداراویخته شد و عین القفات همدانی

شیرت یافته است.

و اما نامی ترین کتاب او که هاینکار راجع به

خراسان زمین از ریشه واژیخ و بنی باتعلیمات

آن سخنگانی داریم - تذکرة اولاًیا - است که مذهبی تفاوت دارد. آنها استدلال میکنند که

به جرم العاد و اسلام گریزی کشته است.

اویتیان از یهنا نام برد: تذکرة الاولیاء

از او غصب شده. بزرگان تصوف درین راه

چنان بی باکانه کام زده اند که حتی جان

مکتاب است. شیخ درابتدا شغل دارو فروشی

زندگی در سال ۶۲۷ بدروود حیات گفتہ است

واینکه بعضی تذکره ها عمر شیخ را ۱۱۴

عدل و ایثار فرا می خوانند. نا حیثیت و

مقام سلب شده اورا دویاره بودی برگرداند.

شیخ را آثار بسیار است. از آثار معروف

از یهنا که در گذریم آنچه مسلم است

از او غصب شده. بزرگان تصوف درین راه

بزدگان تصوف و یکی از یاشه گذاران این

منطق الطیر ساردار نامه - الیه نامه محبیت

نمایم - خسرو نامه - مظیر العجایب لسان.

خود را بر سر ایثار فربان کرده اند.

دولتشاه سمر قندی علت گرایش شیخ را

شده.

اینها نسبت داده شده که خالی از مبالغه

و زیست و خوانده نیایست آن اعمال و کردار

راکور کورانه قبول کند بلکه آنها را باید

و خود آنست که در اصطلاح تصوفی آنرا توحید

اشرا فی می نامند.

عطار در تذکرة اولاًیا حالات هفتاد و دو تن

این دو گونه دید درباره خدا سبب پیدا -

قدرت خود را لرزان می یافتند.

بی مورد نیست که بزرگان تصرف همواره

می نگری؟ مصلحت آنست که زود در گذری

در طول روز گار - هوردادیت و زمانی به

درویش گفت: ای شیخ - من سبکارم و بجز

کاهی به العاد همیش شده اند و زمانی به

رفس و بدعت - زمانی بدین شان خوانده

خرقه هیچ ندارم. اما خواجه بر خریطه

متصوفین بسیار وارد بوده باشد.

تذکرة الاولیاء عطار

(نمايشنامه دشوار اراده تصوف)

عطار روح بود و سنایی دو چشم او
ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

هفت شیر عشق را عطار گشت

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ایم

عطا روح بود و سنایی دو چشم او

ها هنوز اند رخم یک کوچه ا

- و گفت : مرد به سیرت مرد آید نه بصورت *

و گفت به حقیقت آزادی نرسی تازه عبودیت بر توهیج باقی مانده بود * - و گفت برایت حقوق نتوان رسید مگر بعراست قلوب *

- و گفت خدای تعالی هرگز صاحب همت را عقوبت نکند اگر چه مقصیت رود بروی * - و گفت هر کرامت است او بیناست و هر کرا ارادت است او نا بینا است *

- و گفت صوفی چون زمین پاشد که همه پلیدی در وی افتکنند و همه نیکو بی از وی بیرون آید *

- و گفت جوانمردی آنست که باز خود را خلق نمی و آنچه داری بدل کنی *

- گفتند هرید و هراد کیست * گفت هرید درسیاست بود از حق و هراد در رعایت حق بود * زیرا که هرید دونده بود و هرادرنه دونده در بیوندگی رسد *

هرید الدین عطار از همه بزرگان تصوف و مشایخ با کمال احترام و ندر دانی یادمی گند اما ارادت او به حسین منصور حلاج قابل تذکر است * شاید روی همین ملاحظه بوده است که مولانا جلال الدین محمد بلخی - عطار را باز تاب روح حلاج می داند *

در سخنان مولانا ی بلخ مذکور است : «نور منصور بعداز صد و پنجاه سال بروح شیخ فرید الدین عطار تعجب گردید و بی او شد ***

عطار نسبت به حسین منصور حلاج عقیدتی خاص دارد *

تذکرہ الاولیا اورا چنین توصیف می گند : «آن تیر پیشی تحقیق - آن شجاع صادر صدیق - آن غرفه دریای مواج - حسین منصور حلاج کار او کاری عجب بود و واقعات شرایب که خامن او را بودگه هم در غایت سوز و انتیاق بود و در شدت لبب و فراق بی قرار و شوریده روز گار بود و عائق صادق و باکیاز وجود وجہت وی عظیم داشت وریاضتی و گرامتی عجب و عالی همت و رفیع قدر بود او را تصانیف بسیار است با الفاظ مشکل سدر حقایق و اسرار و معانی محبت کامل و فضاحت و بلاغتی داشت که کس نداشت و دلت نظر و فراتی داشت که کس را نبود *

شیخ عطار در تشریح حالات روانی حلاج و مرائب عالی اودر تصوف چنان سحرانگیزی نویسید که خواننده نایاورانه بدان می نگرد * اینکان حلاج نسبت به خود ش باور بزرگ اونسبت به عقیدتی که دارد چنان خیال انگیز و رویایی توصیف گردیده است که آدمی را تا آنسوی دنیا شناخته شده ذهنش من کشانده اورا بر بال تفکرات مجرد می نشاند و باخود به آنسوی دنیا هامی برد * بقیه در صفحه ۵۸

یان را از لطف و زیبایی خاصی غنامی بخشند :

و گفت به صحوه شدم - عشق باریده بود و زمین تر شده چنانکه پای مرد به گلزار فرو شود - پایی هن به عشق فرو شده * تصوف عطار - تصوف زهد و ارزوانیست کوشی گیری از خلق و خزینه در ذیر العار در گفته های عطار بگونه ایثار و فداکاری تعجب نموده است * عرفان شیخ - بیش از اینکه بروان نکر باشد سرورون نکر است *

ولی این بدان معنی نیست که تصوف بکسره بروان گرایی را نفی می گند * هدف اساسی تصوف - تو سازی درون آدمی است تاوی را در تنقیم رابطه هایش با خوشنودی و دیگران گمک گند *

عرفان در چنان شرایط اجتماعی سر بلند گرد، که میتوان گفت عصر نایابری های اجتماعی و هنگامه اشتفتگی هاو نا بسامانی ها و خلاصه عصر زوال و انحطاط مقام مشائخ انسانیت بوده است *

بی اعتمادی و بی امنی انسان آن روزگارها می آزد، و بازار ریا و نیرنگ و سالوس گرم بود * هیچکس به گس دیگر اعتماد نداشت و هیچکس به راه و طریقی که بر گزیده بود، یقین نداشت *

از همین جاست وقتی چنید بقدادی دزدی را می بیند که بدار کشیده شده می گوید این نشانه مردی و اعتقاد است * شیخ عطار این صحت را از زبان چنید چنین تصویر می گند :

«نقل است که در بغداد عاصی را او بعثه بودند چنید برفت و بر پای او بوسه داد * از او سوال گردند گفت : عزار رحمت بروی باد کمدر کار خود مرد بوده است و چنان این کار را با یقین بکمال رسانیده است که سر در سر آن کار گرده است »

عطار باب چهل و سوم تذکرہ الاولیاخود را بشرح حال و گفتار شیخ چنید بقدادی اختصاص داده و در آن باب از حالات روحانی و کوکارو افعال خارق العاده این شیخ بلند آزموده است که داشتم «چون از خواب

های ازین صوفی بزرگتر که بازها به کفر وزندیق متیش کرده اند نقل می کنیم :

«نقل است که چنید با مریدی به بادیه فروشده گوشی چیز مریدباره بود * آفتاب بر گردن او می تافت تا بسوخت * بر زبان هرید برفت که امروز روزی گرم است شیخ به هیبت بروی تکریست و گفت برو که تو اهل این طریق نیستی »

جفت گردد و مرد از راه برد »

شیخ کار گردن را بعنزله عالی توین درک انسان از حیات می داند او خوردان از دسترنج دیگران را نایسنده می شمرد * عطار در باب یازدهم تذکرہ الاولیا - آنجا که از حالات و کرامات شیخ ابراهیم ادھم صحبت می گند - کارگردن و ایثار را چنین شاد باش می گوید :

«نقل است که جزاز هزد خود نخوردی هر روزی به هزدوری رفت و تا شب کار گردی و هر چه بسته ای در وجه یاران خرج گردی امانتا نهاد بکزاردی و چیزی بخریدی و بر یاران آمدی شب در شکسته بودی، یک شب

یاران گفتند او دیر می آید، بیایید تا همان بخوریم و بخسیم تا او بعدازین بگاه تر ایدو هارا در بند ندارد * چنان گردند چون ابراهیم پیاده ایشان را دید خفت - پنداشت که هیچ

نخوردی اند و گرسنه خفته اند در حال آتش در گیر آیند و پاره آرد آورده بود خمیر گرد

نایشان را چیزی سازد تا چون بیدار شوند بخورند تا روز روزه توانند داشت * یاران از خواب در آمدند او را دیدند محسن برخاک

نهاده و در آتش پفپ می گرد و آب از در گیر آیند و پاره آرد آورده بود خمیر گرد

جهت ماو می رفت و دود گرد بروگرد او گرفته گفتند چه می گنی؟ گفت شمارا خلته دیلم گفتم مگر چیزی نیافته اید و گرسنه بغلته

ایشان از جب شما چیزی می سازم تا چون بیدار شوید - تناول گند ایشان گفتند بگیرید که او باما در چه اندیشه است و هابا او درجه اند یشه بو دیم »

شیخ فرید الدین عطار قدر و مرتب مادر را از زبان شیخ گیرید - بایزید بسطامی چنین باز می گوید :

«یک شب والدها ز من آب خواست * بر قدم تا آب آورم در گوزه آب نبود و بر سبو رفتمن - نبود در جوی رفتم آب آوردم * چون باز امم در خواب شده بود * شبی سرد بود گوزه بر دست می داشتم «چون از خواب

درآمد آگاه شد * آب خورد و مرد دعا گرد که بگیرد گوزه بر دست من فرده بود گفت چرا ازدست نهادی گفت تر سیم که تو بیدار شوی و من حاضر نباشم »

چای دیگر از زبان همین شیخ در مسورد هنایل و مدارجی که یک صوفی بایست اینا طی گند می گوید :

«شیخ گفت دوازده سال آهنشر نفس خود بودم * در کوره ویاخت می تهادم و بیانش مجاهده می تافتم و بر سندان مدت می نیادم و پیتك ملامت برومی زدم تاز نفس خویش آئینه درست گردم *

زبانی که شیخ عطار در تذکرہ الاولیا بکار بلوشیم و از آن فوتی سازم - بفروختم و دو گرفته زبانی سخت شیرین و لطیف است * کلمات بدون تکلف ببلوی هم می شبنندو

باخودش - بسوی انسان پامی فرستد. حال آنکه تصوف که بنخست این خدا معتقد است که این انسان است که می تواند باطن گردن هواحل آموزش و ترقی که نفس به مقام اتصال با خداوند نایل آید - این بلند پروازی انسان را - متصوفین فنا فی الله می خوانند .

اینست هر مشخص تصوف باعلمیات مذهبی - تصوفی که بیشتر این مکتب انسان کرایی و انسان سالاری خواندیم ازین دست دست *

واما تصوف درطی قرون - ناگزیر بوده که رنگ اسلامی بخود بگیرد تایتوا ندبیات خویش ادامه بدهد - و رنگ سرنوشت درد -

ناکن میدا شت. همچنانی که بعضی از بزرگان این طریق وی بیان این مکتب سر خودرا درین راه برباد دادند و بعضی های دیگر شان داغ کفر والحاد را در پیشانی بذریگانند *

عریگاه ها شناخت درستی از تصوف نداشته باشیم - درک آموزش های عمیق تصوفی عریق ممکن نخواهد بود *

یکی از محققین معاصر می نویسد که تصادف نیست که متصوفین بر جسته سده عالم هجری همکنی پیشگان ویاضی دانان و عیات دانان است * آنها مردمان ساده و بی دانش نبوده اند ولی ناگزیر بوده اند تایرجم منطق اشراق را بدش کشند *

شیخ فرید الدین عطار یکی ازین دانشمندان روسن رای و در عین حال واقع بین بوده است او طبیب ها هر دار و سازی زیر دست و آگاه است * از آزارش بیدا است که دارای اطلاعات عمیق ریاضی و نجومی و طبیعتی و روان شناس است *

شیخ در تمام عمر خود نان ونج و زحمت خورد و هنر خویش را هرگز به صاحبان زرو زور تفوخته است زبان به ستایش هیچ امیر و وزیری نیالوده و جون گریه بی آزاری برس خوان اغنا نگنده است *

هن ذکس بردل گجا بندی نیم نام هرد و نی خدا و ندی نیم نه طعام هیچ ظالم خسروده ام نه کتابی دا تخلص گرده ام همت عالیم همد و حم بس است قوت جسم و قوت روح بس است

* * *

عطار در تذکرہ الاولیای خود بسا نکات آموزنده را از زبان بزرگان تصوف و مشایخ بازگویی کند. آنجا که از رایه عدویه سخن می گوید زرآندوزی را نکوهش می گند :

«رایه مکلت کلاله رسیمان دشته بودم زبانی که شیخ عطار در تذکرہ الاولیا بکار بلوشیم و از آن فوتی سازم - بفروختم و دو گرفته زبانی سخت شیرین و لطیف است * کلمات بدون تکلف ببلوی هم می شبنندو آن دست - که اگر هردو در یک دست گیرم

سپاهان و دست

تبلیغ و ترتیب از: عبدالکریم «پوپل»

در پایان مسابقات والیبال و بسکتبال:

تیم‌های دختران پوهنتون کابل عنوان قهرمانی را حائز گردیدند

در خلال مسابقات شطرنج چهره‌های موفق در خشیدند و به مدال‌های پیروزی دست یافتند.

مخصوصاً پیغله بدریه به کارهایش مقتول داشت. باز یکنان تیم پوهنتون درین میدان از خود مهارت و شطرارت زیاد نشان داده و توائیستند بازی را به نفع شان پایان دهند. و با این نتیجه گیری مسابقه شکل مساوی را بخود گرفت و هر دو تیم جمیت نتیجه گیری نهایی شان به میدان

سر انجام بازی پانزده مقابل نه وارد نمودند. آنها به یک دمی شاعد دیدارهای گرم دو تیم صدر به نفع تیم کابورا پایان یافت. حالت حمله را اختیار نمودند. نشین مسابقات والیبال دختران میدان دوم مسابقه بعد از چند دقیقه میانزیوم پوهنتون کابل در لحظه مشوره‌ها بین بازیکنان و سابقه دار و با تجربه با شوت‌های دور نهایی بودند. و سر انجام مریبون شان دوباره شکل گرفت دست چیز در خشش بیشتر

تیم والیبال دختران پوهنتون کابل و اینبار اعضاً تیم پوهنتون با داشت هم‌چنین شو تهایش امتیازاتی با مهارت و شطرارت خاصی شان استفاده از مشوره ارزنده مریبی و را در قبال خود می‌داشت درین بر تیم والیبال کابورا غالباً درک نقاط ضعف شان در میدان اول تیم پیغله بدریه و پیغله نجیب‌گردیده و کپ قهرمانی سلسله‌این مسابقات را از خود ساختند.

راپور تر ورزشی مجله گزارشی ازین مسابقات تهیه نموده که تقدیم شما خوانندگان نهایت ارجمند میگردد. مسابقات آزاد والیبال دختران کلبها و بعضی موسسات که به ابتکار آمریت ورزشی پوهنتون کابل به منظور رشد استعداد هاو به میان کشیدن چهره‌های برازنده این ورزش درین تیم‌های والیبال پوهنتون کابل، تعلیم و تربیه، مشعل، کابورا و جهش دایسر گردیده بود اخیراً پایان یافت و تیم پوهنتون کابل به حیث تیم قهرمان تبارز نمود.

مسابقات طبق مقررات طرح شده پروگرام مرتبه تحت نظر اعضای مسلکی آمریت ورزشی پوهنتون کابل پیش برده شد که در دور نهایی این مسابقات تیم‌های والیبال دختران پوهنتون کابل و کلپ کابورا آخرین مسابقه را جمیت ثبتیت تیم قهرمانی از سر گرفتند.



تیم‌های والیبال دختران پوهنتون کابل و کلپ کابورا قبل از آغاز مسابقه نهایی سلسله مسابقات والیبال دیده می‌شوند.

امتیاز بر تیم تعلیم و تربیه که در مسابقه دیگر روز ۶ جدی آئیم قهرمانی مسابقه نهایی را از سر های ب پوھنخون و تعلیم و تربیه گرفتند که در نتیجه نهایی تیم ۱۴ امتیاز داشت غالب شد در مسابقه بالای مقام سومی مسابقه نمودند که الف ب پوھنخون با کسب ۲۶ امتیاز دیگری آنروز تیم های الف و ب بازی ۲۲ مقابل ۱۴ به نفع تیم ب بر تیم الف چهش که ۲۲ امتیاز پوھنخون در برابر هم دیده شدند که داشت برنه گردیده و به مقام بازی ۴۷ مقابل ۴۰ به نفع تیم پوھنخون خاتمه یافت و تیم ب قهرمانی این مسابقات رسید و تیم الف ب پوھنخون به مکان سوم قرار گرفت. قهرمانی این مسابقات رسید و تیم الف کل چهش دوم شد. راه یافت.

به روزهای اخیر ماه دسمبر ۱۹۸۰ مسابقات قهرمانی هاکی روی یخ به اشتراک تیم های جوانان کشور های اتحاد شوروی، سویدن، انگلستان ایتالیا دریکی از جمنا زیوم های سر پوشیده آلمان فدرال دا یس گردید که این مسابقات برای چند روز ادامه یافت و در پایان مرحله نخست آن، تیم های اتحاد شوروی و سویدن صدرنشین جلو ل گردیدند و در دور نهایی مسابقات مانند که آنها مسابقه نهایی را غرض بدست آوردن لقب قهرمان این ورزش روز دوم جنوری ۱۹۸۱ آغاز نمودند که در نتیجه بازی سه مقابل دو به نفع تیم سویدن خاتمه یافت و عنوان قهرمانی این رویداد ورزش زمستانی جهان را نصیب گردید.

در مسابقات هاکی روی یخ تیم سویدن به مقام قهرمانی جهانی

رسید

دوستان بسیار عزیز مادر شماره بود برایتان گزارش دادیم. درین گذشته خویش مطلبی را پیرامون شماره با ارتباط آن مسابقات مطلبی دیگری را درمورد مسابقات هاکی میسران که چندی پیش در اتحاد ورزشی این روزی یخ داریم که برای شما خوانندگان با ذوق تهیه دیدیم و عده از کشورهای جهان دایر گردیده تقدیم میداریم.



در پادان مسابقات والیبال و داسکتبال دختران، تیم های مشتعل و جهش قهرمان شدند

پوھنخون کابل رقابت های تیم های شرکت کننده شکل گرفت. پیش از آنکه این مسابقات به غرض تبارز استعدادها دایر شود، آمریت

روزهای هشت و سیزده جدی آغاز مسابقات باسکتبال و والیبال ورزشی همین سه ماه امسال چنین فصل همین سه ماه تازه بی بخشیدند. یکبار دیگر چهره های پر کار این این مسابقات حسب پلان ریاست ورزشکار هارادر میان دختران با استعداد عالی ورزش و کمیته ملی المپیک یکی زیوم پوھنخون کابل دایر نمود که از نمایان ساخت و آنها باموجودیت بعد دیگر در جمنازیوم پولیتکنیک

سوم بازی قدم گذاشتند. میدان سوم که در عین زمان تعین کننده تیم قهرمان این مسابقات تیز بود برای بازیکنان و تماشاگران خالی از دلچسپی و کیفیت نبود. روی این انگیزه میدان سوم همزمان باشور و احساسات گرم تماشاچیان آغاز گردید. درین میدان اعضا و تیم پوھنخون با آمادگی بیشتر و دقیق تریه تمامتر بازی را دنبال می نمودند. دیدار این میدان چنان جالب و دیدنی بود که کمتر امتیاز زات در بین آنها رد و بدل نمیشد. باز یکسان تیم پوھنخون امتیازات بیشتری را نصیب بودند. اعضا تیم کابورا، با تلاشیایی پیگیرشان امتیازات شانرا برابر به تیم پوھنخون ساختند و بازی خیلی هیجانی شده بود. هردو تیم باداشتن چهارده - چهارده امتیاز سخت می کو شیدند تا بازی را به نفع شان پایان دهند.

در نتیجه عمومی تیم والیبال دختران پوھنخون به مقام قهرمانی رسیدند و تیم های مشتعل و کابورا به ترتیب دوم و سوم پوھنخون شانرا از نزد رئیس پوھنخون دریافت کردند.

آمریت ورزشی پوھنخون کابل روز ۲۳ قوس مسابقات آزاد با سکتبال را در بین تیم های کلیه دختران و موسسات ورزشی در جمنازیوم پوھنخون کابل بر گزار نمودند که با دایر شدن این مسابقات، ورزش بار دیگر درین خواهران ورزشکار ما جان گرفت. درین مسابقات تیم های بسکتبال الف و ب پوھنخون کابل، الف و ب کلب چهش، تعلیم و تربیه و پولیتکنیک اشتراک نموده بودند که آنها در دو گروه الف و ب مسابقات را طبق بروگرام هرتبه و مقر رات جداگانه آغاز نمودند که در پایان دور اول این مسابقات از گروه اول تیم الف پوھنخون کابل بادوبرد صدرنشین جدول گردید و تیم تعلیم و تربیه با یکدیگر برد و یک باخت دوم شد. در گروه دوم تیم الف کلب چهش با پیروزی شان در دو دیدار اول گردید و تیم ب پوھنخون دوم شد.

که روز شنبه جدی دور دوم این مسابقات دو باره آغاز شد که در دیدار اول تیم الف چهش مقابل تیم تعلیم و تربیه قرار گرفت که تیم الف چهش با بدست آوردن ۲۷

رویای مادرم!

یک داستان گوتاه از «جیم بیشوب»

ترجمه از: «حجار»

بی نظری ساخت . اگرچه ما آنقدر غذا که برای زندگی کافی است تا به داشتیم ، اما به نسبت خرا بسی اوضاع اقتصادی مملکت معاشر پذیرم به صورت سند های قرآن داده می شد و ما به سختی می توانستیم مایحتاج دیگر زندگی را تهیه کنیم و حقیقتا وضع ما خیلی بحرانی و خراب بود .

برای مدتی من هر گز مختلف آن نشدم که مادرم دیگر گوشواره ها را در گوش خود نمی کند ، اما روزی فرمیدم که آنها دیگر در منزل ها نیستند .

هنگامیکه بزر گتر شدم یست روز مادرم یک سند گروی را بمن نشان داده گفت :

« خیلی وقت است که گوشواره هارا گرو گذاشته ام ، زیرا برای تدارک بعضی مواد ضروریه حیا تی به بول احتیاج داشتم . ولی روزی موافق خواهم شد که پس از کافی در اختیار داشته ، سند گروی را منحل نمایم و گوشواره ها را رادو بازه بدست بیاورم .»

اما همیشه می ترسید مبادا روزی موعد پرداخت ربع سند گرو را فرا موش کند ، ولی یکروز حقیقتا فرا موش کرد که ربع را بپردازد و باین صورت گوشواره هارا برای همیشه ازدست داد . مادرم از این ضایعه هر گز شکایت نکرد ، در حالیکه من می دانستم این مساله برایش چقدر گران تمام شده است و از اینکه دیگر مالک آن نیست چقدر رنج می برد . راستی چقدر بجا است که زن ها را به فر شته تشبیه کرده اند ، آنها هر قدر رنج هم ببرند و آرزو های شان برباد بروند باز هم تبسیم نموده و با تحمل و حوصله فر شته آسا یی نمیگذارند که عزیزان شان از درد درون ایشان آگاه گردند . آنا نیکه زن های حقیقی هستند این صفت را دارند و مادرم باتمام معنی یک زن مطلق بود . او گوشواره های خیلی ارزان و تقلیلی را در گوش می کرد و ما دیگر فرا موش گردیم که آرزوی بزرگ او چه بود و چه روایی داشت .

مادرم بعضی وقت برایم قصه می کرد که مادرش ، یعنی مادر بزرگ من ، هنگامیکه او دخترک کوچکی بود دلک های گوش او را سو راخ کرده بود تا اگر و قستی دارای گوشواره های می شود ، آنها را بزودی مفقود نکند . باین صورت او نیز از ایا می که هنوز سنه هایند سن من بود ، برای مالک شدن یک جفت گوشواره خواب های شیرینی می دید .

آرزوی مادرم قبل از من صورت حقیقت به خود گرفت . پذیرم در روز تو لدهش یک جفت گوشواره قشنگ الماس به او هدیه کرد . البته لازم نیست توضیح بد هم که مادر عزیزم از تصاحب همچو هدیه ای چقدر خوشبخت و شاد مان گردید . پدرم افسر بو لیس و مرد بزرگ و خیلی متین و خوش قلب بود . اما من خوب به خاطر دارم که او خوش نداشت مسردان دیگری به زیبایی مادرم خیره شوند .

مادرم گوشواره ها را صرف هنگام بیرون رفتن از منزل و در دعوت ها در گوش خود می کرد . وقتیکه در فا میل ما وضعیت مالی چندان خوب نمی بود همیشه به پدرم می گفت :

— «عزیزم ! تا وقتیکه من این گوشواره ها را دارم ، لازم نیست برای من لباس جدیدی بخری !

در آنوقت بود که بحرا ن

اقتصادی در سراسر جهان رخ داد و مارا نیز دچار مشکلات اقتصادی شدیم ، عروسی کردیم و دارای اطفال شدیم و اوراق تقویم سال ها

بود . من چشمانت را بسته و خود را در برنده این عمارت قشنگ میدیدم که در روی آرام چو کی نشسته و کشتنی های بزرگی از قبیل (لیو تان) ، (بر نیکار یا) و (المبیک) را میدیدم که در روی آب های بحر می لغزند تا مسا فریسن آرتومند خود را به نقاط دور دست و زیبای این دنیای بزرگ ببرند .

در خانه رویایی خود حتی خدمتگاران را میدیدم که با لباس های سفید در حالیکه ظروف نفره نین مملو با انواع خوراک هاو میوه های لذیذ را در دست داشتند این طرف و آنطرف می رفتدند .

در این صورت البته رویایی مادرم

خیلی کوچکتر بود . زیرا او تنها

برای یک جفت گوشواره بر لیان

نیم قیراط خواب میدید .

مادرم بعضی وقت برایم قصه می کرد که مادرش ، یعنی مادر بزرگ من ، هنگامیکه او دخترک کوچکی بود دلک های گوش او را سو راخ کرده بود تا اگر و قستی دارای گوشواره های می شود ، آنها را بزودی مفقود نکند . باین صورت او نیز از ایا می که هنوز سنه هایند سن من بود ، برای مالک شدن یک جفت گوشواره خواب های شیرینی می دید .

همیشه در رویای خود خانه بزرگ و قشنگی را می دیدم که در کنار ساحل عقب صخره های عظیم و نصواری رنگ بنا یافته است و متعلق بمن می باشد اما مادرم همیشه در رویا های خود آرزوی داشتند یک جفت گوشواره های الماس بر لیان را می پرورانید .

مادرم زنی بود که جگاندام با قیافه طریف چهره شاد مان وزیبا ، بینی باریک و مو های خوش نگ طلایی هن ممتاز خیلی کوچک بودم چشمان کود کانه های سیاه دراز داشتم .

من و مادرم از نظر احساسات خیلی به هم شبیه بودیم . همواره هنگامیکه کار بهتری نداشتیم غرق افکار خود گردیده و رویا های شیرینی را تعقیب می کردیم . اکثرا وقتیکه مادرم با من و خواهر و برادر کوچکترم هوا خواهد جولان افکار ما همین سا حل می فت در ساحل زیبایی که در نزدیکی منزل مابود بچه ها خود بود و خواهر و برادر کوچک را می گذشتیم تابا ریگ های « آریل » و « جان » نیز بی خبر از زیبایی های دنیا با بازی کودکانه مرطوب بازی کنند و خود مانزدیک خود در روی ریگ ها مشغول همیگر روی تخته سنگ ها قرار می بودند . بعضی وقت رشته افکار ما بریده می شد تا « جان » و « آریل » که در آسمان ساحل در اثر ورزش را از پیش رفتن در سا حل نزدیک امواج کف آلود بحر مانع گرفتیم و به ابر های سفید رنگی که در حرکت بودند باد های بحری در حرکت داشتند چشم می دوختیم و با حرکت ابر ها مانیز در رویای شیرینی کنیم .

خانه رویایی و قشنگی را که من در خلال افکار خود میدیدم در عقب ریگزارها و صخره ها سر برافراشته

غوطه می خوردیم . در خلال افکار خود میدیدم در عقب ریگزارها و صخره ها سر برافراشته دزاین هنگام من ده سال و مادرم سی و چهار سال داشتیم ، من

ما سه خواهرها و برادر بزرگ و مارا نیز دچار مشکلات اقتصادی شدیم ، عروسی کردیم و دارای اطفال شدیم و اوراق تقویم سال ها

مادرم در حالیکه اشک شادی از
گوشه های چشمانش می لغزیدم را
نداشتیم اما بازنده کی را ضی بوده و
نوازش داده در هم و بر هم
نموده ، آنوقت گو شواره های
الماس را در گوش خود نموده
گفت :

- خوب ، بگوئید به بینم ، آ یا
به من می زینند ؟

ما گفتیم :

- آری خیلی به تو می زینند و
بسیار زیبا هستند !

او خودش نمیتوانست خود را در
آئینه به بیند ، زیرا از چند یعنی
سال به این طرف نور چشمان خود را
ازدست داده بود و کور شده بود.

شده است که نمیتواند اسم های « راستی خانه خیلی زیبا است ! »
نواسه ها و نبیره های خود را از هم
تفریق کند و نام های شان را در هم
آکنون درست چهل و دو سال و بر هم می کند .

از آن روزها می گذرد که ما هر دو
گذشتاندیم . در شام روز ورودمادم
در حالیکه همه جمع بودیم جعبه
رنگ ساحل می نشستیم و در رویا
های شیرین خود غوطه ور می
گردیدیم .

مادرم آکنون شخصت و هفت سال خانه آن عمارت قشنگ رو یا یسی
دارد . موهاش سبید و اندامش من نیست . اما خانه کو چک
کو چکتر و باریک شده است . وظریفی است که در همان
عصایش تنها بهترین دوست او

را باز کنم ، زیرا می ترسم خودم
است . زیرا بدون کمک این عصا
می کشاند بنا یافته است و متعلق
نمیتواند از جایش حر کت کند . به خودم می باشد . مادرم که آرزو
حافظه اش هم به قدری ضعیف های همیشگی مرا حس می کرد گفت :

- آه چقدر زیبا هستند !



گرفته است توسط علمای معا لک
دیگر بوده ، حال که افغانستان
عزیز بطری شکو فا نی همه جانبه
در همه ساحت منجمله فر هنگ
وهنر پیش می رود امید است توسط
تحقیق بیشتر و زرف تر جهات
مختلف تاریخ کشور ما از باستان
تا حال روشن و روشن تر
گردد ، زیرا ماتاریخ باستان نی
خیلی غنی و در عین حال خیلی
آموز نده داریم . در شما ره آینده
بررسی خویش را پیرامون نبرد
های رها نی بخش و آزادی بخش
خلق افغانستان بمقابل سیطره
طاوع نی استعما ر انگریز دنیا ل
خواهیم کرد . به امید پیروزی های
هر چه بیشتر شما در کار و پیکار .
قطعه ۸ یک سرود دیگر)
(خشم با ید باز داشته شود ،
در مقابله ستم از خود مدافعه
کنید ، ای کسایی که پا داش با ک
نشان را بتوسط راستی خواهید
ستارید ، از همان راستی
که مرد مقدس از دوستان اوست ،
آرامگاه او در سرای تو خواهد
بود ، ای آهو را ...) .
جوان دلیر و طن ! شرح
مختصر از کتاب تاریخی و با
ستانی اویستا و چگونگی دین
زرن شستی نکات زیادی براي
آموزش دارد . چون در پیرامون
تاریخ بسیار بسیار قدیم کشور
برد خیز و باستانی ما کاوشن
های جدی صورت نگرفته و اگر

ادامه دارد

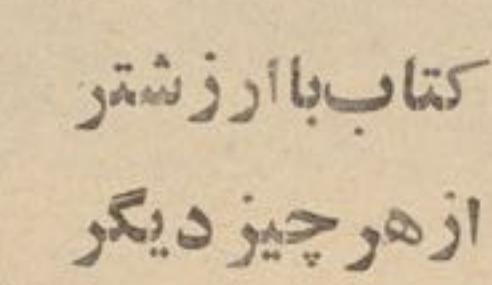


پیوسته پنجم

از تاریخ با یاد آموخت

اویستا گذشته های خیلی جامعه بسیط زرا عتی بود، چون قدیم را تر سیم می کند که در آن در اویستا از فلز نام برده شده وقت ها هنوز مردم افغانستان در حالیکه آن وقت مردم هنوز بول و سکه نداشتند و تبادله و معامله با آهن آشنا نشد و بودند پس می ملات داد و گرفت یشکل جنس به جنبش انجام می یافت یعنی توسط گاو، اشتر، اسب، گو سفت وغیره. او یستا شرح می دهد که کشور ما با وجود آن هم دارای اولی فلزات قرار داشت و این خود همان عهد بروان است. در هر حال این تمدن بسیط یک تمدن مستقل است که از اجتماع آنروز افغانستان نشأت گردید و از هیچ تمدن دیگر هنوز رنگ نگرفت. اهل پیشه بود، هم چنان از استعمال آلات فلزی فته بود، با نیم از نظر ترویج زراعت، تشکیل موسمی سیاسی متد کر می شود و با فند کی و اسلحه سازی را نیز تد کر می دهد. او یستا می نویسد که در افغانستان آنزمان مو سیقی و رقص ورزش نیز معمول بسود و اطباء معا لج هم و جود داشتند اویستا راجع به ترکیب اجتماعی از سرود های زر تشتی را نقل آن زمان از سه طبقه نام می برد می کنیم:

((از تو می بیر سم ای آهو را ،
چه چیز است سزای آن کسیکه
.... جز از آزار کرد ن بهستوران
و کارگران دعماًن کار د یگر ای از
او ساخته نمی شود، هر چند که
از دهقاًن آزاری به او نمی رسید
هیچیک از شما نباشد که به سخنان
و حکم دروغ پرست گوش دهید،
زیرا که او خان و مان و شهر وده
راد چار احتیاج و فسا دسازد
یس با سلاح او را از خود تا ن
برآ نمید) (سرود فوق از بخش
آهنو گات - یستای ۳۱ و قطعاً
۱۶ نقل شده است) ، ۱ ینلا
از بخش سپتمبر گات - بستای
جامعه آن وقت افغانستان یک



راستی اگر از شما سوال شود که چه جیز
در شرایط زندگی امروزی بالارزشتر عزیز
ویگر است شما چه جواب میدهید ، حتماً
خواهید گفت «کتاب» . بلی واقعاً همینطور
است . کتاب نه تنها امروز دارای اهمیت و
ویژگی خاص است ، بلکه از گذشته
های دور ، از روزیکه بشر نو شن و
خواندن را فرا گرفت ارزش و اهمیت کتاب
 واضح شد ، و امروز که دنیا ساینس



تکنالوژی است بیشتر به ارزش و اهمیت را نمی داشته باشد .
تاب افزوده است . و تا جهان است باز هم بهر حال ، در طول تاریخ مطالعه کتاب
رسانیه مورد دلچسپی جوانان بوده و باز هم
رسانی آن جاویدان خواهد بود .
خو شیخنانه امروز جوانان به اهمیت و
به این حقیقت بی برده اند که با مطالعه
و تحقیق است که میتوان به ارزش های زندگی
به خواستهای پسر ، و بالاخره به مفهوم
واقعی کلمه به واقعیت زندگی بی برد . لازم
بتدوکنیست که بگوییم در انتخاب کتاب دقت
به دست می آورند و از لا بلای صفحات آن

کردن و استفاده مالی کدام هدفی در میان نبوده پس جوانان ما بخطاب اینکه از یکنفر ف کنیم که واقعاً به مطالعه نیاز داریم. از غایع وقت جلو گیری کرده باشند از خوشبختانه امروز در اکثر از کتاب خانه مطالعه این نوع کتب جدا خودداری ورزند عای ما چنین کتاب ها به تعداد زیاد و آن هم اگر تصادفاً به چنین کتاب های برخوردن و مجبور شدن که مطالعه نهایت باید عقل و ایمان خود را بکار اندازند و بیشتر که نویسنده جرا این کتاب را نوشته است و موسمه ایکه آن را به نشر رسانده است جرا این کار پول دردادن چیزی دیگری نیست روی نه را کرده؟ حتی در می باید که جز پول پیدا پولیست و امثال آن علاوه داشتیم امروز آن خواهیم آورد.

نشر می رسد جز اینکه جوانان را بـ اعتراف بگشانند، کدام فایده دیگری ندارد ولی جوان معمول اولاً از مطالعه این نوع کتاب ها جدا خود داری می نهایند و احیاناً اگر تصادفاً به چنین کتاب های برخوردن و مجبور شدن که مطالعه نهایت باید عقل خود را بکار اندازند و بیشتر که نویسنده جرا این کتاب را نوشته است و موسمه ایکه آن را به نشر رسانده است جرا این کار پول دردادن چیزی دیگری نیست روی نه ایکه آن را به نظر نهاده ایں راه به مصروف انسانند. اگر خود را به این نوع کتاب ها آموخت جوانان غریب؛ باید که امروز از کتاب ساختیم شاید دیگر هر گز به کتاب های های استفاده کنیم که واقعاً به درداجتماع ما پولیست و امثال آن که جز وقت تلف کردن من خورد. اگر در گذشته به کتاب های و پول دردادن چیزی دیگری نیست روی نه برازش حیاتی. به عقیده من بپرین کتاب آن کتابی است که از آن بتوان بر داشت علمی، و حیاتی نیز باشد. خوشبختانه امروز جوانان می ملتفت این حقیقت روش گشته اند که باید وقت مرانیها شانرا به مدت از دست بدشند، در حالیکه وقت و زمان در سر بر زندگی ها چقدر با اهمیت است. اگر در گذشته ها به ارزش وقت و زمان بپریدم، واز همین رو کشور ما از کاروان تمدن عقب ماند، امروز لازم است که از هر لحظه زندگی مان استفاده معمول نهاییم. او قات فراموش و بیکاری را به مطالعه باید گذشتند و در مسائل زندگی عمیقاً باید توجه نمود. دریافت این حقایق چطور بدمست می آید؟ این سوال را شاید هر جوان تحصیل کرده از خود بنهاید، و به جواب باید گفت که این حقایق رامیتوان از لابلای اوراق کتاب به دست آورد. پس از این چاست که حیات و زندگی انسان به کتاب از تباطع دارد. برازی اینکه این زندگی و حیات معلوم و سرشار

یکی از لحظات شیرین زندگی دو جوان همان روز های اول زندگی مشترک خانوادگی است. در همین اوان است که هر چیز بنظر زن و شوهر زیبا می نماید و زندگی را از دیدگاه خاص مینگرن. مهریان بردبار، صبور، با حوصله و... ولی بعد از چندی آرام، آرام این محبت ها و صمیمیت ها فروکشی می نماید و جای آن را بی اعتمادی، حسادت، بی حوصله کی و خشونت میگیرد. در شروع که زندگی باید بوسه عاشقانه آغاز می یابد بالاخره باختتم و غصب، و عصیانیت می انجامد. چرا اینطور است و علت آن چیست و چرا در طول حیات مشترک خانوادگی این نوع تضاد به وجود می آید.

بد نیست این علل را از دیدگاه های مختلف ارزیابی و مطالعه کنیم.

قرار تجربه بدمست آمده ازدواج های عاجل و آنی اکثرا کم دوام بوده و وزود از هم می باشد. علت این هم پاشیدگی را متخصصین امور در این میدانند که زن و شوهر به اندازه کافی چون به عادات و خاصیت همدیگر آشنایی ندارند و همچنان شناختی که باشد زن و شوهر از همدیگر داشته باشند ندارند از این رو این عدم شناخت باعث میشود که پس از چندی باب گفتگو و جار و جنجال های خانوادگی از سعادت و خوشبختی باشد باید به مطالعه روی آورد و کتاب خواند، کتاب بیکه از آن بتوان استفاده معمول نمود. جرا میگویم استفاده معمول؟ آیا میشود از کتاب استفاده نا معمول کرد؟

باید گفت که بلى، متناسبانه در جهان بنا نظریکه قبل از مکتبیم بعضی کتاب های به شدن زن و شوهر را از همدیگر



مدخلات بی جا و بی مورد دیگران بازهم نباید در این مورد تصمیم در امور خانوادگی گرفت، زیرا ممکن است که مخصوصاً بعضی این مدخلات از اشتباہی در کار باشد و بدران و طرف پدر و مادر زن و شوهر آغاز مادران نا دانسته و ناخواسته می یابد و دیگر اعضای خانواده از بدون اینکه از عاقبت کار شان قبیل برادر، زن برادر خواهر و با خبر باشند مداخله نموده غیره دامن زده میشود و این بدترین اند.

شکل زندگی خانوادگی است. زن علت دیگر یکه بعضی از ازدواج هوشیار و فرمیده و مرد دانسته و ها نا پایدار میباشد در این است که نه زن و نه مرد هیچیک متوجه دور اندیش اگر سعادت و خوشبختی خود و خانواده خود را می خواهد نباید به حرف های دیگران که یکدیگر شان نیستند. گاهی دیده باشید که مردی نا خود آگاه و بدون اکثرا از روی غرض میباشد توجه کنند. اگر یکی از طرفین (زن و اینکه مقصد و منظوری داشته باشد زن) را نزد دیگران تحقیر و مرد) کمی از خود گذشت نشان بد هند و زیاد مو ضوعات کوچک و عادی مسخره می نماید، این وضع باعث را جدی نگیرند بدون شک زندگی میشود که زن عقد نسبت به این بالاخره همین بگو مگو ها سبب خوب و ایده آلی خواهند داشت. حرکت شوهر بکرید و برای تلا في چه مدخلات دیگران هما نظریکه منتظر فرصت و موقعیت میگردد تا قبل اگر هم واقعاً بی غرض نیست و اینکه روزی این فرصت برایش بقیمه در صفحه ۵۳

بر گزیده‌هایی از هیان فرستاده‌های شما

بر انتخاب راحله آبی

دیوانه

ماست، پنسانیون فقر ا

با ماست به جنگ میکرو بها بر وید

یکی از بهترین ، نیرو مند ترین کشور بعقدر زیاد مصرف می شود زیرا درین غذای بهشتی ، ترکیباتی بکار رفته که جملکی آن باعث افزایش ارز شمند ترین غذا ها ماست است شاید شما در نظر اول تدانید که عمر سلول های بدن شده و مکروب همین ماست از چه موادی بوجود آمد و چطور این مواد شب و روز وجود دارد که عالم مذکور آنرا میکروب طول عمر نمایند) . میکروب طول عمر نمایند ، اگر ماست چند ساعت بماند ، لکتوز آن به اسید لاکتیک مبدل می شود و اگر ماست تازه ، نیز خورده عمر می کند آنستکه ، ماست درین شود در روده ها لکتوز آن به اسید

ای یار من دلدار من از عشق تو دیوانه ام
بر گرد شمع عارضت سوداگر ویرانه ام
پیوسته سوزد عشق تو جان و تن افسرده ام
با این همه آزار تو چون عاشق فرزانه ام
بودی امید قد من در شام تازه نمیگشی
از شهد مینای لبت یارکن دمی بیمانه ام
امشب درون خانه ام گر یان زهران تو ام
کس را ندارم درجهان گویم بدوسانه ام

• • • • •

از ابر سیه لعل و گهر می ریزد
وزدیده من خون جگر می ریزد
بن روی تو از هر مرد ام در گلشن
دامن دامن لاله تو می ریزد

عبداللطیف پدرام

چند سخن در باره مجرم

شاعر در واژی

استاد سخن حضرت عبدالقداد بدل بر با
می گردید و روزگار بدی که « مجرم » تأثیرات
آنرا احساس میکرد ، عمه و همه ازمایلی
همستند ، که اشعار « مجرم » را بایست بی‌مثاله
در زبانه « مجرم » کم کم داشت فلمروخود رادر
سر زمین شعروبد محدود می کرد ، باز هم به
دنیال ترکیب های مغلق و بعرهای طویل به گونه
بدل رفته و که گاه اشعاری به آن سبک نیز

• • •

« مجرم » تحصیل رسمی نداشته است از این رو
سریده است . که اکثر به صورت مخصوص های
برگز لیات بدل میباشد . و همچنان اشعار
مستقلی رانیز به همین سبک در دیوان او میتوان
دھه های ۲۰-۳۰-۴۰ قرن ۱۴ چهارده کوه و (حوض و دین) به صورت هایی افتد
تعلیم و تربیت مسائل شرعی ساسلامی درواز
آنها بررسی نمود .

و نو جوانی « مجرم » در درواز گذشته و بعد از خانه اش می گذشت ، آشنازی و گشت و گذار
در همانجای زندگی را بدو و دستگاهی است .
با شعرای هوطنش مانند « فطرت » عبدالله یک
زیبایی خداداد دهستان کوچک « اوین » (مظلوم) و دیگران ، معافی و شب نشینی

مشخص و غیر رسمی به سیاق مولوی و سعدی
جنگل ها و دشتی های قشتگی که از مسقط الرأس خایی که گاه ویگاه به مناسبت بررسی و نقده
در روز گلار گذشت ، باعث آن شده که « مجرم »
راه غزل را در پیش بگیرد ، واقرینش های
ساغر آن خود را درین بخش از شیر شعر
قصیده ، ترجیع بنو قطعات میباشد . درین
(۱) دهستان گوچکی است ، در بیست یا چهل کیلومتری آ مرکز درواز .
(۲) « حوض و دین » یا به اصطلاح مردم درواز ، قول و دین » حوض طبیعی است در درواز ، که
忿اری و قریحه شعری خود را بیشتر در غزل که عمگ رقص کنان سیه و ماله شد .

مد هوش

خوکان زده هشق بسلا را نشنا سد
هد هو ش تو جانداد چرا را نشنا سد
خو باز راه بجز عنجهو فاز نیستد گر کار
ای وای بران کس که شما را نشنا سد
انسان نبود هیچ چه انکس که در آینده هر
نیک تکند قدر و للا را نشنا سد
قریبان جفا های تو پسیار جفا کن
برورده غم خار جفا را نشنا سد
ما هیچ نداریم غم از شهرت (کعنام)
کس نیست درین سیر که همارا نشنا سد

کعنام



میکروب های ماست همه حیات ویتامین (د) استخوان ها را مهکم می کنند شاید سوالی نزد شما پیدا بخشن و مفید اند . شود که آیا ماست شیرین و فیسید در ماست میکروبی بنام «باسیلوس لاکتس» وجود دارد و باعث ایجاد است اولاً اغلب میکرو بها در مقابل آن از بین می روند ، بطوریکه هیچ میکروبی به جز میکروب سل و سیاه زخم در مقابل آن نمی توانند مقاومت کنند .

برای آنکه به خواص اسید لاکتیک هاست خوبتر بی بیرید فکر کنید که چرا هیچ چیز در بین سرکه نمی گند و اکثر میوه ها و سبز یخات را می توان صحیح و سالم در آن نگاه داشت ؟

علتش اینستکه ، تمام میکروب های که ممکن باعث گندیدن میوه شوند در سرکه از بین می روند . حتی وقتی که اندکی سرکه باشد می خوریم در معده نیز قسمتی از میکروب ها کشته می شوند ، ولی سرکه بلا فاصله خنثی می شود و به روده ها نمی رسید حال آنکه اسید لاکتیک هاست ، به خصوص در روده ایجاد می شود و میکروب های مضر روده را از بین می برد .

بنابرین ماست پنی سیلین ابدی روی فکرا سست و با آن می توان اغلب بیماریها را علاج کرد در ماست علاوه بر ترکیبات گونا گون حیات بخش ، میکروب های گونا گونی نیز زندگی می کند و شادی و نشاط می بخشد . ماستی که می خورید مملو از میکروب است ، وحشت نکنید

ماست مفید است یا شیر ؟ نظر به گفتار فوق ، واضح است که ماست . زیرا ماست بمراتب از شیر کرده سهل الهضم تر است بسیاری از معده های که شیر را هضم کرده نمی توانند ماست را بخوبی هضم می نمایند .

بعلاوه یک گیلاس ماست اگرچه ارزی اش از یک گیلاس شیر بیشتر نیست ولی گرستکی را بپردازی محسوب می گردد همچنان ماست بعلت داشتن (کلسیم) زیاد باعث خسته می کند .

همچنان اشخاصی که می خواهند لاغر شوند می توانند با خوردن دندانها می گردد . ماست بجای غذای چاشت و شب ویتامین (الف) باعث رشد قد می شود ، بنابرین اگر از کوتاهی قد شکایت دارید تاحد امکان ماست بخورید ، ماست بعلت داشتن طول عمر وجود دارد ؟

میکروب های ماست همه حیات ویتامین (د) استخوان ها را مهکم می کنند شاید سوالی نزد شما پیدا بخشن و مفید اند . شود که آیا ماست شیرین و فیسید در مقابل آن از بین می روند ، بطوریکه هیچ میکروبی به جز میکروب سل و سیاه زخم در مقابل آن نمی توانند مقاومت کنند .

برای آنکه به خواص اسید لاکتیک هاست خوبتر بی بیرید فکر کنید که چرا هیچ چیز در بین سرکه نمی گند و اکثر میوه ها و سبز یخات را می توان صحیح و سالم در آن نگاه داشت ؟

میکروب مولد دیفتری اثر ندارد .

ماست وجود را از ابتلا به امراض جهاز هاضمه مانند سوء هاضمه و اسید ، ورم روده و اکثر امراض جلدی نگهداری می کند . ماست بخاطر داشتن (فا سفور) زیاد حافظه را به شدت تقویه می کند و غذای خوبی برای متغیرین و اشخاصیکه به کار های دماغی اشتغال دارند محسوب می گردد همچنان ماست

را به شدت تقویه می کند و غذای خوبی برای متغیرین و اشخاصیکه به کار های دماغی اشتغال دارند محسوب می گردد همچنان ماست

بعلت داشتن (کلسیم) زیاد باعث رشد قلب تعادل خربان قلب ،

آرامش اعصاب و کرم نخوردن دندانها می گردد .

همچنان ماست بخاطر داشتن

ویتامین (الف) باعث رشد قد می شود ، بنابرین اگر از کوتاهی قد

شکایت دارید تاحد امکان ماست

میروندا . وزمانی پیشنهاد ، دلواپسی والقبار نداشت شاعر رادر میاید ، که چرا تایین حد در گرآلوده گیهای بقول احسان (طبری) «سرای سپنج» گردیده و به قول (خیا) (م را غنیمت) شمرده وبا به شیوه (حافظ) بخاطر (حال سیاه) سیهشی آنچنان یعنی جهان به اصطلاح (بغ) رادر گزو نفس از من خود هدیه گرده است ؟

« مجرم » گاهی در پیکریک (رنده) و (خراباتی) و زمانی بصورت (صوفی) و میراثی هندی جله میگردد . برداشت در هم « مجرم » از اوضاع اشنه مملکت در آنوقت - تکتازی و لاقدی حکام محل والیان بدnam ، معجب اجتمعاً غی ظالمانه وبا به روش بیان صاحب الزمان در (خط سوم) دفع زشتی به بدی ودفع فاسد به فسد ، در روان فردی و اجتماعی « مجرم » چنان

تائیری ناهمنگونی بر جای میگذارد که ، التباب درونی اوگاه از مجرای (روان ناخشایان) وزمانی به اسلوب بیان علم الگوی از همیر (فرافکن) روانشناشانه به شکل نفرت و بدیشی به مو لیان

تابه او خویش جدا گردید و بگانه جدا
م مجرم ، دانی یقین از سفرش میگردد
صحن ایوان جدا بامودر خانه جدا

از عجر توابی نگاره امشب
هم خسته و دلگذاره امشب
الدوه محبت و غم تو
آورده در یعنی دیاره امشب
شب تابه سعر ندیده راحت
در دیده خلیده خارم امشب
روی ممه تو ندیده ام سر
نشسته هر اخبار امشب
من از ستم و جفا یست اینک
در تو سون غم سوارم امشب
یارب چه کنم علاج خود را
جز سبز دیگر چه دارم امشب
افتاده بسته والی ملک
بردنده هر ای دارم امشب
م مجرم ، چه کند که گرده تو
زین ملک هر ای فرادم امشب

ایمه نازنین من ، بردۀ دل توزین حزین
غارض خویش واکن و پیش مکش نفاید را
بسته توبه تاره و بنده در دهدند خود
لیک تومگسلان دیگر بسیار خدا طناب را
دور میگذم زیر آدمدام به چشم تر
الله وادای فریضه حج .

بپر حال ، خوانشند عزیز : اکنون ناگزیر
حق قدمی لم یزل ، خالق یا ک بس هنل
گرده خجل به پیش تو ، صدمه و افتاده
« مجرم اگر توعاقلى ، فکر خطاگن دیگر
کیم بجان و دل همه گفته این کتاب را

گرده بیجا دلم از طرف جانه جدا
دست مشاهه خدا یا شودا زشانه جدا
زاهدش شام و سحر هردو بد خود من نازد
قصص شاهانه جدا گلبه ویرانه جدا
دیدم یاد کنند خاک به سر زاده او

م است و عشیار جدا مردم دیوانه جدا
قطعه باده اگر نوش گنداز لبوی
زیش م است شود سانگ و بیمانه جدا
کاش هنگام و داعش همک جمع شوند

خود سر میگشد . لیکن وقتیکه به قسمت عانی آخر دیوان مرسی ، یاماگه آرامی در (گود سیگرفه دریا) بر میغوری ، که نویدهانه لحنات چانگاه پدیده بیان (مرگ) را گندو کاو میگند . بخصوص ص بعد از زیارت بیت

جای آن رسیده است که به عمان (جنده سخن) یعنی قرارگاه در بالا گذاشته شد فدار بیان « مجرم » از این روزی کار اساس رانادست فرار ندارد . از اینروی کار اساس رانادست یافتن دو باره به دیوان ۰۰۰۰ به تعویق میگذارم

اما وجود همه کمی و کاستی در کار ، چند غزل « مجرم » را در ذیل بخوانید و قصور در کارها ، به بخشانید .

یار بیاتو گوش گن ، طنطنه ریاب را
گیر بکف تو ساختی این قدر شراب را
نوش یکن بیادان ، مهوش « العذار خود
م است شوآتشی فگن ، خرم شیخ و شاب را

جواب

بـنـانـهـهـاـيـشـماـ

پـستـ

ساقیا جامی بمن ده تا بیا سایمدمی
زیرکی را گفتم ای ناحوال بین خنید و گفت
صعب روزی بلعجب کاری پریشان عالمی
سو ختم در چاه صبر از بهر آن شمع چکل
شاه تر کان فار غست از حال ماکو رستمی
در طریق عشق بازی امن و آسایش بلاست
ریش باد آندل که با درد تو خواهد مرهمی
اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
رهروی باید جها نسوزی نه خامی بیغمی
آدمی در عالم خاکی نمی آید بدست
خیز تا خاطر بدان ترکسم قندی دهیم
کز نسیمیش بوی جوی مولیان آید همی
گریه حافظ چه سنجد پیش استغنای عشق
کاندرین دریا نماید هفت دریا شنبه
و اینهم چند تکه به از اشعار شما همکار عزیز:
ناله مکن آه مکش غم بیهوده مخور نهضت
کین سه نکرد بخدا هرگز هیچ دردی را دوا

مرا ز آن مغور سر کش یکسی باد شد
در دلم احساس کشنده ایجاد شد
دل غم گرفت ((نهضت)) د می چشم آب
خدا یا دل رفت زندگی ام برباد مدد

مطریان بر خیزید آهنگ شادی ساز کنید
خوبیان هرچه میتوانید امشب برمان از کنید
به چند صراحی و پیمانه کی شود چاره ما
ساقیان باده پیش آرید و خم هاباز کنید

آن بیرخم گشته ز صد جوان آراسته به
که سر به کفت می نهد در رذام وطن
دوست عزیز شکیلا ذکریا
سلام همکار عزیز، همکاری شمارا با مجله خود تان خواهایم. نامه
را به متصلی صفحه مسابقات و سر گرمیها به منظور ((فال گیری))
سپردهیم موفق باشید.

دوست عزیز سعیده معلم صنف دوازدهم لیسه آریانا
بپذیرید سلام و پرسان مارا هم. همکاری قلمی شما را خواستاریم.
همکار عزیز ما مینو یستند: مجله شماره (۳۲ - ۳۳) ۱۷ عقرب
۱۳۵۹ شما که دریک جلد نشر شده بود، به مطالعه قرار گرفت و
سر تا پا آنرا خواندم. مجله زوندون مجله خواستنی همه خانواده‌ها است
خواندن اشعار دلکش و پر بارش همه رامست میکند و همه از مجله
زوندون بر وفق طبع و ذوق خود بپرده هم یکسی از
علقمدان این مجله است، میخواستم متذکر شوم که چندی قبل شعری
بنام عبد الرحمن فروتن به نشر رسید، با این مطلع:

موج گردابم که دائم بیقرار افتاده ام
قطره اشکم ز چشم روز گزار افتاده ام

در حالیکه چندین سال پیش، غزلی به عنوان (غروب) از سید
نور فرج (سال ۵۶) مجله زوندون شماره (۴۱) به نشر رسیده است
با این مطلع:

همکاران و همقلمان عزیز سلام علیکم
به امید صحت هنری خوانندگان عزیز، میپر دازیم به جواب نامه‌ها.
دوست عزیز پاینده محمد یاربور
سلام همکار ارجمند، درست تصور نموده اید، باری حتماً خواهیم
خواند و چرا نخوانیم و چرا یاسن ندهیم. این صفحه همین وظیفه را
دارد که درد دل دوستان مجده را بشنو و در آن میان عرض حال
مجله و کار کنان مجله را هم بگویید.
دوست عزیز، زانوی نتوانست و تقدیر زدگی را سخت محکم گرفته
اید و با این طرز فکر به آنچه میخواهید برسید، نخواهید رسید
زیرا نخست بخت خود را بد پنداشته اید و با نظر گاهی که به پیرامون
خویش مینگرید جز سیاسی و بلیدی روشنایی و یا کی نخواهید دید،
پقول مولانا:

چونکه بر چشم زدی شیشه کبود
لاجرم عالم کبودت می نمود
و یا بقول ناصر خسرو ابر مرد شعر و اندیشه
چو تو خود کنی اختر خویش را بد

مدار از فلك چشم نیک اختری را
قصه ((چه خوب است فراموشی)) از نظر گذشت و غالیم این گمان
است که قصه از کسی دیگری است که شما حتی نامها و کلمات نامعروف
آنرا نیز بر گردانی به کلمات معروف خود مان نکرده اید، تقاضا نیز و
که از نوشته های دیگران با نام خویش به ماجیز نفرستید و توجه دارید
که حق تالیف و نوشته دیگران محفوظ است، با آنهم، آن قصه
به نشر میرسد، امانه بنام شما.

دوست عزیز عبد القدس نهضت فراهی معلم لیسه عمر شریید
به سخن شما از صدق دل سلام صمیمانه شما را علیک میکویم و
سلام و پرسان می فرستیم.

همکار عزیز ما بعد از توصیف و قلمفر سایی بسیار در باب نیکویی
هجه مینگارد: ((باید بعضی بر سام که اینجانب علاقه زیادی
به شعر دارم، خصوصاً به شعر کلاسیک و از آنجلمه به اشعار نزد
حافظ شیرازی و مولانا جلال الدین بلخی عشق می ورزم. باور کنید که
اشعار حافظ را تائیمه های شب می خوانم و بالذمی که میسرم میشود
از خواب گریزانم . . . بی موجب نخواهد بود که بگویم تابه حال از
کسی تشویق ندیده ام و کسی به راه هنایم نیز داخله است . . .))
ما به تشویق تان می نشیئیم و به راهنمایی شما همت میگماریم.
کار بسی پسندیده بی است که به شعر حافظ و مولانا دل بسته اید و
ما یه بی خود را بر بار می سازید. اما اشعار این بزرگان را بدقت و
وسواس بخوانید، طرافتهای شعری و تخیل و خیال انگیزی شعر آنان
را در یابید و با تکاههای رُز و کاوشگر ببینید که چگونه معنای
بسیار را در کلمات خوش آهنگ و پر استعاره پرورا نیده‌اند. از زبان
و بیان شعری شان بدقت استفاده ببرید و همینکو نه اشعار تازه و بکر
نو بر دازان راهم از نظر دور ندارید و شعر خوب آنان را به مطالعه
بگیرید و حظ ببرید. به پاس داشت ذوق ارجمند شما دوست گرامی به
این شعر آگنده از صنعت شعری، چکیده از احساس حافظ شیریسن
سخن توجه کنید:

سینه مala مال در دست ای دریغامر همی
دل ز تسبیبی بجان آمد خدا راهنمایی
چشم آسایش که دارد از سپهر گرم رو

ای تازه نویسان!» عزیز کاری نکنید که رسایی عام و خاص گردید و «انوری دزدی» را بیاد همگان بیا ندازید و خویشتن را بر فراز بام مسجد بنشانید . . .
 . . . گویافکر میکنند که شعر دزدی و «قاله ربایی نوعی از شعرسرایی و مقاله نویسی است . . .
 قطره اشکم زچشم روز گسارتاده ام
 چونکه بر چشم زدی شیشه کبود لاجرم عالم کبودت همینه و

همکار عزیز ما سعیده، شعر دزدی را با پستاره و بار، برگه و نشان دستگیر نموده است.
 لطفا از ماجراهای این دزد گیسری، خویشتن را مطلع سازید.

دوست عزیز (۱) ! به حال رقتباران متأسفیم و متعجب هستیم که چرا پدر تان به حال زن و فرزندان خویش نمی‌رسد و تنها بسانن سومی به ناز و عشرت زندگی میکند. گرچه در این زمینه میتوانستیم چیزهای بکوییم، ولی شما واضح نساخته اید که چند سال داریست، مصروفیت شما چیست؟ و چرا پدر شما مادر و مادر اندر شما را از خانه راند؟ آیا شما به سان و سالی هستید که تک و تنهانندگی را بیش ببرید؟ عجالتاً چه کشیدگی و اختلاف نظر در میان خانواده وجود دارد؟ آیا شما مکتب را خلاص نموده اید؟ آیا میتوانید با مادر و مادراندر تان یکجا زندگی نمایید و از همه جهات آرام باشید . . .
 تا دقیقاً از وضع و حال زندگی شما اطلاع نداشته باشیم، مشهوره بی دقيق و درست عرضه نخواهیم داشت و هرچه خواهیم گفت تیر به تاریکی رها نمودن است که به نشانه اصابت نخواهد کرد. از این جهت معنوی دارید ما را، به امید نامه های دیگر شما .
 دوست عزیز اول زمان نبی زار متعلم صنف یازدهم لیسه میخانیکی ننگر هار

سلام عای صمیمانه و دو ستانه مارا قبول کنید. دعایمیکنیم که در حراست و حفاظت خداوند تعالی باشید پارچه شعر ارسالی خویش را در صفحه برگزیده های از نوشته های شماره های آینده بخوانید .
 موفق و کامن وا باشید .

دوست عزیز رحمت الله غیر متعلم مکتب ابتدایی اسلام قلعه پلخمری سلام همکار ارجمند تقاضا میرود که شعر بسیار بخوانید و هم بسیار شعر بکویید که گفته اند کار نیکو کردن از پر کردن است، اینک تکه بی از شعر شما :

خزان در رسید موسم بهار گذشت هنگام طرب و خوشی روز گار گذشت و این مژده هم از ما به شما که بهار در راه رسیدن است به بیشوازش آمادگی بکیر بد .

و باز هم نامه بی از شما، دقت کنید : با سلام دو باره شعر انتخابی خویش را بخوانید : به دندان و خنده دو فولاد گردن به ناخن سنگ خارا را ببریدن به فرق سر نهادن صد شتر بار ز مشرق تابه مغرب ره ببریدن فرو رفتن به آتش دان نگونسار به پلک دیده آتش پاره چیدن بسی بر جامی آسانتر نماید ز بار منت دو نان کشیدن شعر ((زندگی)) سروده طبع شما را خواندیم. احساس شما قابل ستایش است و آرزو مندیم که اشعار معاصر این را بسیار بخوانید .

دوست عزیز محمد یونس ازمیر ویس میدان سلام علیکم همکار ارجمند. مجله زوندون هر هفته از چاپ می برآید مگر آنکه بنابر تراکم فرمایشات مطبوعه دولتی، کارها به عقب افتاد و مجله شما، دو شماره دریک شماره از چاپ برآید. ما همینشه کوشش مینماییم که مجله هر هفته بdest خوانند گانش برسند و بنای شکایت شما، از مدیریت عمومی توزیع روز نامه ها خواهش میکنیم که در توزیع مجله زوندون همت گمارند و مجله هفتگی را بعد از یازده روز و بیست روز بdest خوانند گان و علاقمندان نسبارند. (والسلام)

قطره اشکم ز چشم روز گسارتاده ام در غروب زندگی چون شام تارتاده ام و همچنان این غزل، در سال ۱۳۴۸ به بروگرام زمزمه های شب هنگام هنر و ادبیات رادیو افغانستان و هم به آواز گیرای احمد شاکر آواز خوان چوان رادیو در سال ۱۳۵۵ ثبت و چندین بار از طریق رادیو نشر گردیده است که این خود دلیل قانع کننده برای شعر دوستان و آقای شیخیض عبدالرحمان فروتن از میمنه باشد که این مضرع :

قطره اشکم ز چشم روز گسارتاده ام از سید فرش میباشد، نه از عبد الرحمن فروتن. امید و ارم آقای عبد الرحمن فروتن بعد از همین لحظه، در سرودن شعر توجه بخرج بدشت تا شهرت مبارک شان باکلام اسرقت، مهر و موم نگردد، به امید بیروزی های بیشتر کار کنان مجله محبوب زوندون و مردم شریف افغا نستان .

جواب نویسن : این روز ها سرقت ادبی و سعی فزاینده بی یافته است و هر که چند روزی دست به قلم برد و کتابی به مطالعه گرفت . به زعم خودش فردا مقاله بی مینویسد و نام مبارک خود را در جرگه نویسنده گان و شاعران سیاه میکند و از شهرت باد آورده بی اینکار لذت ها میبرد که به چه آسانی به اوج نام آوری نشسته است، گویا فکر میکند که شعر دزدی و مقاله ربایی نوعی از شعرسرایی و مقاله نویسی است . این دسته از اقتباس گران یا برتسر بکویم سارقان ادبی نا مدت زمانی طفیل و میکروبی در وجود آثار دیگران زندگی میکنند شاخ و برگ میکشند، به نشو و نمو میپردازند و اندک اندک بزرگ میشوند و در حلقه های ادبی راه می یابند و شعر (!) می گویند و قصه (!) می نویسنده و تقریظ و نقد به جامعه پیشکش می نمایند . جریان های ادبی جامعه اگر به جوش و خروش، بالندگی و شگفتگی باشند، همان لحظه طبل رسایی این قصه نویسان، شاعران و متفقدان ساختگی و مصنوعی را می کوبند و نقاب از چهره نا شریف شان می درد . در غیر حواله به زمان میکردد که داور سخت گیری است و در باز یافت سره از نا سره خواهد کوشید... و از ها به عبد الرحمن فروتن و دیگر معققان (!) سرقت ادبی نصیحت که کاری نکنید که رسایی عام و خاص گردید و (انوری دزدی) را بیاد همگان بیا ندازید و خویشتن را بر فراز بام مسجد بنشانید . . . به حوصله همین صفحه، چیز دیگری نمی گوییم .

دوست عزیز سید عبد الله متعلم لیسه هنرمند سراج سریل مطلب فرستاده شما به اداره رسید، بارها خدمت حوانند گان و همکاران عزیز عرض شده است که به یک روی ورق بتویستند، در غیر نوشته ارسالی شان از نشر بازمی ماند . و همینکونه است نوشته شما دوست عزیز . سلام فراموش شده آغاز کلام راحال بیدیرید و به انتظار مطالب دیگر تان هستیم .

دوست عزیز شمس الدین آرین سلام علیک همکار عزیز، قبل از همه سخن های دیگر به عرض تان بر سانیم که نام متصلی صفحه خنده نسرين نیست از این بعد مطالب تانرا عنوانی مجله و یا بنام عمان صفحه مورد نظر تان ارسال دارید .

راه زندگی

غفار عریف

لیک بر پایه موقیت های روز افزون سه نیروی عمدۀ عصر ما و به انکای تجارب و رخداد های عظیم جهانی و محاجنان به اطمینان بهترین ره آوردهای بشریت زحمتکش هی توان گفت که :

مقامات وینج و باره شکنجه گران که در تحت سایه افکار و عقاید فراتوت و تاریخ زده بر منافع سیاسی اقتصادی و اجتماعی انسان های وزمانی هم پیداوار، مواد خام و نیرو کار زحمتکشان سر زمینی را با سرآشیب سرمایه های سود آورد به هلاکت میرسانند.

ملل استمدیده و انسان های روزگار دیده جهان با قاطعیت و دلیلی بر ضد منوپولیست ها، ستمکران، پیاده گران، درنده خوبیان، رویاه صفتان، رشته گرایان، تباہ کاران نظامیکران، چهل پرستان و کلیه فرو- مایکانیکه ارا چیف قرون وسطاً بی سر مید هنده پا خاسته اند، برای کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و تحکیم حاکمیت ملی، به مخاطر دمو- کراسی؛ ترقی اجتماعی وعدالت واقعی، برای صلح و امنیت بین المللی واستقرار نظام های متقدی و دمو- کراتیک و راه رشد غیر سرمایه داری، میرزند.

اگر الیکار شی مالی است و یا حدود سرمایه بجا ی صدور کالا، اگر اتحاد مقدس بسته شد و یا اصالت خود پیریزی، اگر باکوئین و ماکس استیم انار شیسم را تبلیغ میکردند و یا کلیسا ای کاتو لیک در لیبرال منشانه پاسفیسم پیش کش شد.

(باقیدار)

استعمار گران و ستم پیشگان گاهی با تحمیل فشار و حملات ددمنشاهه سرزمین مردمان را به باد فتاییدهند سخت سست بنیاد گردیده و دوران اضمحلال راهی بیما یند.

در گرداگرد کشتی زندگی گروهی برای قایم کردن پایه های بی بند و بار قدرت خود سر زمینی را تحت تابعیت دارند و عده هم دایره گشتار بیرون از انسان های بی گناه و پا- کیزه سر شت رادر قلمرو خود بسط میدهند و بین سنان سود های افسانوی به بار میاورند.

گاهی اهریمنان و قاتلان سر زمین مردمان زحمتکش را به تفاله گندیده و شوره زار انحصار بدل میکنند و زمانی هم قرارداد های کمرشکن می بندند.

استعمار گران و شیوه توین آن در تبانی بایروهای محافظه کار داخلی گاهی در برابر زندگی راه رشد غیر سرمایه داری به شدت مقاومت می کند و زمانی هم توزانه با جیله گری و نیرنگ ناسیو نالیسم محلی را تحریک میدارند.

در راه زندگی عده از کشورها، مرجعین با استفاده از کمبودها و ضعف های بیازمانه هی و نوا قصص فعالیت نیروهای متقدی و دموکراتیک موقیت حاصل گردهاند که قدرت سیاسی و اقتصادی رادر دست داشته باشند و در تعدادی از ملل جهان دیرو های کهنه کار و عقب گرا طعم تلغی شکست های سهمیکن را می چشند.

هنری، اجتماعی و سیاسی، فقط و فقط زاده بازویان توانای انسان زحمتکش و هدفمند است، همبستگی بین المللی و مساعی همکاری قرار دارد.

لیک گوشة از راه زندگی را اقلیت ها با استفاده از عقب هاندگی های فرهنگی، کوتاهی آگاهی، کمبود درک سیاسی، دوری از شعور طبقاتی به مخاطره انداخته است. اقلیت های طفیلی گاهی در نگهداشت و دفاع از عقاید پوسیده، خرافی، در حال زوال و دوراز واقعیت وزمانی هم بسط سیمای وحشت زای بی عدالتی، تشديدة ستم سر نیزه زحمت کشان را از تهداب زندگی (زیر بنا) و خصلت زندگی محروم حقوق مسی دانند.

گروهی در زندگی جهانی با داشتن امتیازات وافر از همه نفوذ و اعتبارات برخوردارند، گاهی متکبرانه با غرور خود ساخته و برداخته برای نمایاندن چهره ظاهری و میان تهی خود به اجرای هر نوع (اکت) و نمایش می باشند و زمانی هم شاید به ارتی بشود امتیازات خود با داشتن اصل و نصب بنازند.

گاهی زندگی مردم در گوشة از جهان دستخوش چیاو لویگماگری میشود وزمانی هم در خیمان ستم پیشه سدراه بیشرفت عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و تحقیکی در زندگی اکثریت میشوند.

پیوسته بگذشته

امخوشتگانه : همبستگی جهانی ملل، مبارزات استقلال طلبی، جنبش های آزادی بخش ملی، اقدامات پر شور ومه جانبه کمپ سوسیالیستی، سیم گیری- هر چه بیشتر ممالک دارای رژیم های ملی و متقدی، پیکار قهر- مانانه کشور های عقب نگهداشته تمام محافل و نیرو های مت قسی جهان، کلیه مبارزات ضد امپریا- لیستی، وحدت قانونمند نیرو های اساسی انقلابی جهان، کشور های دارای سیاست عدم اسلامک، همه و همه به طور قاطع و بیکیر باروجیه یکدی و همبستگی واقعی سیاست جهانی امپریالیزم، جنا یا تدهشت افگانانه گروه های اجتماعی و مشی سازش کارانه نیرو های محافظه کار داخلی را به انتقاد کشانیده و تحت راهی و میان تهی خود به اجرای چکمه های آهینه و ضر باشند کننده نیم جان حیات بسر می برند. طی جلسات عمومی و کنفرانس های بین المللی، مارش های ظفر آفرین و اعتصابات سر تاسری، مظاهرات پرشور علیه نقض ماده اعلامیه حقوق بشر و یا مال شدن شوونات انسانی که مو جد اصلی آنها امپریالیسم وار تجاع بین المللی میباشد در سراسر جهان تصاویر عملی و سازنده بعمل میاید، قطعنامه ها صادر میشود، استرا تزی و تاکتیک محافل امپریا لیستی در دفاع از رژیم های نظارتی گر و فاشیستی را نوعی از تجاوز به حقوق بشر و قوانین معتبر جهانی تلقی میکنند و در دفاع ازین امر که کلیه پیشرفت های چشمکیر سیاسی و تکنا لو زی علم و فرهنگ، دستاوردهای ادبی

باقیه صفحه ۴۱

این ورزش استعداد های شانسی! یکسلسله مسابقات را انجام دادند
برگزاری این مسابقات یکبار دیگر ارزیابی بکنند و در کار شان برای زمینه آنرا فیسر ساخت تا علاوه از این یک آینده بهتر دست بکار شوند.



کاندید کسب عنوان قهرمانی جهانی شطرنج با کارپوف آماده گی هیگیورد

مسابقات مقدماتی را چهت مقابله شدن با کارپوف انجام دهد و خیال دارد با کارپوف مقابله شود.

مسابقات کاندیدهای مسابقه با ورزش شطرنج هم در جهان کارپوف که دریکی از شهرهای ورزش مقام خوبی را کسب نموده ایتالیا دایر گردید رابت یونیور و از شهرت و محبو بیت زیاد نسبت بر دیگران در خشید او دریک بر خور دار میباشد. مخصوصاً این شهرت و محبو بیت از زمانی دیدار خود با کور چیونی شطرنج باز دیگری از اتحاد شوروی که این زیاد اوچ گرفت که انا تویی کارپوف چیزه معروف شطرنج اتحاد شوروی اتحاد شوروی است در برای حریف کارپوف در حرکت سی و یکنیم شوروی و جهان بود.

یک خبر مربوط به دیدار های شکست خورد و از بازی کنار رفت یونیور در مسابقه خود با کارپوف از دانه های سفید کار خواهد کرد.

کسب مقام قهرمانی یکسلسله

تعلیم و تربیه و مشغول شرکت نموده بودند که در نتیجه تیم والیبال مشغول به مقام قهرمانی رسید و تیم کابورا چنانه در مسابقات والیبال مذکور تیم های پوهنتون کابل، کابورا، جهش، مسابقات تیم های الف و بجهش بودند که دریابان آن، تیم والیبال دختران پوهنتون اول - تیم مسابقات به سیستم دور بودگه در ختم آن به تیم های برنده اول دوم و سوم کپ های قهرمانی اهدادگردید و علاوه از برای هر تیم شش، شش جوره کرمیج نیز اهداء شد.

در مسابقات والیبال که اخیراً از طرف ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک در جمنازیوم بولتختنیک دایر گردید تیم های بولتختنیک، کابورا،

و بجهش اول و دوم شدند. والیبال دختران پوهنتون اول - تیم مسابقات دوم و تیم کابورا سوم شدند. در مسابقات باسکتبال تیم های الف و ب پوهنتون - الف و بجهش بولتختنیک و تعلیم و تربیه شرکت نمودند که در مقام قهرمانی تیم الف پوهنتون قرار گرفت و تیم های جهش الف و ب پوهنتون دوم و سوم شدند.

در مسابقات والیبال که اخیراً از طرف ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک در جمنازیوم بولتختنیک دایر گردید تیم های بولتختنیک، کابورا،

مسابقات گروپ جدید الشمولان

شطرنج با یان یافت

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک چندی قبل مسابقات شطرنج را بین شطرنج بازان تازه وارد مسابقات بنام مسابقات گروپ جدید الشمولان در یکی از سالون های دایر نمود. درین مسابقات شصت با کسب سی و نو نیم امتیاز به مقام دومی دست یافت و مستحق یکسلسله مسابقات را طبق مقررات مسابقات گروپ جدید تحت نظر عده از کارکنان مسلکی ریاست و رژیم برآمد. که این مسابقات بعد از آوردن سی و هفت و نیم امتیاز به حیث برنده سوم شناخته شده و به مدال برنز این مسابقات دست یافت.

محمد نعیم محصل پوهنتون کابل با کسب سی و نو نیم امتیاز به مقام دومی دست یافت و مستحق مدال نقره گردید. و محمد بشیر مسابقات گروپ چهارم شطرنج باز از جمله دیگر شرکت کننده با بدست آوردن سی و هفت و نیم امتیاز به حیث برنده سوم شناخته شده و به مدال برنز این مسابقات دست یافت.

در مقررات مسابقات تشرییع گردیده بود هرگاه هر اشتراک شمول سه برنده مدالهای طلا نقره و برنز بیست شطرنج باز دیگر مستحق اعتبار نامه گردیده و آنها در مسابقات آینده حق اشتراک گروپ چهارم ظاهر خواهند گردید. را در گروپ چهارم شطرنج کشور حاصل نمودند. در جمله چهاره های فیصد پیروزی را نصیب شدند در مسابقات آینده در جمله بازیکنان گروپ چهارم ظاهر خواهند گردید. و همچنان هر شطرنج بازیکنه بتواند از جمله ده مسابقه ایکه انجام میدهد بیشترین امتیاز را بگیرد به حیث برنده گان مدالهای طلا، نقره و برنز شناخته میشوند.

جمله چهاره های موفق این مسابقات بودند که هریک آنها با پیروزی شان در بیش از پنج مسابقاته در خشیدند و سایر شرکت کنند. رابت یونیور شطرنج باز معروف از دانه های سفید کار خواهد صورت کل ارزیابی گردیده و

روز
وبه
میم
ترین
هنسی
گران
اسی
سا
ند
دان
زگار
ن
رویاه
لاران
فرود
ای
دمو
ت
عملی
سو
داری
یسا
کلا
لار
لوبنین
تبليغ
کش
روش
کش

جشن هر گ

کامپ تفویجی هوتل افتو کافتی ننتال

در خدمت همه



عالی ترین تسهیلات برای سرگرمی همشهر یان عزیز و گرا می باستندرد بین المللی میدان های ورزشی بازی تینس -

اتاق بلیارد - پنگ پانگ - شطرنج وغیره -

همه روزه در خدمت علاقمندان قرار دارد .

باید از این چانس خوب استفاده کرده اوقات فراغت خویش را به سرگرمی فرحت بخشی سپری نماید .

عضویت کلپ ورزشی بازی تینس ماهوار فی نفر مبلغ ۶۰۰ افغانی و عضویت کلپ بلیارد پنگ پانگ و شطرنج ماهوار فی نفر مبلغ ۳۰۰ افغانی می باشد .

برای معلومات بیشتر به تلفون ۳۱۸۱۶ شعبه فروشات وارتبا ط عمame هوتل انترکانتی ننتال تما س حاصل فرمایند .

کنجکاو و پر تمنای مادر و برادرش خورا که فروشی سر بازار بزرگ لخت شد و بر ختخوا بش که افتاد ، اما بلا فاصله نا امید شد ، هنوز گر می چند دقیقه قبل بد ن چون یاد ش آمد که بازار را او ل او را در خود نگهداشت بسود غروب میدیدند و آن مغازه هم رفت و تنها حر فی که زد این مطمئنا تعطیل شده است . بود :

آن مادر چقدر سرد است ، کند ، با این امید درو غمی که فردا چقدر سرد است ... گلنار از جایش بر خواست ، بو لی قرض خواهد کرد خودش را فریب داد و آرام شد ، دیگر از این اتاق با ان اتاق نمیرفت ساکت و غمزده آمد و در پهلوی بستر پسرش نشست .

تب بچه بالا رفته بود ، گلنار بیحر کت در کار او نشسته و چشمهاي خيره اش را به کنچ اتاق دوخته بود و از فر طاضطراب میلر زید .

پسر کو چکتر از گر سنگی خواهش نمیرد ، او هم با چشمهاي از حرقه در آمده بد یوار اتاق خيره شده بود ، پسر هر یض با آرامی نا له میکرد ، گاه هدیان میگفت و سر ش را از طرفی بطرف دیگر میگز خانه و چشمهاي یش بیک نقطه از سقف خیره شده بود ، نگاه میکرد اما جای رانیده آن چشمهاي داشت سیاه و

شیشه بی و در خشان ، پسر کو چکتر با دقت از بستر ش باو نگاه میکرد ، وقتی دو باره پسر مریض شروع بحراف زدن کرد

برادرش بلند شد ، روی بستر ش نشست و با صدای خفه بی که فقط مادرش میتوانست بشنويد ، گفت : سعادر ، برادر بزرگم میمیرد ؟

مادر مثل اینکه با دسر دی بر بد نش وزیده باشد لرزید ، با چشمهاي و حشت زده به پسر کو چکش نگاه کرد و گفت :

- این حر فها چیه ، چرا این حرف را زدی ؟

پسر کو چک در برابر نگاه خیره ما در ش لحظه بی مکث کرد و بعد خشم شد و سرش را بگوش ۱ و نزدیک کرد و با صدای خیالی درخشید و با خود گفت :

((آیا هیچ کس پیدا نخواهد شد که در برابر این همه بد بختی ملا یعنی که سعی داشت برا درش نشند ، گفت : بو لی یعنی قرض بد هد ؟ بعد بیاد همسایه ها و مغازه خانه سفید برای ما غذا میا رن .

هر رنگی در همینا تور ۰۰

موش گشته است اما هستند نقا - شنا سان میگذازیم . اما در مرور شان که در تا بلو های شان از بخش دیگر سوا لسان باشد رنک های قدیمی که بیشتر شان عرض کنم که : هنر مینا تو ر بخصوص سبک بهزاد یک هنر ساخته خود شان است استفاده مشکل و بیجیده است . در حالتی که تعداد زیادی این هنر را تعقیب می نمایند و لی تنها سه یا چهار استادی که نام شان را قبل از ذکر کردم در کشور مان دیده میتوانم که کار های شان از پختگی ، زیبایی و اصالت زیاد بسیار خور .

داراست . و من هم نمیدانم که چه مدتی وقت لازم است و چقدر سالها را باشد پشت سر گذاشت تا بلوهایم استفاده میکنم ، در مرور کارت چه فکر میکنم ،

و در مرور کارت چه فکر میکنم ،

قدرت وقت دیگر لازم است تا کارت از پختگی لازم و بیشتری برخور دار گردد ؟

در مرور کارها یعنی خودچیزی اظهار نمیدارم و نباید چیزی بگوییم .

* عموماً در نقا شیوه های مینا - توری گذشته صحنه های از (شمیدن کی بود ما نند دیدن) جنگ ، شکار و غیره دیده میشود قضاوت را به هنر دوستان ، هنر آمد که میگویید :

الهی اگر خامم پخته ام کن -

واگر پخته ام سوخته ام کن

* عموماً در نقا شیوه های مینا -

توری گذشته صحنه های از (شمیدن کی بود ما نند دیدن) جنگ ، شکار و غیره دیده میشود

باقیه در صفحه ۵۴

از رنکها آبی و دیگر تر کیبات بوده و ظریف کاری را معنی میدهد ، یعنی هر قدر که یک تابلوی مینا تو را ظریف و ریز تر کار شود به همان قدر ، با ارزش تر زنگار (سبز) و زردینخ (زرد) بیشتر کار میشود . و این نوع رنکها از جمله رنک اصلی است که در گذشته زیاد مو ردد استفاده داشت ، البته رنک طلایی و نقره ای را نیز باید در جمله این رنکها اضافه کرد .

و در قدیم چون رنکها آبیکه امروز در دستور سنتور شان است موجود نبود لاجرم هنر مندان برای رنک آمیزی تا بلوهای شان از مواد معدنی و رنکها استفاده زیادی بعمل می آید در حالیکه هنر مینا توری از این معدنی و طبیعی که خود میساخند استفاده میکرند و لی خلا آن قاعده متشنی است . اما باید گفت که تنا سبات در این شیوه باید حفظ گردد . و اما با سایر سبک این سبک تفاوت کلی دارد ، مثلاً

با کو بیزم هنر مینا توری هیچ مقايسه نمیشود و ...

* در مرور بکار بردن رنکها در هنر مینا توری چه نظر داری ؟

با توجه با ینکه نقا شیوه مینا - توری از نظر رنک آمیزی و سرشاری رنکها ، رقیبی ندارد ، لازم می آمد تا هنر آموزان در دنیا رنکها و طریقه ترکیب و رابطه هر رنک با رنکها دیگر مطا -

ملعت و تجربه بیات عمیق بدست بیشتر بر روایت خانوادگی زن و شوهر تاثیر سوء میگذارد و اکثر از همین جاست که جدایی و از هم پاشیدن روایت خانوادگی شان شروع میشود .

پس بینید که زندگی در ابتدا اگر از یک بوسه آغاز می یابد ، بالاخره بکجا می انجامد . خوشبختانه امروز زنان و مردان یا بهتر است بگوئیم ، جوانان ما در یافته اند که زندگی خانوادگی و ادامه آن مستلزم مراجعت نمودن یک سلسله نزاکت ها و قوانین است که باید از طرف زن و مرد مراجعت شود . وقتی بین زن و شوهری تفاهمند وجود داشته باشد . و در پهلوی آن محبت و صمیمیت هرگز محیط نامساعد خانوادگی بوجود نخواهد آمد .

* در نقا شیوه مینا تور از کدام نوع رنک استفاده مینمایی ؟

در هنر مینا توری از همان لوازی پیدا یش این هنر از رنکها اصلی و معدنی استفاده بعمل می‌مدد . و بنده نیز ما نند سایرین

جوانان و روابط ..

باقیه صفحه ۴۵

دور از نزاکت و اخلاق باعث میشود .

که حسن بد گمانی را در میان زوج شوهر جوان ایجاد نماید و از همین جاتنم نفاق کاشته میشود و توسط همین دشمن به ظاهر دوست آبیاری میگردد . بالاخره نتیجه این میشود اکثراً زمانی به وقوع میبینند که یکی از دو طرف همانطور یکه قبل از تذکار دادیم مراجعت نکردن نزاکتها زندگی میباشد و یک موضوع مهم دیگر یکه بیشتر در بین خانواده های جوان تأثیر بد میگذارد و باعث دشمن خوشبختی و سعادت خانوادگی است .



خوشبختا نه امروز جوانان مان براستی به این نکته ملتفت گشته اند و از همین رو در انتخاب دوست و رفیق زیاد احتیاط میکنند . و نمی گذارند که زندگی خوش خانوادگی شان دستخوش بازیجه دیگران قرار گیرد . و حقیقت هم همی است با وجود اینکه رابطه میان زن و شوهر همانقدر که محکم است گاهی اتفاق میافتد که این استحکام با یک سخن بی جا و بی مورد میشود که محیط پاک و خالی از هرگونه شک و تردید را در خانواده لکه دار سازد وجود دوستان و شود یعنی قبل از اینکه رابطه نیک خانوادگی از هم بپاشد و شیرازه آشنایان که بعضاً در بین شان اشخاصی موجود اند که شایسته خانوادگی هرگز محیط نامساعد دوستی و رفت و آمدرا ندارند . شاید این سوال نزد تان خلق گردد که چرا بعضی در بین جوانان این اشخاص با حرکات و نگاه های رفیق زیاد متوجه بود .

نگو شمی به سینما

از کارگری به نام نیکاند رو ف لین را در میدانی در تماش نزدیک استفاده کرد که شباهت قیز یکسی زیادی به و لادیمیر ایلیچ داشت دهنده وزیر پرتوها مزا حم اما مطلاقاً آموزش باز یکوئی نه یده نور افکنهای که از جمیت عکس بود و از این گذشته تلاشی هم می تا بند محروم شو نه هنوز بسیار نیرو مند و هو تر به نظر برای نقش لین را کار نبرد باقیدارد می آیند.

هر رنگی در میدان توپ

بنده مینا نور را می کشید نه و کار رنگ آمیزی را بعده هنر آموزان میگذاشتند.

هنر آموزان را ابتدا به رنگ آمیزی بخش های ساده و امسی آشتند و به همان ترتیب که در کار پیشرفت میکردند، بر رنگ آمیزی قسمت های مهمتر و پیچیده تر را به آنها تکلیف می کردند یک هنر آموز با این شیوه تعلیم در هفده سالگی، میتوانست یک هنر آمیزی توری را به تنهایی رنگ آمیزی کند. این طریقه تر بیت نقا-

شان، نسل به نسل ادامه می یافتد و هنر آموزان جوان پس از گذراندن دوره های فشرده و جدی تعلیم، خود استاد می شوند و به تربیت نسل دیگر نقاشان همت می گماشتند.

آنچه در تزد این هنرمندان بیش از همه جلب نظر میکرد، احساسات عاشقانه و مستانه شناخت برای خلق هنری بود.

و در تاریخ ها آمده است که این نقاشان بینگام خلق یک اثر دچار جذبه و شور میشدند، و آثار یکه تو سلط کلک این هنر -

مندان با این احساس بو جود می آمد از جمله شبکار های روز-گار خود بشمار می رفت.

خوب عمر ذکر یا می خواهم آخرین سوال را از شما نمایم، آیا می خواهی این رشته را تعیین نمایم، آیا در نیمه راه رها یش گنی؟

- آرزو دارم که با تمام قوت این رشته را تعیین کنم البته در بیانی آن می خواهم هنر خطا طی را و

مجسمه سازی را نیز یاد بگیرم مولی

شاید مسلم همین هنر میناتو ری

باشد که حال آن را تعیین میکنم و می خواهم ساینس را نیز

در بیانی این هنرها فرا گیرم.

عمر ذکر باز محبت تشنگ آرزو میکنم که در کار هایت موفق باشی

و در کارهای خود ت نیز این صحنه های دیده میشود، آیا

نمی شود که زندگی امروزی رادر تابلوها یعنی انعکاس دهد؟

- سوال مشکلی می نماید، چون من یک نوآموزم این سوال

را باید از استادان بنمایم

ولی تاجاییکه دیده شده تها

شبکار و جنگ نه بلکه دیگر رخ

دادهای زندگی نیز در تابلو

های مینا توری منعکس شده است،

اما چون از قدیم در تابلوهای

مینا توری صحنه های شبکار، جنگ

بزم موسيقی و غیره انعکاس می یاب-

دند است و ماهم برای حفظ اص-

لت این هنر این صحنه ها را در

آثار مان انعکاس میدهیم و میا-

وریم. و اگر مینا نور را با سبک

ریا لیزم امتحان بد هیم و صحنه

های از زندگی امروز را ترسیم

کنیم شاید همان چیزی بدست

آید که شما سوال آن را گردید

و من نمیدانم که تا امروز چرا

این کار را نکرده ام.

* چند نوع مینا توری را میشناسی؟

- اگر چه من آنقدر معلوم هست

کافی در این زمینه ندارم ولی

با آنهم به سبک بیزادرشت هستم

و خودم نیز آن را تعیین میکنم

به آثار محمد هروی آشنا بود،

سبک ایران، سبک هند، سبک

کشمیر عراق، بغداد، هادی

تجویدی و محمد تجویدی را

میشناسم.

ولی برای من از همه سبک

بیزادرشت.

* در مرور شیوه آموخته

هنر نقاشی در گذشته چه

میدانی؟

- اگر از نزدیک بیک تابلوی

مینا توری از روز گار گذشته

تلائش برای ترسیم مینماهی لین

بدون استفاده از روشن های مستند

به کار رفته این نشستین برای این

مقصود به جای بازیگران حرفه ای

دان طرح اصلی را و استخوان

می لرزد موج شکن نیرو مند از میان مسلح جون ۱۹۱۷ به دستور امواج متلاطم ره می گشاید دو لغت وقت نطق لین از زره

پوش خطاب به جمعیت گرد آمده رزمنا و انقلاب مفرور و شکست در ایستگاه فلانند، میتینک نزدیک ناپذیر به سوی شکوه وجاودا -

((سمو لین)) شملیک تو پخانه روز منا و ((اورورا)) بورش توافقی به کاخ زمستانی . این

افتخار اعلام می کند که انقلاب شکست ناپذیر است .

ایز نشستین و همکارانش پس از بزرگداشت او لین انقلاب (۱۹۰۵)

به درخواست دولت شوری کار دارند این صحنه ها هستی مستقلی می یابند و در شماره رفیلم های

انقلاب کبیر سو سیالستی (۱۹۱۷) تاریخی مستند در می ایند از

نظر تماشاگران این صحنه ها صرفا برایده هایی از زیبک

آنر هنری نیستند بلکه فیلم های

باتفاق شاگرد و دستیار و شرکت گریکوری الکساندر و فکار

خداد با گردآوری تعداد بیشماری تصویر می کشند بهترین تصاویر

تدارک برای فیلم اکتبر روز منان و یوتیو مکین آغاز شد . ایز نشستین

به اتفاق شاگرد و دستیار و شرکت گریکوری الکساندر و فکار

خداد با گردآوری تعداد بیشماری تصویر می کشند بهترین تصاویر

بهترین تصاویر در حال اجرای یکی از صحنه های فلم

از استند و مدارک در باره زمینه گاه فراموش نمی شوند .

تیریو مقاومت ناپذیر جمعیتی که توفان آسا به کاخ زمستانی خود

یورش می برند چکمه ملوان تی

که تاچ زینت بخش سر در آهنتی کاخ را خود می کند برش های بیانی

سریع تصاویر ظاهرات و تیر-

اندازی سر با زان طنین ریتم

تیربار را منعکس می سازد .

صحنه های پر جمعیت بهترین

فصل های فیلم هستند و پر کشش

قرین و حساس ترین مرحله ای

انقلاب را نشان می دهد تیر با ران تظاهرات

با ران تظاهرات هر گند گان غیر



نوندون

اعلامیه وزارت...

بر ف میبارد

بر ف میر قصد
بر ف همچنون بر کهای خشک پاییزی
بر وی بامهای شهر میر بیزد
صحن خانه روی جاده
سوده کافور پاشیده
یکطرف غم
یکطرف شادی
کوچه ها خالی
من ز پشت پنجره در گیر و دار زندگی
غرق در رویای حزن انگیز رویای جوانی
یادم آمد سالها زین بیت
روزهای بر فوباران
در کنار کرسی گرم زمستان
با به حیدر خان دهقان قصه میگفت
قصه های رزمی و حما سه دوران پیشین را
قصه باستانی
از نیاکان همامی
داستان بلخ بامی
قصه گو درز نامی
از هجوم لشکر سر هست توران
از دلیری های پرشور نیا کان
از کک کمزاد و رستم
رستم و سهراب ناگام
قصه زور آوری بی پهلوان سام سام نریمان
قصه سیمرغ دستان
از در فشن کاویانی
از سرود جاودانی
حکمت و آینه زردشت
شعله های آتش بر زین زردشت
در میان قصه خوانی
گاه میگفت:
وه چخوش بود آن ما نشاد هانی
زندگی با فرو آزادی عهد باستانی
ای جوان زنده دل ای شهپر شهپر کشور
هوش دا رای مرد دوران ساز کشور
زندگانی چیست دا نی کار زار مرگ و هستی
گاه زحمت گاه دلت گاه مستی
در بر پیکار دشمن چون در خست سر و پایا
استوارو پایدار ویا پیر جا
باهمه پستی بندی گفته بسوند زندگی زیباست
دازی آری زندگی زیباست
زندگی آشکنی دیرینه با بر جاست
چون بیفروز یش رقص و جلوه اش در هر کران بیداست
ورنه خاموش است خامو شی گناه ما سمت
زنگی راشعله باید بر فرو زنده
شعله ها راهیمه سوزنده

اسلامی باید گفت که این تصمیم کا ملا غیر عادلانه و بدو ن هرگو نه دلیل میباشد بنابران وزارت امور خارجه جمهوری دموکرا تیک اتفاق نستان با صلاحت تا کید میدارد که هر گو نه فیصله و تصمیمی که درین اجلام در غیاب هیات نمایند گی افغانستان اتخاذ گردد جمهوری دموکرا تیک افغانستان خودرا بدان مقید ندانسته و تاجا ییکه به کشورها من بو ط میشود قادر اعتبار قانونی خواهد بود.

دادن تو جهات این اجلام از مسائل میرم و داغ کشیده ای اسلامی ندارد.

برای جلو گیری از همچو تلاش های خد عه آمیز بدل توجه نموده و کو شش نمایند تا کنفرانس و قت خودرا و قف مسائلی ننماید که وحدت جهان اسلام را ضد مه میزند، تابه این ترتیب پیروزی آنها در مبارزه مشترک شان علیه دشمنان تامین گردد.

اما در مورد تصمیم مر بوط به تعلیق عضویت جمهوری دموکرا تیک افغانستان در سازمان کنفرانس

دیگر قلم چوب ۹۰۰

انجمنی نوابی

با بدیکویم غلابه دلایل اقتصادی و عمدتاً این دلیل که انتقال گاز از شمال کشور به کابل مستلزم تمدید پیپ لین هایی می باشد که ایجاد مصارف هنگفت را می کند برای ها مقدور نیست. اما در این مورد که باید در حجم توریدات ها زایین هاده انرژی زائلزوده گردد من کاملاً توافق نظر دارم. در شرایط کنونی کابل سالانه به هفتادو بیج تن کامایع ضرورت دارد در حالیکه صرافی تن تورید می گردد ویفیتا در صورتی که مقدار پیشتر از حد نیازکنونی هردم هم تورید گردد باز هم برای آن مشتری خویم داشت اما باید در نظر داشته باشیم که از گاز صرفآ در ادامه پیغ و پیغ استفاده شده میتواند و نه برای تسخین و گرم ساختن منازل. راحله راسخ خرمی!

پیشنبادی که من در این زمینه دارم این است که شارووالی کابل وزارت معادن و صنایع در زمینه مورد بحث طرحی را مشترکاً موردن تصویب قرار داده و آنرا با ذکر دلایل قانع-کننده چهار نظر مفیدیت اجتماعی و چه از نظر ارزش اقتصادی در اختیار ارگنیزی تجاری کشور قرار دهنده تادر زمینه تورید مقدار گاز مایع با شرایط سهل با کشور های دوست هماس های به هنگام عقد قرار دادهای تجاری تیغه شود و زیونوون هم آنرا انکاس داده حتی حاضر است این دلایل را اگر در اختیار ما گذاشته شود به نشر رسائیم.

تاجیکیه این موضوع به وزارت معادن و صنایع تعلق می گیرد ها می کوشیم موضوع را به مقامات مسؤول بشنید کنیم و چنین زمینه بی رابطه وجود آوریم و در مورد موسسات دیگر میتوانم بگویم در صورتی که دو نوبت کاریه کونه بی در نظر گرفته شود که نوبت نخست از ساعت ۸ صبح آغاز و تا ۴ بعدازظهر دوام اورد و نوبت دوم از ساعت ۷ شام تروع و برای هشت ساعت ادامه یابد با توجه به اینکه سه ساعت از چهار بعدازظهر تا هفت شام را این موسسات در حال تعطیل کار قرار می گیرند میتوان انتظار داشت که بخشی از مشکلات کمبود برق در این ساعات که نیازمندی فراوانتری به آن محسوس است از میان برود. در پیلوی این مسائل باد آوری این نکته هم ضروری است که استفاده از انرژی برق برای پیغ و پیغ با داشتن دو خصوصیت بهترین و ارزانترین بیشتر مورد علاقه و توجه مردم قرار دارد و همین امر هم سبب کمبود آن می گردد - چراکه ظرفیت تولیدی محدود است و نمیتواند بیشتر از آن زمینه هصرف داشته باشد و همین نکته است که باید خانواده های ماهم آنرا در نظر داشته باشند و در هصرف برق تاجی امکان زیاده روی نکند و در همین جای سخن این باد آوری هم بیجا نیست که مشکل انرژی نبا مشکل شپر و کشور های راهیمه سوزنده در مورد استفاده از گاز مایع تولیدی خود ها

اجسام شفاف

علمی در بین صنف رو یکی از شاگردان لایق گرد و پرسید :

- نام یکی از اجسام شفاف را که با آن بتوان از یک طرف، طرف دیگر را دید برايم بگو :

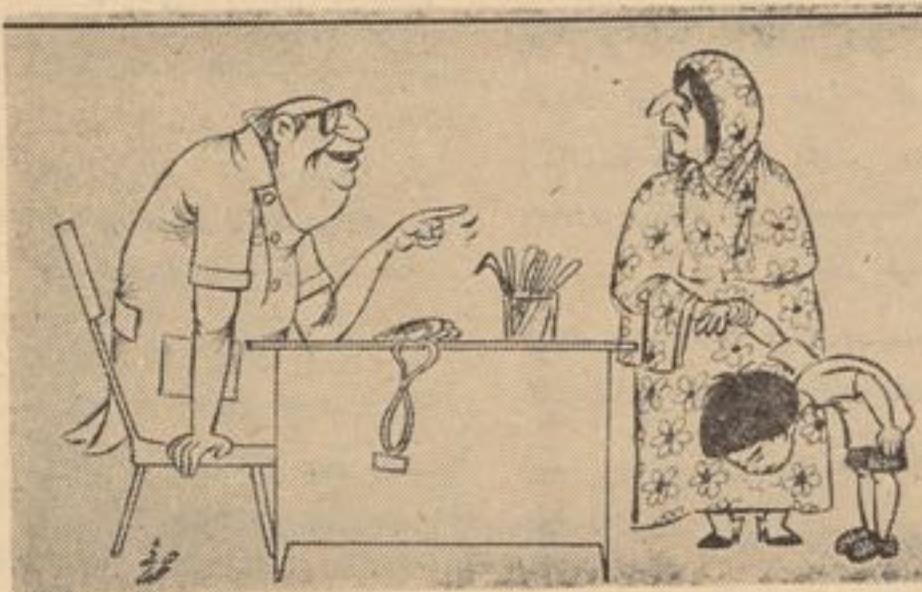
شاگرد بلا فاصله جواب داد :

خوب آقای علم صاحب اینکه شمامی گویند معلومدار است ؟

خوب چه است ؟

آب مرتبان شیشه بی است

ارسالی دل آغا وحیدی



خانم - داکتر چه خالک بسرم شد ... بچشم ریزش گرده و به همین وضع مانده است.

داکتر - غصه نخورید خانم اگر همینطور باقی بماند بسیار بچه هوشیار و درس خوان باقی می ماند .

شما سواد دارید

مسافری در بین سر ویس به مردم که سواد نداشت همسفر شد در راه دو کنسارش

پرو فیسور نشسته بود و مجله می خواند ...

مرد که سواد نداشت ، مجله را از او گرفت و شروع گرد به نگاه گردن ...

پرو فیسور پرسید :

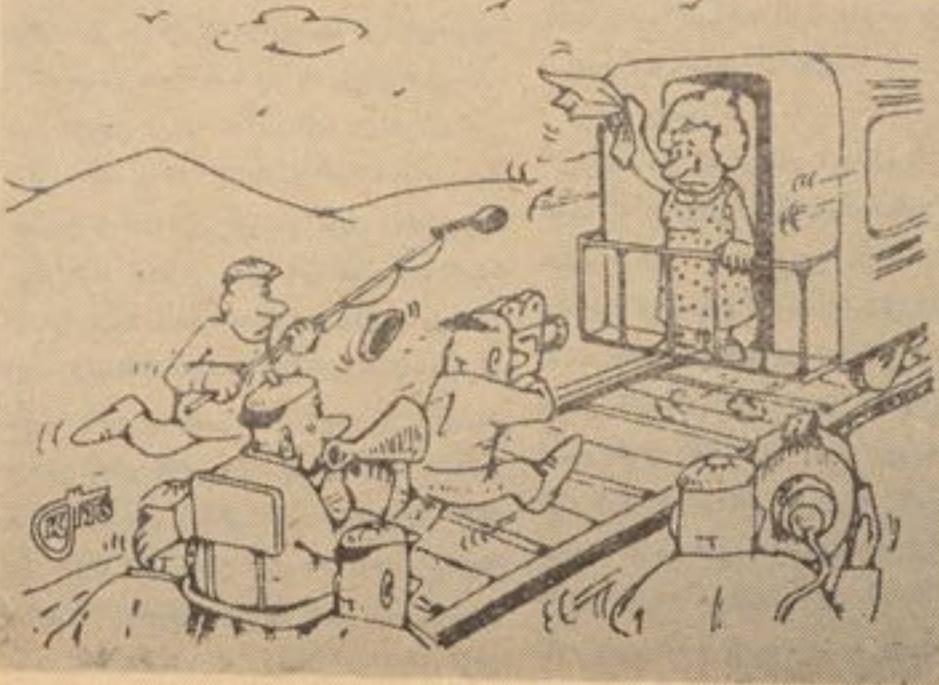
شما سواد دارین ؟

بلی که دارم !

- پس برای چه مجله را بر عکس گرفته اید ؟

برای اینکه کس دیگر اینطور تنبیوانده مطالعه کند .

ارسالی محمد سلیم لطیف زاده



وقیقه خانم از یک حادثه ترافیک جان بسلامت برد و عکاسان و خبرنگاران می خواهند راپورت از آن حادثه بگیرند .



باز هم اسکا تله دیها

مکناویش اسکا تله دی رو به دو ستش که برای دیدن او آمده بود گرد و گفت :

- بلی ... من در وصیت نامه ام نوشته ام که به هر گدام از مستخدمینم که بیش از

ده سال در منزل ام کار کرده باشد برایش ده هزار دلار بدھند !

دو سشن سری تکانداد و گفت :

سواه ... واقعا که تو آدم درست و دلباز و سخاوتمندی هستی ؟!؟!

مکنا ویش بلا فاصله حرف اورا قطع کرد: - نی ... نی جانم ... هیچ اینظر نیست .

آخر من هیچ مستخدم را بیش از ۲ سال زیاد تر در بین خانه تکه داری نمی کنم :

ارسالی محمد عارف «چوبک»



بدون شرح

شرم دارم

طبیب را دیدند که هر گاه بگو ر -

ستان میر سید دستمال بروی خود

گرفته و زود تیر می شد من دم سبب

آنرا پرسیدند گفت : از مردگان این

گورستان شرم دارم زیرا هر گدام

شربت میر اخورد ه است .

ارسالی عزیز احمد ولی زاده



بدون شرح

تبیه و ترتیب حمید (آذین)

مردی برا اثر پا گذاشتند روی یک و آدمی آنقدر مغزور و خود خواه یو سست کیله به زمین می خورد و در است که از خود ش کمتر می گل و لا ی جوی آب فرو میرود خندد !
انسان حیوان شوخ طبعی قبه می خندند .

((برگسون)) همچنین از استان گرو هی از زیست شنا سان معتقد اند که انسان ((حیوان مر گ افتاده دا کتر بر با لین شوخ طبعی)) است و تنها اوست او نشسته بود ، آقای دا کتر گو یا غذای چاشت آش خورد ه بود و شکمش مدام غرغیر میکرد و افتاده است پس خندیدن شر یک کاهی هم صدای عجیبی از او بگوش میرسید . پیرزن در حال احتضار که میدانست هر لحظه چراغ عمرش در خطر خواه موس شد ن است از شنیدن صدای غرغش شکم دا کتر قبه می خندید .

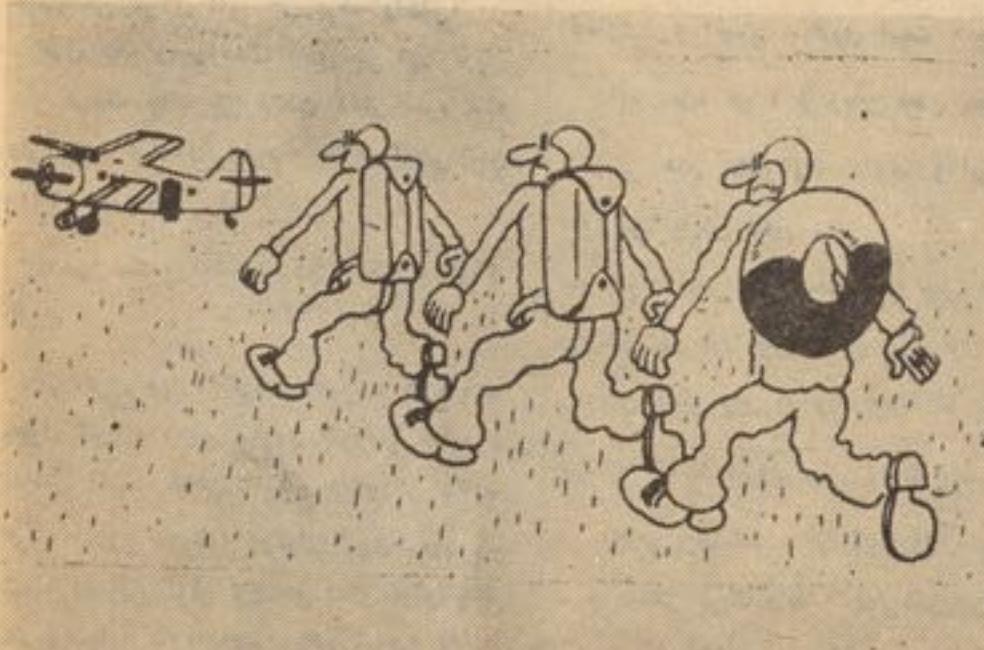
جدی ترین آدمهای ما یل اند که بخندند و آدمهای ((خنده رو)) یا خنده آفرین همیشه محبو ب ترین دوست در حلقه رفقا محسوب میشوند . به همین جهت است که فراهم آوردن مو جبات خنده باعث شیرت و محبو بیت میشود و هنرپیشگان کمدی بارها ارزاعی کشورهای مربوطه شان افتخار گرفته اند زیرا که با ذوق و استعداد استثنائی خود بازها ملت خود را خوش نگاه کرده اند .

((جارلی چا پلین)) از ملکه برگ هم آمادگی کامل دارد و در این قصه نشان میدهد که انسان برای خندیدن به نارا حتی های خنده دیگران را خود بازها ملت خود را خوش نگاه کرده اند .

دیگران است که ما را می خنداند

د اکتر بسیار ممنون هستم

هر یعنی رو به داکتر معالج خود کرد و گفت :
د اکتر جان ... بسیار معنون که حسنواری مراجعت کردین ... حالات بودی این معالجه چقدر بول بدلم ؟
داکتر گفت :
پنجاه دلار
هر یعنی با صدای بلند فرمود کشید :
چی گفتین ... چقدر بول بدلم ؟
نمی چانم ... گفتم عفتاده ام ...



مجرد

من از آب میترسم .

چو ام خندیدم !

با ب هو ب میکوید : از خنده بدون اینکه بدا نیم چرا میخندیدم آنقدر خنده میکند . شیک توین نوع مردن است ! اگر تو نه خندي ، زندگی به ریش تو می خندد !

((از ضرب المثلهای هندی)) وقتی که می خندی ام راض از تو فرار میکنند !

((از ضرب المثلهای چینی)) اگر بی پولی ، بخند تادر دش کمتر بشود !

((از ضرب المثلهای فرانسوی)) حتی وقتی که میمیری بالبخند بازندگی و داع کن !

((از ضرب المثلهای تایلندی)) در دو غم از خنده میترستند !

((از ضرب المثلهای فرانسوی)) همه می خواهیم بخندیدم تا مجا لی به غم نه هیم که خانه دل مارا تسخیر کند . خندیدن حصاری است که خود را از شر حمله و هجوم اندوهونگرانی و نامیدی در آن پنهان میکنیم .

یک فیلسوف آلمانی میکوید :
- خود خنده چیزی مهمی نیست ، یک عکس العمل طبیعی انسان است که خودش نفعی عاید انسان نمی کند و لی اثر مهم میشود .

خنده آنست که برای چند لحظه و دقیقه آدمی را از ((جدی بودن)) دور می کند .

یک روتینناس میکوید : در آن لحظه که مفرم از فکر کردن تهی میشود و حساب زندگی - چه مثبت و چه منفی از فکر مادور میکردد آن لحظه خوش شو شتر - یعنی لحظات زندگی - گی ماست و فقط ((خندیدن)) قا در است که چنین لحظات گران خنده میلیارد ها دلار تروت اند و خت واینک شیری در امر یکا به نام ((ولت دسینی لند)) بر پا شده که در حقیقت ((شهر خنده)) است .

((ها نری برگسون)) فیلسوف زیرا مادر تنها بی بهادرت می خندیدم خنده حالت واگیری دارد مانشان دهنده منگدلی ماست و گاه اتفاق افتاده که ما از غش غش خنده دیگران بدون دلیل - مثلا کسانی در شهر می بینند

تجارب و آموزش

۱- آیا بزرگان خا نواده آما-
دکی لازم را برای حل مشکل
دارند؟
۲- آیا بزرگان به قدر کافی
منصف هستند؟
۳- آیا مطرح کردن مسایل
خا نوادگی موجب کدورت همسر
نمی شود؟
۴- علاوه بر اینها، بسا او-
قات زنشوهر، از ینکه مشکلات
خودرا با کسان دیگری در میان
می گذارند، احساس شرمداری
نمی کنند و یا اینکه دخالت افراد
و اشخاصی دیگر و وضع را بدتر
نمی کند؟
زندگی خانوادگی در هر قدم و
در هر لحظه از خود خواسته
های دارد و مقتضیات که اگر
هو شیا رانه و خرد مندانه به آن
برخورد نشود هر آن مشکلی بر
مشکلات قبلی افزود می گردد
زن و شوهر با تجربه و آگاهی
تواند از آغاز مشکلات را نادیده
گیرد و با مقاومت و بسیار
شتنزندگی شاد و مسعود و بسیار
منظور زندگی مشترک، هدف مشترک
و خانواده مشترک با همه قضایا
برخورد منطقی و عاقلانه داشته
باشد.
می شود به این خا نواده خا-
نواده پیروز مند نامداد.

ورزش‌های ملی

وطنی) بنام اینکه ((بنی‌آدم اعضای یکدیگرند)) در محضر وزرگاران سراسر جهان، خاستا آنانیکه با شمول خویش در المپیا میان‌المللی ۱۹۸۰ ما سکو با گردان فراز و پیروزی کامل و چشمگیر، افتخارات عظیم معنوی را برای هموطنان و همنوعان خویش کسب میکنند، از صمیم قلب اهداء میکنم.)

نشر این کتاب مفید و ارزشمند را به مؤلف و ناشر تبریک میگوییم و در انتظار کارهای تازه‌تر و کاملتر در زمینه مسائل مربوط به فرهنگ عامه میباشیم.

مود دخپلی شلمی کالیبری دنمانخله به
وخت کی به دی بریالی شو و چی بوشیم
به زده پوری نناداری دهنرخوبی‌نکو دیا ره
ویاندی گیروه یوه به زده پوری نناداره چید
(۱۵) چمپوری‌تونو خغه نمایندگی کوی برابره
شون ده ددغی نناداری دایرکتر دبالت دنخا
ماستر کالینا شا خوفسکایا ده او مو زیک
کمپوز کونکی نی (دونایفسکی) ده دایرنسیا-
کوبسن به هرسته دنی نناداری چی (شودالی)
به بنسن ولاده او دناتار دکمپوز کو نکی
یارولین له خوا ورسه هرسته کیزی یه
کار اچوی.

زیر بیاپری دبالت دهنر لویناپری لم‌مود
سره دنخا به زده کیه کی هرسته کوی، اود
بالشوسی‌تیاتر بیاپری هنمندان زمود دهنری
ننادارو به تولیدکی له هور سره هرسته کوی.
زمود داکش رو نمایشونو به برخه کی بیاپری
هنر هند او دبالت هاستر لیونید باکو بسن
دبالت دنخا دیره مشکله برخه هم عملی کری.
مارینا اویس خوانو هنر مندانو ته دزده کی
ورکولو دنده به غایه لری .

دام ورکر. نن سمو دوف دیوه بیوونکس
په توکه، او شیلینا بیرته زمود دکلتور قصر
نه ددوو مسلکو نویه لرلوسره راسته شو
چی بیوی دسلو هنر اوبل تی دیبوونکی وظیله
ده مارینا ویتوسکایا چی په ۱۳ کلنه زمود
ستدیوته راغله اووس کولانی شی چسی
دبالت دنخا دیره مشکله برخه هم عملی کری.
مارینا اویس خوانو هنر مندانو ته دزده کی
ورکولو دنده به غایه لری .

ددغه گروپی هنری دله به تیره بنه توکه

هنه خه چی دهنر بیونکو از زووی دننادارو د

پاره ویاندی کوی او دعومند بالت نناداری د

خلکو دهیلو سره سم نناداره کونکو ته خنگ

وی. ددغه هنری دلی دعبه ننادارو خنده‌چی

خه موده دفعه زمود دتیاتر نوم په رسنی

توکه دبالت‌شوسی دتیاتر ستوری لقب غوره کر.

تاسی په کوم یرنسب سره دغی ستدیو او

دلی هنری دلی ته‌نی هنرمندان هنی؟

زمود دستدیو دروازه ده هنر هنری ده مخ

خلاصه ده چی دبالت دنخا سره هینه لری او

خوابی چی خبل فارغ وخت دنخا زده کولو

صرف کری .

دیره شلو کلونو په موده کی زمود دتیاتر

له خوا په سل گونوکسانوته دبالت دنخا په

برخه کی زده کری ورکر شوی ده. موده په خیل

دله تیاتر کی دعاشهانو دنخا برخه هم لرو

او ددغه گورس موده پنجه کاله ۱۲ اکل شوی .

موج اویس یوه نوی برخه په کار اچولی ده

چی په هنر کی هر خوک او په هر عمر دهنر

خوبی‌نکی کولانی شی چی برخه واخلي .

ددغه خه زمود عدف دادی چی هون کولانی

شو هر هنر چاهه چی دبالت دنخا سره هینه

ولری زده کری ورکر. دله هنری کمپنی اویس

۲۵۰ هنرمندان لری .

ددغه ستدیو لکبستونه دجاله خوا ورکو ل

کری .

ددزده کری دیاره لکبست دهیچایه غایه نه

اچول کری. ذهنو بیاپری بیوونکو دیاره د

معاش لکبست ددهن فلزا تو دفابریکی دکار.

کری اتحادی له خوا ورکول کری. موده یوه

شمیر دتمرین کوتی لرو چی ددهن کوتولکبست

هم دهیچایه غایه نه‌دی ورکر شوی. ددغه

تیاتر دایتیا و دسامان آلات دیاره دکلتودی

قصر له خوا دلکبست اندازه برا بر یزی .

خپر هممه‌نگی لو بغار و

خخه کیه اخستله دبالت‌شوسی دتیاتر بیاپری هنر

مندانو زمود سره ستره هرسته کپی ده او

اکفرآ مود دبالت‌شوسی دتیاتر خخه وریا هرستی

لابه لاسه کپی دی .

خه موده دفعه زمود دتیاتر نوم په رسنی

توکه دبالت‌شوسی دتیاتر ستوری لقب غوره کر.

تذکرۀ الاویای عطار

حلاج نسبت به حقانیت خویش یقین عجیبی اندازان و عیار واریافت با سیزده بند گران

دارد. یقین نه که اصلاً چیزی برتران تعین که این خرامیدن از چیست؟ گفت: زیرا
با او خود را حق می‌خواند. یعنی او در واقع که به نعرگاه می‌روم .

انسان رایگانه حقیقت مسلم جهان می‌بسوه بر داد و پای برند بان نهاد . گفتند:

ما حصل اندیشه او، ثبوت نقش افرینشده حال چیست گفت: هراج مردان سردار است

دوین شمار تهستان شو، بیا هم پس شبی در مقابلة او بایستاد و گفت: ما

انصوف یا حلاج؟ گفت: کمترین اینست انسان، و انسان سالاری است .

بایدید تابا هم اذ زبان عطار بزرگ که می‌یشن . گفت بلند تر کدام است؟

اندیشه های حلاج را بشنویم و بر گفته گفت تورا بدان راه نیست .

پس بردار شد. و هرگز سنتی می‌انداختند .

پس دستش جدا گردن، خنده بزد .

دودست بریده خون آلد بروی درمالید

وروی وساعده را خون آلد گردن گفتند چو

کردی؟ گفت: خون بسیار از من دفت . دانم

که رویم زرد شده باشد. شما پندارید که

زردی روی من از ترس است. خون در روی

هالیم تادر چشم شما سرخ روی باشم که

گلکونه مردان خون ایشان است .

صد هزار آدمی گرد آمدند بود. نقل است که

درویشی در آن هیان اذ او پرسید: عشق

پس دیگر روز او را ببرند تا بکشند.

چیست. گفت: امروز یعنی وفردا ویس فردا

آن روزش بکشند . و دیگر روز سوختن

سوم روزش بکشند . و دیگر روز سوختن

هم دهیچایه غایه نه‌دی ورکر شوی . ددغه

تیاتر دایتیا و دسامان آلات دیاره دکلتودی

قصر له خوا دلکبست اندازه برا بر یزی .

از راهی که بروزید ۵ ایدم بروزمه گردیدم

های استعمار، ارتیاع و امپریالیزم را هما نظریکه تا حال ما دندن جواب دندان شکن نقش بسر آب ساخته اند، با پایمردی و دلیری بازهم نقش برآب خواهندساخت. ولی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان همان طوریکه در اعلامیه ۱۹۸۰ تاریخی چار دهم می سال اعلام داشته است آماده و حاضر است که مطابق به متن همان اعلامیه و همان موضع گیری صادقانه با عمالک همسایه به مذاکره نشسته و در جهت حل مسایل هربوط و رفع تشنجات در منطقه مقاومه و مذاکره نماید. حکومت جمهوری دموکرا-
تیک افغانستان عقیده مند است که کشور های ذیدخل به عنوان ایسراز حسن نیت فعالیت های ضد افغانی شانرا متوقف و راه مقاومه و مذاکره را باز نمایند.

دیر مسؤول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
امر چاپ : علی محمد عثمانزاده
درس : انصاری و اپ-جوار ریاست
هظام دولتی - کابل

تيلفون مدير مسؤول : ٢٦٨٤٩
تيلفون ارتباطي دفتر : ٢١
تيلفون توزيع وشكايات ٢٦٨٥٩

1000 1000 1000

فعالیت هشتم رکار اجتماعی به آنها
خاطر رفاهیت وطن محبوب هاتا، مین
واهد شد. حکومت به تامسی از
مسئول اساسی ج، د، ۱، یکباره دیگر
نمیمین می کند که برای کوچی ها،
سایل و هالداران نه تنها استفاده
جانی از چراگاهها بشکل عادلانه
پیما ساخته می شود بلکه حق حرکت
داد آنها در کشور تاکید می
ردد . . . تحولات مشتبقی کسه در
کشور در دست انجام امسیت و
کشت روز افزون افغانیهای خارج
وطن، موجبات خشم محافظه
تجاعی و امیر یالیستی را فرامهم
وده است . . .)

ارتجاع و امپریا لیزم بادستیاری
مقطاران ارتجاعی و عقب گیرای
رد از همان نخستین روز های
روزی انقلاب ملی و دمو کرا تیک
ر در صدد آن بوده اند تا با برآه
داختن موافع و دساویس سد راه
انقلاب مردم افغا نستان شوند ،
آن تلاش های مذبوحانه بخصوص
من از پیروزی مرحله توین انقلاب
در ابعاد وسیع تری یافت ولی آن
بره سران ، آن دشمنان واقعی
ضرف بشریت با این اعمال
بیش چنین می بنداشتند و می
دارند که می توانند با برآهانداختن
دساویس و توطئه ها و ارتکاب اعمال
شیانه و خلاف کرامت انسانی
نم آزاده افغا نستان را از راهی
انتخاب نموده اند برمی گردانند؟
و می مردم زحمتکشی
ما نستان که سالها زیر بار ظلم
است و استبداد و استثمار رنج
دهو، حاصل کارشا فرا عده یی
مفت خواران و ایسته به امپریا-
م زبده بودند ، هرگز از راهی
انتخاب نموده اند راه انقلاب
اعمار وطن ، راه شکوفان ساختن
آن ، راه بهروزی خلق برخواهند
مت و همه دساویس و نوطئه

تاختوش بی گردها و آزار امیست
جاسوس و سفاک نامدار شده
دند، فریب دهنده، ونی پس از
وزیر مرحله توین و تکاملی انقلاب
و استقرار روز به روز او خدا
وطن عودت دسته جمعی هزاران
وطن فریب خورده و فراری ظالم
ن و باند جنایتکارش یکی دیگر
نمودهای پشتیبانی می‌ردم از
لاب و هکذا اطمینان آنها به آینده
به حیات بهروز فرد می‌باشد که
گشت ده ها هزار نفر از ساکنین
ستاها و شهرهای وطن و ادامه
پروردگار مولید روشن و گویای
بری است از وحدت دولت و مردم

طی مینان و انتکای مردم به سیاست
ب دمو کرا تیک خاق افغانستان
حکومت جمهوری دمو کرا تیک
نستان .

حکومت جمهوری دمو کرا تیک
نستان بخصوص ص پسند از
وزی مرحله نوین و تکاملی
تب ثور بطور مستمر آغوش وطن
برای پذیرش آن عده از هموطنان
یق ما که فریقت تبلیغات سوء
روغین و دور از واقعیت دشمنان
تب شده اند و تا هنوز درخارج
کشور باقی هاند هاند ، صمیمانه
سادقانه باز گذاشته است عفو
می آن عده از هموطنان ماکه
هنوز در خارج هانده اند و دست
بخون پاک همراه طنان بی گذره
همتکشی ما الوده نشده . یکبار
از طرف حکومت جمهوری زی
کرا تیک افغا نستان طی اعلامیه
اخی ۲۷ جدی ۱۳۵۹ موکد و
بلد .

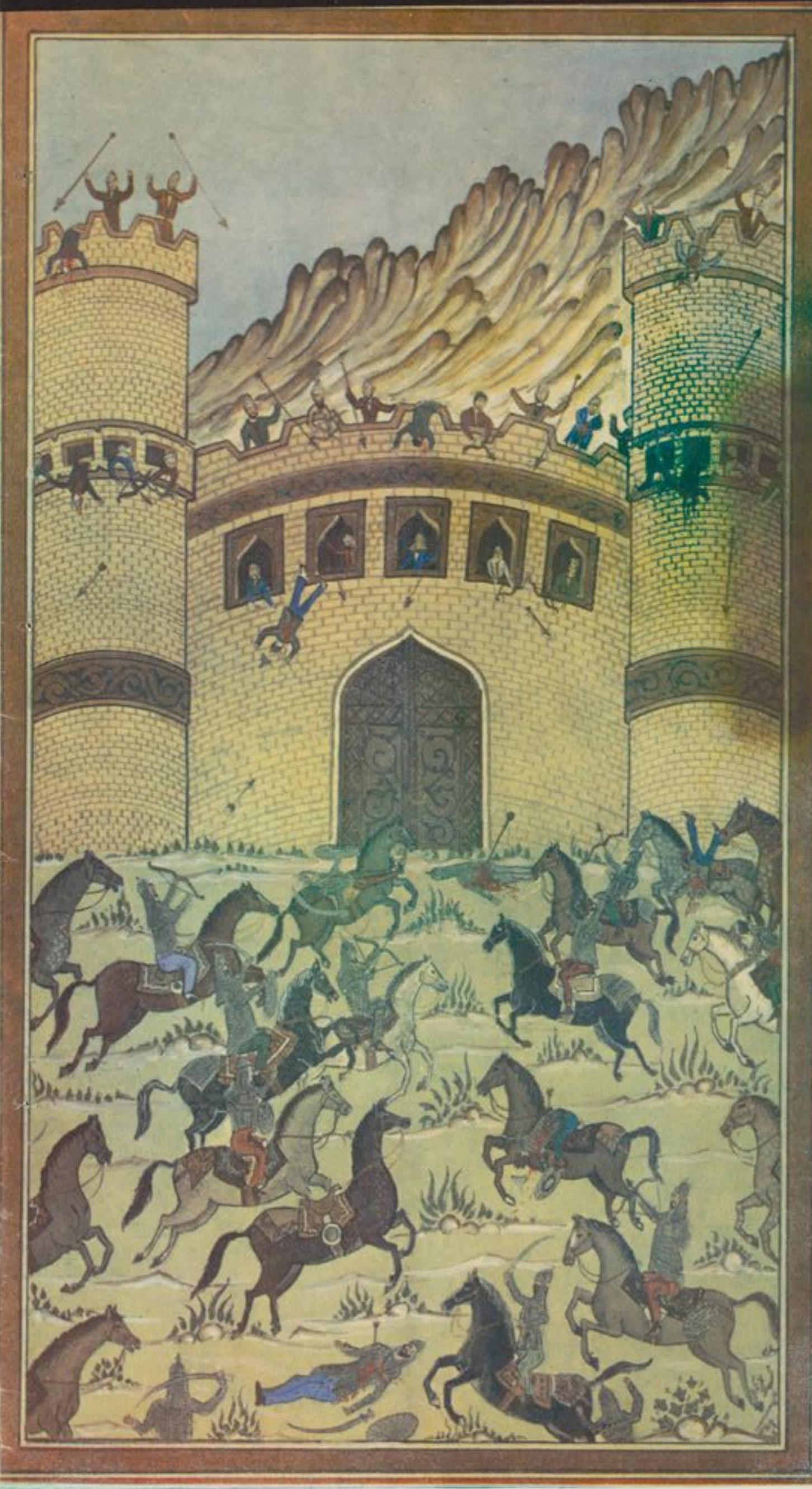
زین اعلامیه تجمله چنین گفته از
سود : () . . . حکومت جمهوری
کرا تیک افغا نستان یا اعلان
گی برای پذیرفتن افغانیای
از کشور خاطر نشان می کند
 تمام شرایط لازم زندگی آبرومند

نحوهای مثبت و دمو کراتیکی که با پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور در وطن ما برآه افتاده است عملا از طرف توده‌های ملیونی مردم با ابعاد روز تا روز گستردۀ تر مورد تائید و پشتیبانی قرار می‌گیرد. این تائید و پشتیبانی از درک هم احساس مردم ناشی شده است چه مردم زحمتکش و شریف می‌باشند بخوبی در عمل دیدند که دولت مردمی شان هر آنچه هی گوید و وعده‌هی دهد در معراض عمل قرار می‌دهد.

تائید ، دفاع و پشتیبانی مردم ایران هکذا متن ضمن تحکیم هرچه بیشتر دین و نهاد حکومت مردمی و دمو کرا تیک افغا نستان ، انکشاف اقتصادی بمنفع مردم و در جهت ارتقای سطح حیاتی زحمتکشان و تعیین نظم عامه افغانستان و مراعات همه جانبیه و دقیق قانون افغانی باشد .

پشتیبانی مردم از سیاست
حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و دولت جمهوری
دموکراتیک افغانستان ضمن
الات های ببرگ کارمل منشی
عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا-
تیک خلق افغانستان ، رئیسین
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
جمهوری کردی افغانستان بسا
نمایند گان اقوام و ملیت های مختلفه
مردم که از نقاط مختلف کشور برای
این منظور آمده بودند ، بخوبی
نمودار گشتم .

با پیروزی انقلاب آور و هکندا
مرحله نوین و تکاملی آن ، مفت
خواران و مرتعیین چون ساحه را
بر خود تنگ دیدند بدستیاری
مپریا لیزم و ارجاع منطقه بنای
تزار را گذاشته و در حاشیه جنوبی
شرقی و غربی سر حدات کشور ما
مستقر شدند ، آنها توانستند عده
ی از هموطنان شریف هارا که



کل پر بی خسرو ام و رارین
چهن کفت قای لی غرچه ام و شکن

هُنْزِ مِنَاتُرِی ، تِرْكِیبِی از زیبایی و نازکِ خیالی و مخلوطی از رنگهاست که اعجَابِ انگیز است .

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library